

بسم الله الرحمن الرحيم

دولت جوان فتوح الهی

بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت جوان حزب اللهی
در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)



انشارات انقلاب اسلامی



بررسی مفهوم و ویژگی‌های

دولت جوان حزب اللهی

در بیانان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

به کوشش: معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی))

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ - ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۹۱-۴۰-۱

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی هلالی، شماره‌ی ۲۶

فروشگاه مرکزی: ۰۲۱۶۶۴۸۳۹۷۵ - ۰۲۱۶۶۴۹۳۵۴۸

فروشگاه قم: ۰۲۵۳۷۷۰۲۸۵۲، فروشگاه مشهد: ۰۵۱۳۲۲۸۱۲۲۵-۷

تارنما: <http://Book-Khamenei.ir>

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir

سامانه‌ی پیام کوتاه: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰



ویرایش این کتاب براساس قواعد ویراستاری

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) انجام شده است.



سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور: دولت جوان حزب اللهی، به کوشش معاونت پژوهش و آموزش.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، ۱۴۰۰.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۹۱-۴۰-۱

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره‌ی دولت

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره‌ی جوانان

موضوع: سیاست - ایران

شناسه افزوده: معاونت پژوهش و آموزش، گردآورنده

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۶۴۴۰

مقدمه

دولت اسلامی مسئولیت و تعهد تحقق جامعه‌ی اسلامی را بر عهده دارد و الگوی پیشرفت در عرصه‌های «فکر»، «علم»، «زندگی»، «معنویت» و «عدالت» را پیگیری مینماید. در پی واکاوی نظرات و دیدگاه‌های امام خمینی^(ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شاخصهایی برای الگوی دولت اسلامی برشمرده شده است که عبارتند از: تأمین رفاه عمومی، پرهیز از خصلت کاخ‌نشینی در کارگزاران و مردم، توجه به معنویات در دولت و جامعه، غافل نشدن از دشمن، نقد و نظارت همگانی بر قدرت، مردم‌سالاری و محوریت قوانین اسلام، دولت عدل و انصاف و حمایت از محرومین و... همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای^(مد ظله العالی) نیز شاخصهایی برای الگوی دولت اسلامی معرفی نموده‌اند که میتواند به تناسب شرایط روز و اشراف ایشان از وضعیت دولتها، در شناخت دقیق الگوی دولت اسلامی و نیازمندی‌های ایجاد آن مؤثر واقع شود. لذا برخی از شاخصهای تحقق الگوی دولت اسلامی از دیدگاه رهبر معظم از این قرار است: سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی کارگزار، روحیه‌ی خدمت در کارگزاران، دغدغه و مسئله‌مندی نسبت به عدالت و مبارزه با فساد، قانون‌گرایی و نهادینه نمودن آن، حکمت و خردگرایی در

امور و تکیه به ظرفیت درون‌زا و ...

از جمله مواردی که میتواند به عنوان یک شاخص کلی برای تشخیص مطلوبیت دولت اسلامی و همه‌ی دولتها به کار رود، موضوع «کارآمدی دولت» است که با مشروعیت کارگزار در تصدی آن مسئولیت دارای ارتباط مستقیم است. کارآمدی مقوله‌ای چندوجهی است و به همه‌ی شاخصهای دولت مطلوب مرتبط است و در صورت کارآمد شدن دولت، بخش مهمی از مؤلفه‌های دولت اسلامی محقق خواهد شد. البته لازم به یادآوری است که مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی، در عرصه‌ی اقتصادی عامل اساسی و مهم برای کارآمدی دولت بوده که امروزه آسیب‌ها و تهدیدهای اقتصادی به عنوان معضل در احساس ناکارآمدی دولت محسوب میشود.

محوری‌ترین مؤلفه‌ای که در شاخصهای معرفی شده از سوی امام و رهبر معظم انقلاب برای ایجاد دولت اسلامی مطرح است مسئله‌ی «اندیشه و عملکرد کارگزار» است. کارگزار شایسته، طراح تمام برنامه‌ها، مجری همه‌ی سیاستها، واضع قوانین و متصدی اصلاح و تحقق دولت اسلامی در چهارچوب نظام انقلابی است. کارگزار در تراز دولت اسلامی که بخش مهمی از شاخصهای دولت اسلامی را به خود اختصاص میدهد، دارای دو ویژگی با اهمیت است؛ یکی در حوزه‌ی تعهد و خصوصیات اخلاقی فردی و اجتماعی از قبیل عدالت، تقوا و معنویت است؛ دیگری داشتن تجربه و تخصص لازم مدیریتی و اجرایی برای تصدی امور محوله است تا منجر به کارآمدی در نهاد مربوطه شود.

با آسیب‌شناسی دولتها میتوان ضعف در برخی کارگزاران و ضعف در فرایندهای ساختاری و دیوان‌سالاری غیرچابک را بیان کرد که برای مطلوبیت و کارآمدی دولت نیازمند چابک‌سازی دیوان‌سالاری منطبق با الگوی مدیریت جهادی و تربیت کارگزار تراز انقلاب اسلامی متعهد و

متخصص، و اصلاح موانع فرایندهای ساختاری است. این دفتر در صدد است در گام دوم انقلاب اسلامی با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب درآمدی در تبیین الگوی ساخت دولت اسلامی توسط سرمایه‌ی انسانی انقلابی باشد که دارای خصلتهایی همچون جوانی، دانایی، انقلابی، خردمندی، پیرانگی و برخورد از اعتماد به نفس، کاردانی و کارآمدی و با زیربنای عمیق و اصیل دینی و ایمانی، مؤمن و مسلط به دانشها باشد. در پایان از فرهیختگان ارجمند دفتر مطالعات اسلامی معاونت پژوهش و آموزش که ما را در نگاشت این اثر کمک کردند، تشکر و قدردانی میشود.

معاونت پژوهش و آموزش

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

فهرست مطالب

فصل اول: معناشناسی «دولت»

۵	دولت به معنای عام
۶	دولت به معنای خاص
۷	نسبت رهبری و دولت
۸	وظایف رهبری در قبال دولت
۱۰	وظایف رسانه‌ها و مطبوعات در قبال دولت
۱۱	وظایف نخبگان در قبال دولت
۱۱	الف- انتقاد صحیح و منصفانه
۱۲	ب- پرهیز از تفرقه و دودستگی
۱۴	ج- دوری از سرزنش و اهانت و توهین
۱۴	د- کمک به دولت
۱۵	وظایف مردم در قبال دولت
۱۵	الف- حمایت از دولت
۱۸	ب- درک مشکلات کار دولت
۱۸	ج- تبعیت از قانون
۱۹	د- کمک در زمینه‌ی اقتصادی
۲۰	رابطه‌ی دولت و مجلس

- جایگاه ویژه‌ی دولت در نظام اسلامی ۲۰
- دولت اسلامی ۲۱
- تعریف، اهمّیت و ویژگی‌های دولت اسلامی ۲۱
- الگوی اسلام برای نظام‌سازی و نقش دولتمردان در معرّفی این الگو ۲۵
- اهمّیت اسلامی بودن دولت ۲۸
- راه اسلامی شدن دولت ۲۸
- لوازم اسلامی بودن دولت ۳۰
- الف- اداره‌ی کشور توسط دولت بر اساس روش اسلامی ۳۰
- ب- هدف بودن آرمانهای اسلامی و اعلاء کلمة‌الله ۳۱
- جایگاه ویژه‌ی عدالت در دولت اسلامی ۳۲
- الف- جایگاه قوّه‌ی مجریّه در اجرای عدالت ۳۵
- ارزشمندی مسؤولیت در دولت اسلامی ۴۰
- عداوت انواع دشمنان با دولت اسلامی ۴۱
- راه موفّقیت دولت اسلامی؛ اعتماد به خدا و مردم ۴۲
- اصل نظارت بر دولت ۴۴
- ویژگی‌ها و اوصاف لازم کارگزاران دولت اسلامی ۴۵
- خصوصیّات لازم برای مسؤولین کشور ۴۸
- ۱- تدبّین ۴۸
- ۲- تقوا ۵۰
- ۳- یاد خدا ۵۱
- ۴- ایمان به غیب ۵۳
- ۵- زهد، ورع و مهار نفس ۵۴
- ۶- سلامت اعتقادی ۵۶
- ۷- عدم اعتقاد به انسداد و بن‌بست ۵۹
- ۸- سکینه و آرامش روحی ۶۰
- ۹- آرمان‌گرایی توأم با واقع‌بینی ۶۰
- ۱۰- مردمی بودن ۶۲
- ۱۱- رعایت انصاف در حقّ مردم با پرهیز از امتیازات ویژه ۶۴
- ۱۲- خدمت به مردم ۶۵

۱۳- خدمت پدران به محرومین	۶۶
۱۴- سلامت اقتصادی	۶۷
۱۵- پرهیز از ورود در فعالیت‌های شخصی اقتصادی	۷۰
۱۶- وجدان کاری	۷۱
۱۷- احساس مسئولیت در برابر خداوند	۷۱
۱۸- شجاعت	۷۲
۱۹- خودآگاهی	۷۴
۲۰- در پی خودسازی بودن	۷۵
۲۱- اعتماد به نفس ملی	۷۶
۲۲- عدالت‌ورزی	۷۷
۲۳- جرئت مقابله با فساد	۷۹
۲۴- دوری از تکبر، منیت و هواپرستی	۷۹
۲۵- امین و امانت‌دار بودن	۸۳
۲۶- عدم سوءاستفاده از مقام	۸۴
۲۷- اخلاص، توکل، صبر	۸۴
۲۸- هدف ندیدن مقام و سمت	۸۶
۲۹- تلاش خستگی‌ناپذیر	۸۸
۳۰- دشمن‌شناسی	۸۹
۳۱- ملاک قرار ندادن رضایت و خشم دشمن	۹۰
۳۲- ظلم‌ستیزی	۹۰
۳۳- جرئت ایجاد تحوّل	۹۱
۳۴- عزّتمندی	۹۱
۳۵- حرکت در جهت آرمانها و ارزشهای اسلامی	۹۲
۳۶- قانون‌گرایی	۹۳
۳۷- عقلانیت، حکمت و تدبیر	۹۴
۳۸- تکیه به ظرفیتهای داخلی	۹۶
۳۹- اصول‌گرایی همراه با نوآوری و تحوّل	۹۸
۴۰- التزام به اصلاحات اسلامی	۱۱۲
۴۱- واقع‌بینی	۱۱۳

فصل دّوم: معناشناسی «جوان»

جوان	۱۱۹
جوان‌گرایی	۱۱۹
اهمّیت جوان‌گرایی	۱۲۰
کم شدن فاصله بین باید‌ها و واقعیّتها توسط جوانان	۱۲۰
اجرای عدالت به وسیله‌ی جوانان	۱۲۱
استفاده از ظرفیّتهای کشور به وسیله‌ی جوانان	۱۲۱
پیشرفت علمی به دست جوانان	۱۲۱
چشم امید به جوانان برای تحوّل در سبک زندگی	۱۲۲
پیشبرد اقتصاد مقاومتی در دولت به دست یک مجموعه‌ی جوان	۱۲۲
ابتکار، پیشرفت و سرعت در کارها بر اثر مسؤولیّت دادن و اعتماد به جوانها ...	۱۲۳
اهمّیت اصل شایسته‌سالاری در جوان‌گرایی	۱۲۴
جوان‌گرایی در کنار تجربه	۱۲۵
جوان‌گرایی در سطوح مدیریّت میانی	۱۲۸
ویژگی‌های جوان	۱۲۹
۱- معنویّت	۱۲۹
۲- امید	۱۳۰
۳- استکبارستیزی	۱۳۰
۴- احساس مسؤولیّت	۱۳۱
۵- اعتماد به نفس و خودباوری	۱۳۱
۶- نشاط و توانایی	۱۳۲
۷- جسارت، انگیزه و بلندپروازی	۱۳۲
۸- ابتکار و نوآوری	۱۳۳
۹- استعداد	۱۳۴
۱۰- حقیقت‌پذیری	۱۳۴
سازمان جوان	۱۳۴
دولت جوان	۱۳۶
ضرورت به‌کارگیری جوانان در دولت	۱۳۸

فصل سوّم: معناشناسی «حزب الله»

وظایف و شاخصه‌های حزب الله	۱۴۸.
۱- غیرت دینی	۱۴۸.
۲- مردمی	۱۴۹.
۳- عمل جهادی و رویکرد تکلیف‌گرا	۱۵۰.
۴- عامل اقتدار و سرافرازی کشور	۱۵۱.
۵- عمل خالصانه و صادقانه	۱۵۲.
۶- باور تعهدآفرین و عمل‌زا	۱۵۳.
۷- پیروی از خطّ امام	۱۵۴.
۸- هوشیاری و بیداری در فتنه‌ها	۱۵۴.
۹- تأثیرگذاری در سازندگی و پیشرفت کشور	۱۵۵.
۱۰- تأثیرگذاری در پیشرفت علم	۱۵۶.
۱۱- جهاد کبیر فرهنگی	۱۵۶.
ضرورت به‌کارگیری نیروهای حزب اللهی در دولت	۱۵۶.

فصل چهارم: دولت جوان حزب اللهی

جایگاه دولت جوان حزب اللهی در منطق اسلام ناب	۱۶۳.
ضرورت دولت جوان حزب اللهی	۱۶۳.
کارآمدی دولت جوان حزب اللهی	۱۶۴.
ایجاد تحوّل به‌وسیله‌ی دولت جوان حزب اللهی	۱۶۶.
ضرورت تحوّل با توجّه به مشکلات مزمن و ظرفیتهای معطل مانده	۱۶۷.
چستی تحوّل	۱۶۹.
نفی تحوّل در مبانی و اصول انقلاب	۱۷۰.
اهداف و آرمانهای تحوّل	۱۷۰.
موارد تحوّل	۱۷۱.
۱- تحوّل در حکمرانی و نحوه‌ی مدیریت	۱۷۱.
۲- تحوّل در سبک زندگی	۱۷۲.
۳- تحوّل در دانشگاه	۱۷۲.
جوانهای نخبه؛ راه منحصر به فرد ایجاد تحوّل	۱۷۳.



رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی):

«شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند؛ بخصوص جوانهایی که مثلاً مربوط به تشکلهای گوناگون دانشجویی هستند. باید خودکار حرکت کنید، باید بچه‌هایی که اهل اندیشه هستند؛ بعضی‌ها هستند در اندیشه‌ورزی پیشرو هستند، بعضی‌ها در حرکت‌های اجرایی پیشرو هستند؛ هر کدام در هر قسمتی که توانایی‌اش را دارید بایستی خودجوش و خودکار باشید؛ مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت. خوب، اگر باور میکنید ما هم یک وقتی هم‌سَن شما بودیم، یک زمانی در همین دوره [بودیم]. اتفاقاً در این سنین دوران مبارزات بود. واقعاً آن روزها خودجوش حرکت میکردیم. نمیخواهم حالا من راجع به خودمان حرف بزنم اما یک واقعیتی است. آن روز - در آن سالهای مبارزه - کسی بالای سر ما نبود؛ نه حزبی بود، نه سازمانی بود، نه جمعیتی بود؛ [تنها] امام بزرگوار بود [آن هم] در نجف یا در ترکیه. گاهی اوقات یک پیامی از امام می‌آمد، یک اعلامیه‌ای می‌آمد، خونی در رگهای ما به جریان می‌انداخت و ما را هدایت میکرد. خوب موانع هم زیاد بود؛ هم کتک بود، هم زندان بود، هم موانع پولی بود، هم گرسنگی کشیدن بود، از این چیزها هم بود اما در عین حال حرکت میکردیم، پیش میرفتیم. جوانها امروز باید این جوری حرکت کنند؛ مثل مبارزات مبارزین دوران طاغوت. و اگر از این قبیل کارها که من گفتم و این فهرستها انجام بگیرد، توطئه‌های دشمن خنثی میشود؛ آن توطئه‌های نرمی که همه از آن حرف می‌زنند و می‌گویند - که در درجه‌ی اوّل، فلج کردن نسل جوان است [یعنی] یکی از

مهم‌ترین توطئه‌هایی که امروز علیه کشور ما و انقلاب ما دارد انجام می‌گیرد، توطئه‌ی فلج کردن نسل جوان است و سرگرم کردنش به شهوات، سرگرم کردنش به کارهای بیهوده، [مثل] بازی‌های کامپیوتری و کارهای گوناگونی که وجود دارد، مبتلا کردنش به مواد مخدر و کارهای گوناگون از این قبیل؛ اینها فلج کردن نسل جوان است - با این شیوه‌ای که من عرض کردم، خنثی می‌شود. توطئه‌ی نومید کردن نسل جوان با همین حرکتها که نشاط‌آفرین و امیدآفرین است، از بین می‌رود. بنابراین، اگر چنانچه ان شاء الله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصه‌های شما پایان خواهد پذیرفت.»^۱

«من البته - همچنان که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرر هم گفته‌ام - به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البته دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سرپا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و ازکارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده میماند و بنده زنده میماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه‌ی خوبی را میتوانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که میتواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد.»^۲

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

۲. در ارتباط تصویری با جمعی از نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

فصل اوّل

معناشناسی «دولت»

شناخت بعضی از مقدمات نسبت به موضوعات، یکی از ضروریات ورود به مباحث مختلف است و از همین روی دستیابی به تعریف روشن و ساده از مفاهیم به کاررفته در ترکیب «دولت جوان حزب اللّهی»، ضروری مینماید. لذا ابتدا به شناسایی واژهی «دولت» خواهیم پرداخت. با گذر از معنای لغوی دولت، اغلب دو کاربرد سیاسی عام و خاص برای این واژه وجود دارد که به معرفی این دو کاربرد خواهیم پرداخت.

دولت به معنای عام

دولت در معنای عامّ آن به معنای کلّ ساختار و عوامل حکومت اعمّ از رهبری و سایر مسئولان حکومتی است.

نکته‌ی حائز اهمیت در مورد کاربرد واژهی «دولت» در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) این است که اگر دولت در مقابل نظام و به عنوان مفهومی مستقل از نظام به کار رود - چنانچه معظّم له در ضمن بیان مراحل پنج‌گانه‌ی نظام اسلامی، مفهوم دولت اسلامی را مستقل از مفهوم نظام به کار برده‌اند - در این صورت واژه‌ی دولت دلالتی بر ساختار و نظام سیاسی ندارد و مراد از آن صرفاً مجریان و عوامل آن هستند؛ امّا در سایر موارد، معمولاً واژه‌ی دولت، هم بر ساختار و هم بر عوامل آن دلالت دارد که همان

مفهوم دستگاه حکومت یا دستگاه اجرایی است:

«دولت به معنای عام؛ یعنی مجموعه‌ی دستگاه حکومت، اعم از قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌هایی که هر کدام به نحوی در کار اداره‌ی کشور دخالت دارند.»^۱

«نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت نه به معنای هیئت وزرا [بلکه] به معنای عام، یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه.»^۲

غیر از موارد فوق نمونه‌های فراوانی نیز وجود دارد که آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، دولت اسلامی را در معنای عام حکومت اسلامی به کار برده‌اند.

البته به این علت که قوه‌ی مجریه بارزترین جلوه از دولت به معنای عام است لذا عموم مطالبی که راجع به دولت اسلامی به معنای عام آن از سوی معظم‌له بیان شده است، تا حدود زیادی منطبق با دولت به معنای قوه‌ی مجریه نیز هست؛ مگر در مواردی که وظیفه یا کارکرد خاصی مورد نظر باشد که مخصوص یکی از قوا یا نهادهای غیر قوه‌ی مجریه باشد.

دولت به معنای خاص

دولت به معنای خاص آن عبارت است از هیئت وزیران و رئیس آن. به طور کلی در نظامهای حکومتی که سه قوه‌ی مجزای مجریه، مقننه و قضائیه دارند، قوه‌ی مجریه دولت نامیده می‌شود. این واژه امروزه در ادبیات فارسی، اغلب به همین معنا به کار می‌رود. مقصود این نوشتار از دولت، عبارت است دولت به معنای خاص یا همان قوه‌ی مجریه.

۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت وزیران در آستانه‌ی هفته‌ی دولت ۱۳۶۹/۶/۱

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲؛ نیز رجوع کنید به بیانات در دیدار فعالان اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶ و بیانات در دیدار اعضای شورای عالی

انقلاب فرهنگی ۱۳۹۰/۳/۲۳

نسبت رهبری و دولت

«اما اینکه رهبر باید پاسخگوی مشکلات کشور باشد، البته همین طور است و شکی در این نیست؛ قانون هم موازین پاسخگویی را مشخص کرده است. هر کس به هر اندازه که حوزه‌ی اختیارات او است، باید پاسخگو باشد.»^۱

«مسئولیت مدیریت انقلاب با مدیریت اجرایی کشور فرق دارد؛ این را توجه داشته باشید. رهبری طبق قانون اساسی در کشور مسئولیت اجرایی ندارد؛ جز در زمینه‌ی نیروهای مسلح. مسئولیت اجرایی به عهده‌ی قوای سه‌گانه است، منتها مدیریت انقلاب - که همان رهبری باشد - مسئولیت حفظ جهت‌گیری انقلاب و نظام را دارد؛ باید مواظب باشد انقلاب و نظام از آرمانها منحرف و منصرف نشود؛ فریب دشمن را نخورد و راه را عوضی نرود؛ اینها مسئولیتهای رهبری است.»^۲

«مسئولیت اجرایی به عهده‌ی مسئولان اجرایی است و هر کس مسئولیتی دارد، باید طبق مسئولیت خود عمل کند. رهبری نمی‌آید به وزارت اقتصاد یا بازرگانی بگوید این طوری کن؛ یا به رئیس‌جمهور و فلان وزیر و فلان قاضی بگوید آن طوری کن؛ اینها کارهایی است که رهبری نباید وارد شود؛ هم برخلاف قانون است، هم برخلاف حق و مصلحت. مملکت باید طبق روال قانونی و با مسئولیتهای مشخص شده حرکت کند؛ هر کس هم برخلاف مسئولیتش رفتار کرد، بالاخره تبعه، دنباله و نتیجه‌ای خواهد داشت که با آن هم طبق قانون باید رفتار کرد. بنابراین مطلب کاملاً روشن است.»^۳

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان در دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

۲. همان

۳. همان

وظایف رهبری در قبال دولت

در موارد متعددی آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) بیان داشته‌اند که باید از دولت حمایت کرد چرا که دولت بدون حمایت رهبری و مردم نمیتواند وظایف خود را انجام دهد. اما حمایت از دولت حدود و شروطی نیز دارد. از جمله بیانات ایشان در این زمینه چنین است:

«من از دولتها همیشه دفاع میکنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای میشود، بیشتر دفاع میکنم. من طرف دار اعمال انصافم؛ من میگویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجویی‌ای از محرومین، از هراستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال میکنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری میکنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.»^۱

«من از دولت و یکایک شما دوستانی که در دولت هستید، بی‌حد و مرز - اما مشروط - حمایت میکنم؛ یعنی اگر بنا شد - که بنا هست - از وزارتخانه‌ای یا از دولت به طور عام حمایت کنم، این حمایت حد و مرز ندارد. زبان، عمل، اقدام و به‌کارگیری همه‌ی امکاناتی که در اختیار من است، مشمول این حمایت خواهد بود؛ تا الان نیز همین طور بوده است. بنابراین من هیچ حدی برای حمایت خودم از دولت و یکایک وزرانمیگذارم؛ اما این حمایت، مشروط به این است که این جهات را رعایت کنید. اگر من بینم و تشخیص دهم - که من دیرهم جزم میکنم - وزارتخانه‌ای راهی

۱. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۱۳۸۸/۱/۱

برخلاف راه صحیح حق - که قانون اساسی و سیاستهای نظام و اسلام برای ما معین کرده - حرکت میکند، دیگر از او حمایت نخواهم کرد؛ اگر لازم شد، با او مقابله هم میکنم. این وظیفه‌ی شرعی و قانونی من است. ولی مادامی که این طور نباشد، بنده از همه‌ی دوستان حمایت بی حد و مرز خواهم کرد؛ از رئیس‌جمهور محترم که معلوم است حمایت میکنم؛ ایشان مورد حمایت همیشگی و دعای هر شب من هستند.^۱

«کمک به دولت، کمک به کشور است؛ از هر جناحی میخواهد باشد. همه‌تان یادتان هست، دیدید که دولتهای مختلف از زمانی که بنده این مسئولیت را داشتم، مورد حمایت من بودند. این معنایش این نبوده که من با سیاستهای آن دولتها در همه جا موافق هستم، نه؛ تصریح هم میکردم و میگفتم که با بعضی از سیاستهایشان در زمینه‌های مختلف موافق نیستم؛ اما کلیت دولتها را من همیشه حمایت کرده‌ام.»^۲ «البتّه این حمایت، حمایت بی حساب و کتاب نیست؛ توقعاتی هم در مقابلش از دولت دارم.»^۳ «بنده از دولتها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت میکنم؛ این به معنای این نیست که همه‌ی جزئیات کارهایی که انجام میگردد، مورد تأیید من است، یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نیست.»^۴

«بنده همیشه از دولتها حمایت کرده‌ام؛ امام هم (رضوان الله تعالی علیه) در هر برهه‌ای، از دولتها و رؤسای قوه‌ی مجریّه و مسئولین دولتی حمایت میکردند؛ دلیلش هم واضح است، چون عده‌ی باراداری مدیریت کشور بر عهده‌ی قوه‌ی مجریّه است؛ و نظام باید از قوه‌ی مجریّه حمایت بکند؛

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۶/۵

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱

۴. در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی - فرهنگی دانشگاه‌ها

از رئیس‌جمهور، از مسئولین، از وزرا، امام هم حمایت میکردند؛ بنده هم در دوره‌های گذشته همیشه حمایت میکردم. منتها این خصوصیتی که عرض کردیم، موجب بشود انسان، گرم‌تر حمایت کند و دلگرم‌تر اقدام کند در این قدردانی و حمایت. البته این به معنای چشم بستن بر ضعفهای دولت هم نیست؛ بالاخره شما هم بشرید، نقص دارید، ضعفهایی هم دارید؛ کارهایی میخواستید انجام بدهید، انجام نگرفته، کارهایی را به فکر نبودید، به ذهنتان نبوده، باید آنها را متوجه بشوید و انجام بدهید. اینها هست؛ که در جلسات خصوصی - با آقای رئیس‌جمهور، با بعضی از مسئولین دیگر - در بسیاری از جلسات عمومی - مثل همین دیدارهای دولت و غیره - اینها هم گفته شده؛ آن حمایت هم به جای خودش محفوظ است و هست.^۱

«اولاً این را همه بدانند، بنده دولت را حمایت میکنم. من از همه‌ی توانی که در اختیارم هست استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت؛ دولت را تأیید میکنم، حمایت میکنم، مثل همه‌ی دولتهای گذشته. نسبت به مسئولان بلندپایه‌ی دولت - آنهایی که می‌شناسم - اعتماد دارم. همه‌ی دولتهایی که بعد از انقلاب سرکار آمدند، دولتهای منتخب مردمند و بنده در همه‌ی این دوره‌ها - آن وقتی که مسئولیت داشتم - از همه‌ی این دولتها حمایت کردم. همه‌ی دولتها هم نقاط مثبتی دارند، [هم] نقاط منفی‌ای دارند؛ هیچ دولتی نیست که بگویند من همه‌ی نقاطم مثبت است یا کسی بگوید همه‌ی نقاطش منفی است؛ نه، مثبت و منفی مخلوط است.»^۲

وظایف رسانه‌ها و مطبوعات در قبال دولت

«امروز علاج دردهای این کشور این است که قوای سه‌گانه با وحدت

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶

کلمه، با همکاری با یکدیگر برنامه‌های منظم و مرتبی را که برای رسیدن به هدفهای این نظام و آسایش مردم مورد نظر است [ترتیب بدهند و این هدفها را تعقیب کنند؛ امروز این وظیفه است. قوای سه‌گانه نباید یکدیگر را تضعیف کنند. مطبوعات و رسانه‌ها نباید قوای سه‌گانه‌ی کشور را که ارکان کشورند، پایه‌های این نظامند، تضعیف کنند؛ هیچ کدام از قوا را؛ نه قوه‌ی مقتنه را، نه قوه‌ی قضائیه را، نه قوه‌ی مجریه را؛ اینها پایه‌های نظامند. مطبوعات هم باید مواظب باشند، رسانه‌ها هم مراقبت کنند. اگر یک اعتراضی به یک گوشه‌ای از یک قوه هست، این را نباید مجوز قرار بدهند تا همه‌ی آن قوه را تضعیف کنند. اگر اعتراضی به یکی دو نماینده فرضاً وجود داشته باشد، مجلس را نباید تضعیف کرد. اگر اعتراضی به یک حکم قضائی وجود داشته باشد، قوه‌ی قضائیه را نباید تضعیف کرد. اگر اعتراضی به یک بخشی از دولت وجود داشته باشد، دولت را نباید تضعیف کرد. تضعیف این پایه‌ها، تضعیف انقلاب است، تضعیف نظام است، به تأخیر انداختن اهداف والای این نظام است. این را همه متوجه باشند. گویندگان، نویسندگان، آنهایی که افکار عمومی متوجه به آنها است، همه بدانند چه میکنند و چه میگویند؛ وظیفه سنگین است. در این زمینه‌ها اگر کسی خلاقی خدای نکرده مرتکب بشود، خدای متعال از این خلاف نخواهد گذاشت؛ توبه‌ی این جور خلافها آسان نیست؛ چون مسائل شخصی نیست.»^۱

وظایف نخبگان در قبال دولت

الف- انتقاد صحیح و منصفانه

«البته نسبت به دولتهای گذشته، بهترین است که نقد به صورت کارشناسی انجام بگیرد؛ نقد در منبرهای عمومی خیلی مصلحت نیست؛

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت هفته‌ی کشاورزی ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

نسبت به دولت کنونی هم نقد باید منصفانه، محترمانه، دلسوزانه باشد؛ به معنای مچ‌گیری، به معنای اذیت کردن نباشد.^۱

«اینکه افرادی بیایند و سعیشان این باشد که دولت را ناکارآمد جلوه بدهند، این خدمت به کشور نیست. اگر عقیده‌شان هم این است، این عقیده را بایست به یک نحوی به گوش خود مسئولان دولتی یا مسئولانی که میتوانند اثرگذار باشند، برسانند؛ اما تبلیغ ناکارآمدی دولت را در بین مردم کردن، آن هم غیر منصفانه، صحیح نیست. اگر واقعیت هم میداشت، نباید به شکل تبلیغاتی و داد زدنِ بر سر کوچه و بازار ظاهر میشد؛ چه برسد به آنجایی که واقعیت هم ندارد و غیر منصفانه است.

... انتقاد کردن صحیح و عاقلانه، غیر از حرف زدن به شکلی است که یک دستگاه را ناکارآمد نشان بدهند و ناموفق جلوه بدهند؛ چه حق باشد، چه ناحق، غلط است.»^۲

ب- پرهیز از تفرقه و دودستگی

«اولاً باید بگویم که این گونه حوادث در کشور نباید به هیچ وجه وسیله‌ی بگومگو و اختلاف بین مسئولان، آحاد یا جناحهای کشور شود؛ از این پرهیز کنید. ... نقد و انتقاد و... ایرادی ندارد، و حتی برخی از بی‌تابی‌هایی که انسان در این قضیه از دانشجویان، آحاد مردم و یا بعضی از مطبوعات دید که دغدغه داشتند، خوب هم هست و نشان‌دهنده‌ی این است که روی عزت و استقلال ملی در جامعه، حساسیت زیاد است؛ اما هیچ کدام از اینها نباید به دعوا، اختلاف و کشمکش منتهی شود. آنچه اهمیت دارد این است که شما نخبگان و مسئولان و بخصوص افرادی که تربیون دارند

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸

و نقششان بسیار مهم است - چه مجلس، چه مطبوعات، چه نمازهای جمعه و چه بقیه‌ی جاها - بدانند که وقتی کشور با چنین مسئله‌ای - که یک مسئله از ده‌ها و صدها مسئله‌ای است که کشور با آن مواجه میشود - روبرو میگردد، بدترین روش این است که خود این مسئله در داخل به وسیله‌ای برای بگومگو تبدیل شود؛ این خیلی بد است... مطلقاً نباید این طور حوادث که در کشور پیش می‌آید، به بگومگو، دودستگی، شکاف، جدا کردن افراد از یکدیگر و جناحی کردن مسائل منتهی شود؛ این خیلی بد است.»^۱

«انتقاد، طلب اصلاح و مطالبه‌ی مطالبات مردم، خوب است؛ عیب‌جویی بی‌منطق، بزرگ‌نمایی، تهمت‌زنی و افترا و شایعه‌پراکنی بی‌اساس بد است؛ اینها را باید از هم تفکیک کرد. به نظر من این یکی از چیزهایی است که ما هرچه در گذشته در این زمینه کوتاهی داشتیم، حالا باید از این کوتاهی‌ها استغفار کنیم و نگذاریم غفلت ما ادامه پیدا کند.»^۲

«در درجه‌ی اول، همه باید به دولت و به دستگاه‌های دیگر کمک کنند. از همدیگر گله‌گزاری‌های افراطی نکنند. بنده چون در معرض مراجعه‌ام - حالا به صورت خصوصی به من، هیچ اشکالی ندارد - اشخاص و مسئولانی می‌آیند و این از آن، آن از این، گله‌هایی دارند، شکوه‌هایی دارند؛ گاهی بجا، گاهی نابجا، ایرادی ندارد؛ به ما بگویند خوب است؛ اما این گله‌گزاری‌ها نبایستی در سفره‌ی مردم گذاشته شود. مردم چه تقصیری کرده‌اند؟!»

جلوی مردم دست به یقه شدن و با هم یک و دو کردن، مردم را دل شکسته میکند. چرا ما باید مردم را دل شکسته کنیم؟ مردم به این خوبی؛ مردمی

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱

۲. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸

که این طور پشوانه‌ی نظامند؛ مردمی که بزرگ‌ترین قدرت را به این نظام مقدّس دادند که بتواند در سخت‌ترین میدانها مثل کوه بایستد. این را مردم کردند؛ ما که از خودمان چیزی نداشتیم. مردم را نایستی دل شکسته کرد. بعضی از بگومگوها هم هست که آدم میبیند این بگومگوها، آن مقداری که اهمّیت دارد، بعضی از تبلیغات آنها را چند برابر دارای اهمّیت میکند! آن وقت بارِ سنگینش روی دوش ملّت می‌افتد.^۱

ج-دوری از سرزنش و اهانت و توهین

«یک نکته‌ی مهمّی را من در اینجا ذکر بکنم؛ در قضیه‌ی برجام، در مواجهه‌ی با برجام حتماً لازم است که عناصر سیاسی، عناصر مدیریتی، عناصر مطبوعاتی و فرهنگی از سرزنش یکدیگر پرهیز کنند؛ این کار را نکنید. نقد، انتقاد صحیح، منصفانه، عاقلانه، ایرادی ندارد، مسئولین هم باید به انتقادهای گوش بدهند؛ اما اینکه همدیگر را سرزنش کنیم، اهانت کردن، هتک حرمت کردن، متّهم کردن، اینها باید از بین [برود]؛ یک دودستگی و دوقطبی براساس برجام به وجود نیاید. حالا یک حرکاتی است که باید انجام بدهیم، یک فعالیتّی است باید انجام بدهیم که حالا من یک اشاره‌ای کردم و میکنم؛ این به جای خود محفوظ؛ [اما] وحدت را، اتّحاد را، همدلی را، هم‌زبانی را در این قضیه نقض نکنیم؛ این هم یک نکته‌ی اساسی است.»^۲

د-کمک به دولت

«کمک به دولت، کمک به کشور است؛ از هر جناحی میخواهد باشد.

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

همه‌تان یادتان هست، دیدید که دولتهای مختلف از زمانی که بنده این مسئولیت را داشتم، مورد حمایت من بودند. این معنایش این نبوده که من با سیاستهای آن دولتها در همه جا موافق هستم، نه؛ تصریح هم می‌کردم و می‌گفتم که با بعضی از سیاستهایشان در زمینه‌های مختلف موافق نیستم؛ اما کلیت دولتها را من همیشه حمایت کرده‌ام.

مواظب باشید دولت به خاطر اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف مذاق و اختلاف جناح، مورد تضعیف قرار نگیرد. دولت را باید نگه داشت. همه باید رئیس‌جمهور را مورد تکریم قرار بدهند و این را همه یک اصل بدانند.^۱

وظایف مردم در قبال دولت

الف- حمایت از دولت

«برای اینکه دشمن را بیشتر متحیر کنید و دوستان خودتان را در سرتاسر دنیا خوشحال کنید، همه‌ی قشرها باید سعی کنند در سازندگی کشور، در آینده‌ی کشور هر کاری از آنها خواسته می‌شود و هر کاری که از آنها ساخته می‌شود، انجام بدهند. امروز حمایت از این رئیس‌جمهور منتخب مورد علاقه‌ی مردم، بر یکایک افراد و احاد ملت واجب و لازم است. اگر دولتی مورد حمایت مردم باشد و رئیس‌دولتی از محبوبیت بین مردم برخوردار باشد، کارها آسان خواهد شد. شما ملاحظه کردید که امام بزرگوارمان بارها و بارها با تعبیرات گوناگون از دولت تعریف می‌کردند و آن را تقویت می‌کردند و حمایت می‌کردند. این برای آن است که دولت بدون حمایت مردم قادر نیست به وظایف خود عمل کند. باید حمایت مردم، پشت سر هر دولتی که از آراء مردم برخوردار است و از رأی نمایندگان و حمایت مجلس برخوردار

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸

است [باشد]؛ باید مردم از این دولت حمایت بکنند. امروز بحمدالله کشور ما رئیس‌جمهوری دارد که جزو چهره‌های شناخته شده است؛ هم برای مردم خود ما، هم برای دنیا، هم در صحنه‌ی انقلاب، هم در صحنه‌ی سازندگی، هم در صحنه‌ی امور سیاسی، هم در صحنه‌ی امور دینی. و مردم مسئولین خدمتگزار خودشان را امتحان کردند. این یک وظیفه است برای همه که از رئیس‌جمهور و دولتی که با او همکاری خواهند کرد و مجلس به آنها رأی خواهد داد، حمایت کنند؛ این یک وظیفه است. مبادا کسانی گوشه و کنار پیدا بشوند، یک چیز کوچکی را بزرگ کنند؛ یا یک کاری را که در بلندمدت قابل اصلاح است، اگر دیدند در مدّت کوتاهی اصلاح نشد، مورد انتقاد قرار بدهند. کمک باید بکنند، حمایت باید بکنند؛ زبانا، عملاً، ملاً، با هر وسیله‌ای که میشود دولت را و مسئولین را حمایت کرد.^۱

«این حکومتی که راهش درست است، برای مصلحت مردم است، در خدمت مردم است، حکومت حق است. ملاک حق و باطل اینجا معلوم شد. لذا امام در تمام مدّت ده ساله اصرار داشتند که مردم باید از دولت و مسئولین دولتی حمایت کنند؛ از قوه‌ی مجریّه حمایت کنند؛ از قوه‌ی قضائیه حمایت کنند. این به معنای آن نبود که آن روز قوه‌ی قضائیه یا قوه‌ی مجریّه یا مسئولین دولتی هیچ خطا یا اشتباهی نداشتند؛ چرا، هیچ انسانی خالی از خطا نیست؛ این به معنای آن بود که وقتی خط درست است، راه درست است، حکومت در جهت صحیح حرکت میکند، دشمن [هم] فشار می‌آورد، آحاد مردم موظّفند به حمایت و پشتیبانی از کسانی که دارند این کاروان عظیم را پیش می‌برند و هدایت میکنند و پشتیبانی میکنند.

امروز هم همان جور [است]. بنده هم به تبعیّت از امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) عرض میکنم که امروز حمایت و کمک به مسئولین کشور یک

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۶/۱

واجب و فریضه‌ی شرعی است. همه‌ی مسئولین کشور - آن کسانی که این بار سنگین را بردوش گرفته‌اند - شایسته‌ی این هستند که مردم از آنها حمایت کنند. حمایت از رئیس‌جمهور واجب است؛ حمایت از دولت واجب است؛ حمایت از قوه‌ی قضائیه واجب است. حمایت کنید تا تقویت بشوند تا بتوانند توقعاتی را که از آنها هست، برآورده کنند.

بنده یک وقتی - چند سال قبل از این، شاید حدود سالهای ۶۱ یا ۶۲ بود - در مجلس شورای اسلامی شرکت کردم؛ آن وقت انتقاداتی از دولت در مجلس میشد؛ گفتم یک گردنه‌ی بسیار تند و شیب تندی است و این ماشین هم دارد با کمال فشار، ناله‌کنان از اینجا بالا میرود، شما توقع دارید مثلاً با سرعت صد برود، این با سرعت چهل دارد میرود؛ علاج آن چیست؟ آیا علاجش این است که یک سنگ بردارید به ماشین بزنید و بگویید چرا سرعت کم است؟ خب، [سرعت] کمتر خواهد شد؛ علاج این است که اگر دیدید سرعتش کم است، دست بگذارید پشت ماشین، شما هم هل بدهید تا به آن سرعت مورد نظر شما نزدیک بشود؛ عاقلانه و منصفانه این است.

آن وقت من این توصیه را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی میکردم، امروز هم به همه‌ی آحاد مردم، به همه‌ی کسانی که نسبت به مسائل جامعه دلسوز و ذی‌علاقه هستند - که اگر کسی دلسوز نباشد، حرف ما در او اثر هم نخواهد کرد - آن کسانی که حقیقتاً مصلحت جامعه را دنبال میکنند عرض میکنم: امروز پشتیبانی و حمایت از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه و مسئولین بالای کشور لازم است و تضعیف آنها حرام است. همه باید این را رعایت کنند.^۱

«همه‌ی آحاد مردم وظیفه دارند، تا حدی که میتوانند و برای آنها وظیفه

۱. در دیدار با جمعی از مسئولان و کارکنان نهادها و سازمانهای خدماتی و حمایت‌کننده از

مستضعفان و محرومان ۱۳۶۸/۷/۱۲

معین می‌شود، در کار سازندگی کشور شرکت کنند. علاقه‌ی به امام، یعنی این. همه باید از دولت حمایت کنند و پشت سر دولت، خرابی‌های جنگ و ویرانی‌های ناشی از دوران سلطه‌ی طاغوت را ترمیم کنند.^۱

«مسئولیت اول مردم در قبال شما این است که شما را در حدّ اعلی حمایت کنند. اگر مسئولین کشور و دولت جمهوری اسلامی و هردولتی، از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار نباشند، کار بر آنها دشوار و در شرایط و مواردی محال خواهد شد. مردم باید به شما به چشم امنائی نگاه کنند که امین و وکیل آنها هستید و می‌خواهید مشکلات آنها را حل کنید. انسان با وکیل خودش بد اخلاقی نمی‌کند، نسبت به وکیل خودش خرده‌گیری نمی‌کند؛ حمایت از وکیل و نماینده، وظیفه‌ی موکل است. شما وکیل مردمید؛ هم رئیس‌جمهور - که منتخب میلیون‌ها انسان است - شما را معرفی کرده و برگزیده، هم نمایندگان مجلس - که وکلای مردمند - بر روی شما صحّه گذاشتند و شما را برگزیدند و به شما رأی دادند؛ شما وکلای مردم هستید. مردم باید از وکلای خودشان و از امنای خودشان - که شما هستید - حدّاکثر دفاع را و حمایت را بکنند.»^۲

ب- درک مشکلات کار دولت

«مسئولیت دیگر مردم این است که مردم مشکلات کار را توجّه کنند.»^۳

ج- تبعیت از قانون

«من وکیل مدافع قانونم، و در درجه‌ی اول قانون اساسی. من معتقدم

۱. در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۴ (دیدار ۷/۱۸/۱۳۸۵

دارای همین مضمون است؛ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی)

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت ۱۳۶۸/۶/۸

۳. همان

باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب میشود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم، باید عمل کنیم، و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد بهتر از بی قانونی و نقض قانون است. اینکه ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب درمی آید، قبول نداشته باشیم؛ هر جا نتیجه اش طبق میل ما از آب در نمی آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست. من معتقدم قانون باید ملاک باشد.^۱

د- کمک در زمینه‌ی اقتصادی

«و مردم هم البته بایستی در این مسائل اقتصادی نقش ایفا کنند، یعنی این خطاب ما فقط به دولت نیست، به مسئولین نیست، بخش مهمی اش مربوط به مردم است. مردم باید کمک کنند، به دولت کمک کنند. در همین بخش تولید که گفته شد، رونق تولید، مردم میتوانند واقعاً سرمایه‌گذاری کنند، کمک کنند. مردم میتوانند محصولات داخلی را بخرند. ما شعار سال گذشته را به عنوان کالای تولید داخل [قرار] دادیم. خب خیلی‌ها هم عمل کردند و کارهای خوبی هم انجام گرفت. این نباید متوقف [بشود]، باید روزه‌روز افزایش پیدا کند. یعنی واقعاً جنس داخلی تولید داخل حتماً باید رجحان داشته باشد بر جنس خارجی در نظر هریرانی. اگر میخواهند اوضاع اقتصادی کشور خوب بشود، یکی از کارها این است.

یکی از کارها زیاده‌روی نکردن در خرید است. گاهی انسان مشاهده میکند به صرف شایعه‌ای که مثلاً در فلان شبکه‌ی فضای مجازی یک خبیثی، یک آدم دروغ‌گویی آمده یک چیزی را [عنوان کرده] که فلان جنس

۱. در دیدار استانداران سراسر کشور ۱۳۸۲/۱۰/۲۲

ممکن است گران بشود، میریزند به خریدن! چه لزومی دارد؟ زیاده‌روی در خرید نشود، به شایعات اعتنا نشود، اسراف نشود. یک جاهایی واقعاً اسراف صورت می‌گیرد که نباید انجام بگیرد. اینها نقشهای مردم است.»^۱

رابطه‌ی دولت و مجلس

«مجلس شورای اسلامی با مصوبات خود، راهی را که دولت اسلامی برای اداره‌ی کشور باید پییماید، ترسیم میکند و براین حرکتِ سرنوشت‌ساز نظارت مینماید. اداء این وظیفه جز با حمایت از دولت و تعاون و یکرنگی با آن میسر نیست.»^۲

جایگاه ویژه‌ی دولت در نظام اسلامی

«این حمایت، بی‌دلیل و بی‌حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمی است، ثانیاً بیشترین مسئولیتها را دولت بردوش دارد.»^۳

«دولت در واقع فعال اصلی در صحنه‌ی کشور است و هرگونه موفقیتی که برای دولت به وجود بیاید، موفقیت نظام اسلامی است. اگر خدای نکرده رکود یا توقف یا ناکامی‌ای برای دولت در فعالیتهای گوناگونش پیش بیاید، این ناکامی و عدم موفقیت برای اصل نظام تلقی خواهد شد. این حقیقت چند بُعد پیدا میکند. نمیشود ما بین نظام و دستهای اجرایی نظام تفکیک کنیم؛ نمیشود بگوییم که ما دولتی داریم بی‌توفیق، بی‌برنامه، اما نظامی داریم کارآمد و موفق. توفیقات نظام در توفیقات دولت، به عنوان بخش

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

۲. پیام به مناسبت آغاز کار چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۳/۷

۳. در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۶/۱/۱

اصلی اداره‌کننده‌ی کشور تجسم پیدا میکند. یک بُعد این مسئله این است که هیچ کس نباید از این حقیقت غفلت کند که آرزوی موفقیت دولت، یک آرزوی انقلابی و ملی است.^۱

دولت اسلامی

تعریف، اهمیت و ویژگی‌های دولت اسلامی

«دولت اسلامی» ناظر به ویژگی‌های کارگزاران و مسئولین بخشهای مختلف دولت به معنای عام است. بنابراین مقصود از دولت اسلامی دولتی است که کارگزاران مستقر در آن اعم از رؤسای قوا و وزرا و معاونین و سایر مدیران و کارگزاران، دارای بینش و منش اسلامی از جمله تقوا، کارآمدی، عدالت‌خواهی، خدمتگزاری و غیره باشند که این ویژگی‌ها با تفصیل بیشتری در ادامه‌ی همین فصل خواهد آمد.

«از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها میگویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه، تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردّد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل‌بسته‌ی به رفتارهای طاغوتی شدیم.

اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ و الا قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه‌ی ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. قبل از انقلاب، در جایی دولتی تشکیل شد که ما شوخی میکردیم و میگفتیم جمهوری اسلامی آمریکایی فلان جا! آن دولت با

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۱/۶/۴

نام جمهوری اسلامی هم بود. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکس میشود و طبعاً کار عقب می افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان شاء الله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک میکنند. همه ی ما انسانهای ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاشی خود می خواهیم مجموعه ی کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می خواهیم خود را به حدّ نصاب نزدیک کنیم. اگر دولتی می آید و میگوید هدفم این است که این را تحقّق ببخشم، خیلی چیز مبارک و خوبی است. ... اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرتمان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حدّ نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقّعی میتوانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت میکنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم»^۱.

اول، ما اسلامی میشویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغیر السنّتکم»^۲؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقرّرات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان

۱. سوره ی ابراهیم، بخشی از آیه ی ۲۲؛ «خود را ملامت کنید.»

۲. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، ص ۴۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج

از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد.

معنای شعار دولت اسلامی، این است که ما می‌خواهیم هر چه بیشتر خودمان را به معیارها و ضوابط [اسلامی نزدیک کنیم]؛ در اعمال فردی مان، در رفتارمان با مردم، در رفتارمان بین خودمان، در رفتارمان با نظامهای بین‌المللی و نظام سلطه‌ی جهانی امروز، در همه‌ی اینها می‌خواهیم رفتارمان را اسلامی کنیم؛ از آنچه هست اسلامی‌تر کنیم. این شعار، بسیار بارز است؛ ان شاء الله به این شعار پایبند بمانید و این تلاش را جدی‌تر، بی‌آسیب‌تر و واقعی‌تر کنید؛ چون گامی بلند خواهد بود در راه رسیدن به آن هدفها؛ و همان طور که عرض کردم، رسیدن به آن هدفها مردان خودش را می‌خواهد. البته «مردان» که می‌گوییم، به معنای «رجال» در قانون اساسی نیست؛ شامل خانمها هم میشود؛ یعنی کسان و عناصر و کارگزاران خودش را می‌خواهد. به قول شاعر، آن دو صد من استخوان را داشته باشند تا بتوانند این صد من بار را بردارند.^۱

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صرفاً یک مسئله‌ی اعتقادی و ذهنی محض نیست؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» منشأ اثر است، منشأ عمل است. همین دولت اسلامی‌ای که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند که در مدینه به وجود آمد، ناشی از «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است؛ یعنی حکومت جز به دست خدای متعال و مبعوثین خدا، در ادیان الهی معنی ندارد؛ برای همین هم به مجردی که پیغمبر فرمود: قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا،^۲ صاحبان زر و زور در همان محیط محدود و کوچک مکه در مقابل او صف‌آرایی کردند؛ بعد در مدینه که دولت اسلامی

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲

تشکیل شد، باز حکومتها و امپراتوری‌ها و قدرتهای جهانی در مقابل اسلام صف‌آرایی کردند؛ این صف‌آرایی از روز اول تا امروز وجود داشته است و از روز اول تا امروز، عقب‌نشینی در این مصاف، سرنوشت باطل بوده است و پیشروی، سرنوشت حق بوده است. همان جمعیت محدودی که در مکه با آن فشار زندگی میکردند، امروز یک جامعه‌ی عظیم بشری است با افتخارات فراوان، با امکانات فراوان و با امید فراوان و با آینده‌ی روشن. این را باید فهمید: امت اسلامی باید از بُن دندان به توحید برگردد.

ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمیتوانیم زیر بار زور برویم، نمیتوانیم زیر بار ظلم برویم، نمیتوانیم در مقابل ظالم نایستیم، این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری اسلامی اعلام میکند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به خاطر این است؛ اینکه ما روی مسئله‌ی فلسطین این جور اصرار داریم، به خاطر این است. چون لازمه‌ی توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری میکند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد.^۱

«امروز امت اسلامی به حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه نیازمند است. حکومت اسلامی یعنی آن حکومتی که به دل انسانها و ملتها می‌پردازد؛ به مغز آنها و دانش آنها و پیشرفت علمی آنها می‌پردازد؛ به دست و بازوی قدرتمند آنها می‌پردازد؛ به اداره‌ی سیاست صحیح در میان آنها می‌پردازد. این، امروز نیاز امت اسلامی است.»^۲

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز مبعث پیامبر اکرم (ص) ۱۳۹۷/۱/۲۵

۲. در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم (ص) ۱۳۸۵/۵/۳۱

الگوی اسلام برای نظام‌سازی و نقش دولتمردان در معرفی این الگو

«اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در ساخت شخصیت انسانها تأثیر میگذارد، هم در ساخت جامعه و قوای عمومی جامعه اثر میگذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره بی‌انتهای [آن] - هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها - جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج میکند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرفها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.

ما البته در هر سه بخش عقبیم. تحرک ما تحرک مناسب و شایسته‌ای نبوده اما الگو این است که انسان این را در شعارها، در اظهارها، در جهت‌گیری‌ها، در حرکت‌هایی که در این ۴۱ سال در جمهوری اسلامی صورت گرفته، در شخصیت‌سازی‌هایی که صورت گرفته، میتواند مشاهده بکند؛ نمونه‌هایش شهدای بزرگ ما هستند، نمونه‌اش شهید بهشتی است، نمونه‌اش شهید رجایی است، نمونه‌اش شهید باهنر است، نمونه‌اش شهید مطهری و تا این آخر شهید قاسم سلیمانی است؛ الگوی اسلامی این است. شما با عملکرد خودتان میتوانید این الگو را در چشم مردم جهان شیرین کنید و تبلیغ کنید آن را، برجسته کنید یا خدای نکرده بعکس، آن

را از چشمها ببندازید. بنابراین، خدمت در جمهوری اسلامی این [طور] است؛ فقط صرف این نیست که ما با خدمت خودمان یک کمکی به آحاد بشر یا به جمع معینی یا به کشور میکنیم؛ مهم این است که ما با این کار خودمان، با این عملکرد خودمان، با این خدمت خودمان، داریم در واقع چهره‌ی اسلام را و الگوی اسلامی را نشان میدهیم. و این الگو وجود دارد؛ چه مستکبرها بخواهند، چه نخواهند، این الگوی تازه سر برآورده در دنیا، و آنها هم از همین میترسند؛ دشمنی‌شان به خاطر این است که این الگو، الگویی است که اصول مسلم آنها را قبول ندارد؛ مدیران و جهت دهان آنها مبتلا به کج رفتاری و کج اندیشی در عمده‌ی مسائل زندگی هستند و الگوی جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی، این را قبول ندارد و خط مستقیم را، خط حق را در مقابل باطل دنبال میکند؛ دشمنی‌های اینها به خاطر این است. کینه‌توزی‌ای که شما می‌بینید آمریکا و بعضی‌های دیگر با جمهوری اسلامی دارند، فقط به خاطر بودن زید و نبودن عمرو و فلان کار خاص و مانند اینها نیست؛ با اساس مخالفند. البته از لحاظ تاکتیکی کارهایی را دارند. این عمل کارگزار نظام بایستی این الگو را نشان بدهد.^۱

«در ایران اسلامی چنین نیست که ما هم حکومتی مثل بقیه‌ی حکومتها هستیم. چند صباحی خاندان فلان و چند صباحی خاندان بهمان هستند و حالا هم مسلمین و مؤمنین بر این کشور حکومت میکنند. قضیه‌ی ما این گونه نیست. قضیه‌ی ما قضیه‌ی یک پیام است. قضیه‌ی یک بعثت است. ما حرف نویی را به مردم دنیا عرضه میکنیم. مسئله، این است. این حرف و پیام نو، اگرچه که اولین اثرش باید در داخل زندگی خود ما و کشور ما دیده شود، اما برای دنیا یک راه جدید ارائه میکند. این را کارگزاران جمهوری اسلامی، نباید فراموش کنند. این نظام، نظامی است که آمده است به

۱. در ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

بشریت، بعثت الهی را نشان دهد. نیامده است که از جوامع و دولتها و نظامهای گمراه، چیزی یاد بگیرد. ممکن است ما خیلی بد باشیم؛ خیلی ناقص باشیم؛ برای حمل این پیام خیلی کوچک باشیم؛ اما این پیام، پیام نجات بشر است. بر سر آن نمیشود چک و چانه زد. ما حق نداریم از این پیام به خاطراینکه با سلیقه‌ی ما این طور درمی‌آید چیزی کم کنیم. خیر! این پیام، پیامی برای بشریت است. و بشر به آن احتیاج دارد. ما دوست بشریتیم. ما دشمن بشریت نیستیم. ما دوست علم و پیشرفت و بهروزی و راحتی همه‌ی مللّهای دنیاییم. ما میدانیم آنها از چه رنج می‌برند: آنها به معنویت احتیاج دارند و معنویت اینجا است. البتّه معنویت تحمیلی هم نیست. تحمیلی که بشود، دیگر آن اثر را نخواهد داشت. ما آن را عرضه میکنیم.

... به یک نکته من و شما، یعنی آحادی که در این نظام مسئولیتی داریم باید توجه کنیم؛ آن نکته این است که ما نه فقط به عنوان یک مدیر و یک حاکم، بلکه به عنوان عرضه‌کننده‌ی یک اندیشه‌ی نو در دنیا، باید خودمان را بشناسیم و این طور باید عمل کنیم؛ این طور باید مشی کنیم؛ این طور باید رفتار خودمان را با اسلام تطبیق دهیم؛ و خلوص و استقلال این اندیشه و فکر را نگه داریم.

... این، همان مشعلی است که پیغمبر اکرم برافروخت. آن روز دنیایی را روشن کرد؛ آن روز تمدن‌نهایی را، نه یک تمدن را پایه‌ریزی کرد و امروز هم میتواند. آن روز هم دنیا چیزهای تازه‌ای داشت: علم داشت؛ پیشرفت داشت؛ انطاکیه را داشت؛ روم را داشت؛ یونان را داشت؛ ایران را داشت؛ هگمتانه را داشت؛ پرسپولیس را داشت. آن روز هم دنیا آن چنان تهی تهی نبود. اما وقتی این مشعل روشن شد؛ وقتی این خورشید فروزان شد، همه‌ی شمعها فروغ خودشان را از دست دادند و این بر همه غالب شد. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ آمد تا معنویت را به طور طبیعی غلبه دهد. وقتی خورشید

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۳۳؛ «تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.»

طلوع میکند، اگر شما وسط نور خورشید هزار شمع هم بگذارید، اصلاً نوری ندارد. بعثت، این طور ظهور و غلبه‌ای است. این همان شمع است. این، همان چراغ است. این، همان مشعل است. این، همان خورشید است. قدرش را باید بدانیم. بعثت را باید در خودمان و در زندگی‌مان زنده کنیم.^۱

اهمیت اسلامی بودن دولت

«یکی از خصوصیات رفتار مسئولان این است که در جامعه فرهنگ‌سازی میکند؛ یعنی ما چه جویری مشی کنیم، چه جویری حرف بزنیم، چه جویری زندگی کنیم، با چه کسی معاشرت کنیم، با چه کسی قطع کنیم. این در جامعه فرهنگ‌سازی میکند. بنابراین شما کاری که دارید انجام میدهید، خدمتی که دارید میکند - در هر بخشی که هست - اگر همچنان که مورد انتظار است و بحمدالله تا حدود زیادی هم در بسیاری از بخشها بحمدالله تأمین شده است، وقتی با اخلاص همراه باشد، با کار فراوان همراه باشد، با دلسوزی همراه باشد، علاوه بر اثری که خود این کار در واقعیت بیرونی میگذارد، یک اثر بلندمدت هم میگذارد و آن عبارت است از همین فرهنگ‌سازی. مردم به ما نگاه میکنند، به شما نگاه میکنند؛ رفتارهای ما، منشهای ما سازنده‌ی فرهنگ عمومی مردم است. بنابراین یاد این دو برادر خوب و عزیز و سعادتمند را گرامی میداریم و امیدواریم ان شاءالله که بتوانیم همه‌ی ما هم در همین صراط حرکت کنیم.»^۲

راه اسلامی شدن دولت

«مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۲/۱۰/۲۰

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۹۴/۶/۴

یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند.

...اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزّت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی.^۱

«من توصیه می‌کنم برادران عزیز و خواهران عزیز را، بارتان سنگین است، کارتان دشوار است، اجرتان اگر خوب عمل کنید دو برابر است؛ اگر خدای نکرده بد عمل کنید مؤاخذه‌تان هم دو برابر است؛ برای اینکه بتوانید از این چند سالی که در پیش دارید - همین ۱۴۶۰ روزی که در پیش دارید - سالم عبور کنید باید به خدا وصل کنید خودتان را. قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید، هر روز حتماً قرآن بخوانید، هر مقداری می‌توانید. آنهایی که ترجمه‌ی قرآن را می‌فهمند با تدبّر به ترجمه بخوانند، آنهایی که نمی‌فهمند یک قرآن مترجم خوب - که حالا الحمدلله زیاد هم داریم - بگذارند بغل دستشان به قرآن نگاه کنند، به ترجمه نگاه کنند. ده دقیقه ممکن است صرف وقت کنند، یک صفحه بخوانید، دو صفحه بخوانید، نیم صفحه بخوانید اما بخوانید، هر روز بخوانید. این را یک سیره‌ی قطعی خودتان قرار بدهید، نگذارید [قطع بشود]. علامت بگذارید فردا از دنبال‌اش بخوانید. تا آنجایی که می‌توانید به نماز و توجّه و ذکر در نماز و به نوافل اهمّیت بدهید؛ هر چه می‌توانید [اهمّیت دهید]. ببینید خدای متعال به پیغمبر اکرم می‌فرماید که «قُمِ الْإِلَّ إِلَّا قَلِيلًا* نَصَفَهُ. وَأَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا* أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

تَرْتِیلًا* اِنَا سُنَلْقٰی عَلَیْکَ قَوْلًا ثَقِیلًا^۱؛ یعنی نصف شب را بیدار بمان، یا دو ثلث شب را بیدار بمان و عبادت کن - که این برای پیغمبر است؛ من و شما خیلی دهنمان میچاید که از این حرفها برای خودمان بزنیم، مال پیغمبر است - عبادت کن، چرا؟ «اِنَا سُنَلْقٰی عَلَیْکَ قَوْلًا ثَقِیلًا»؛ ما یک سخن سنگینی را میخواهیم به تو القا کنیم، حرف بزرگی را میخواهیم به تو بزنیم باید خودت را آماده کنی. بار سنگین، احتیاج به آمادگی روحی دارد، این آمادگی روحی هم همین جواری به دست نمی‌آید. اینکه ما بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، بله، اساس همان صاف کردن دل است اما صاف کردن دل فقط از راه نماز، از راه توسّل، از راه توجّه و ذکر به دست می‌آید. اگر کسی خیال کند که میتوان دل را، روح را، بدون اینها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و در آیات واقعاً دقّت کردن، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجّاده، از این راه‌ها دل انسان صاف میشود، وَاَلَا دل این جواری نیست که بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، هر کاری هم کردی کردی.»^۲

لوازم اسلامی بودن دولت

الف- اداره‌ی کشور توسط دولت براساس روش اسلامی

«آنچه اساس مسئله است، همین است که در منطق اسلام، اداره‌ی امور مردم و اداره‌ی جامعه، با هدایت انوار قرآنی و احکام الهی است.»^۳

«من عرض میکنم، اینکه ما میگوییم سیاست ما عین دیانت ما است

۱. سوره‌ی مزمل، آیات ۲ - ۵؛ «به پا خیز شب را مگر اندکی. نیمی از شب یا اندکی از آن را بگاه. یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گران بار القا میکنیم.»

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

۳. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۸۰/۵/۱۱

و دیانت ما عین سیاست ما است - که مرحوم مدرّس حرف درستی زد و امام آن را تأیید کرد - معنای واضحی دارد؛ اما یک روی دیگرش این است که سیاست ما باید دین‌دارانه و پرهیزکارانه باشد. هر کار سیاسی‌ای خوب نیست. بعضی کسان هستند که به کار سیاسی، فقط مثل یک کار سیاسی‌ای که هیچ گرایشی به دین‌داری ندارد، نگاه میکنند. هدف این است که این کار، سیاسی پیش برود. این درست نیست؛ کار سیاسی باید متدّیّانه باشد. همه‌ی چیزهایی که در شرع حرام است، به توان دو در کار سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد و معتبر شمرده شود. کار سیاسی باید به دور از بی‌پروایی باشد.^۱

ب- هدف بودن آرمانهای اسلامی و اعلاء کلمه‌الله

«برادران و خواهران عزیز! آنچه که کارها را آسان میکند، این است که هدفمان اعلاّی کلمه‌ی الهی است. هر کدام از شما دوستان، در هر جا که هستید، مقصودتان این است که بتوانید کلمه‌الله را اعلاء کنید. وقتی ما توانستیم یک کشور و یک نظام و یک مجموعه عظیم مردمی را در بستر احکام و ارزشهای الهی به سعادت برسانیم و آنها را چه از لحاظ معنوی، فکری، روحی و اخلاقی و چه از لحاظ مادی و معیشتی، به وضع مطلوب خودشان نزدیک کنیم و به نهایت برسانیم، این حرکتی است در راه اعلاّی کلمه‌الله. غرض و مقصود از بعثت انبیا و این مبارزات عظیم انبیا در تاریخ هم همین بود.

امروز نوبت ما است و میدان فداکاری در پیش ما باز است. همه باید تلاش کنیم، زحمت بکشیم، فشارها را تحمّل کنیم و سختی‌ها را به جان بخریم، برای اینکه بتوانیم یک الگوی درست از زندگی یک ملّت و

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۶/۵

اداره‌ی یک کشور به مردم دنیا ارائه دهیم. هدف این است که هم مردم را به سعادت اسلامی و به آنچه که اسلام برای آنها خواسته، برسانیم و هم این نمونه را در دنیا در مقابل چشم انسانها قرار دهیم؛ که خوشبختانه نمونه‌ی پُر جاذبه‌ای هم هست.^۱

«اسلام برای دنیا و آخرت مردم برنامه و هدف دارد و مسئولین اداره‌ی کشور موظفند همان قدر به امور مادی مردم برسند که به امور معنوی و آرمانهای آنها [میرسند]... مطمئناً حرکت در سمت گشودن گره‌های مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفّه و سالم و خوب - که مردم از فراوانی، از ارزانی، از امکانات استفاده بکنند - یک وظیفه‌ی اسلامی است که بر دوش همه است، بخصوص بردوش شما که مسئولین کشور و مدیران کشور هستید. و این، عملی است؛ این قطعاً جزو آرمانهای اسلامی است و محققاً جزو آرمانهای امام عزیزمان بود.

البته اگر این دو، یک روزی در یک جایی با هم تعارض کند، جامعه‌ی مؤمن و انقلابی و زنده، دنیای زودگذر و سهل‌الوصول خودش را فدا خواهد کرد برای آرمانهای ماندگار و همیشگی و حقیقتاً صعب‌الوصول و مشکل. رسیدن به آن آرمانها کار دشواری است؛ اما در بلندمدت، در برنامه‌ریزی‌های جامع که شما به دنبال آن هستید، ملت ایران میتواند آرمانهای انقلابی‌شان را، جهت‌گیری انقلابی‌شان را، معنویات اسلامی‌شان را در کنار رفاه مادی‌شان ان شاء الله به دست بیاورند.^۲

جایگاه ویژه‌ی عدالت در دولت اسلامی

«البته من سفارش کرده‌ام و سفارش و تأکید هم میکنم که باید تلاش

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۷۷/۶/۲

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۶۸/۶/۸

شود فقرو بی‌عدالتی و تبعیض که میراث طواغیت گذشته است، در این کشور ریشه‌کن شود. اینجانب بیشترین اهتمام را متوجه این مطلب کرده‌ام و می‌کنم و توصیه‌ام این است که دیگران نیز همین طور عمل کنند. اگر این همه خیرات و برکاتی که بحمدالله مظهر و اوج آن هم در این چند سال اخیر، دولت برادر عزیزمان جناب آقای هاشمی رفسنجانی (حفظه‌الله تعالی) بود و همه‌ی آنچه را که انجام دادیم، چند برابر می‌بود و چندین برابر آن را هم انجام بدهیم، اما به این نکته توجه نکنیم، کارمان ناقص و ابتر خواهد بود. عزیزان من! نظام اسلامی، نظام سرمایه‌داری نیست. من چهارسال قبل، در همین جا - در روز تنفیذ - همین موضوع را به حضاری که بودند، عرض کردم و گفتم: «نظام ما، نظام سرمایه‌داری نیست. نظام سرمایه‌داری، به جمع ثروت، به رونق اقتصادی و به مجموع درآمد ملی نگاه میکند و برایش مهم نیست که این ثروت چگونه به دست می‌آید، به دست کی می‌آید و چند درصد از مردم، چگونه از آن استفاده میکنند!» باید درآمد ملی بالا برود، ثروت زیاد شود، تلاش اقتصادی مورد حمایت قرار گیرد؛ که مورد حمایت هم قرار می‌دهند. قوانین هم در این جهت است. قدرت اجرایی هم در این جهت است. کشورهای سرمایه‌داری - آن هم نه همه بلکه بعضی - حداکثرکاری که میکنند این است که بیمه‌ها و تضمین‌هایی را برای قشرهای مظلوم و محروم می‌گذارند، تا حداقلی هم به آنها برسد. این، نظام سرمایه‌داری است.

نظام اسلامی، این گونه نیست. نظام اسلامی می‌فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ اصل، عدالت است. البته، تولید ثروت هست. نظام اسلامی، یک جامعه‌ی فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروتها استفاده میکند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع

۱. عوالی‌النفالی، ج ۴، ص ۱۰۳

زیرزمینی را استخراج میکند، انسانها را به رشد عقلانی میرساند، تجارت میکند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره‌ی طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است. اما جهت همه‌ی اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامه‌ی قسط آمدند: لَیْقَوْمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ؛^۱ اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه هم هست.

این، جهت را مشخص میکند. قسط یعنی همین: اگر جامعه برخوردار است، همه باشند. نمیگوییم همه یکسان؛ چون یکسانی امکان ندارد. بالاخره تلاشها، همتها و قوتها مختلف است. بعضی بیشتر تلاش میکنند؛ بعضی کمتر میکنند. بعضی ابتکار بیشتری دارند. استعدادها یکسان نیست: وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ... وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ؛^۲ مردم، دارای اختلاف در استعدادند. بحث در این نیست که یکسان باشند؛ بحث در این است که به قدر استعدادشان کار کنند و به قدر همتشان تلاش کنند و همه بتوانند به قدر قدرتشان به دست بیاورند. کسی محروم نماند؛ کسی مظلوم نماند؛ کسی سرکوب شده نماند. این، آن هدف اصلی است.

ما که بر سر کار آمدیم - آن روز که روز مبارزه بود تلاش کردیم، آن روز که پیشنهاد مسئولیت کردند، به هر صورت قبول کردیم - برای تحقق همین هدف بود. کسانی که با فرهنگ ما آشنا نیستند، باور کنند. اگرچه میدانم قطعاً باور نمیکنند که برای ما این مسئولیتها جاذبه‌ای ندارد. خودی‌ها میدانند. کسانی که از نزدیک با این فرهنگ و اشخاص آشنا هستند،

۱. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «تا مردم به انصاف برخیزند.»

۲. سوره‌ی هود، بخشی از آیات ۱۱۸ و ۱۱۹؛ «در حالی که پیوسته در اختلافند... و برای همین آنان را آفریده است.»

میدانند. این مسئولیتها، فقط برای اقامه‌ی عدل، اقامه‌ی حکم الله و هموار کردن راه خدا در مقابل پای مردم، ارزش و محبوبیت و جاذبه دارد. تلاش باید برای این باشد.

البته در این زمینه، کار شده است. من اگر نگویم که برادران عزیز ما در مسئولیت‌های گوناگون در دوره‌های گذشته، برای این قضیه چقدر تلاش کرده‌اند، ناسپاسی است. لکن، راه طولانی‌تری از آنچه که تا به حال پیموده‌ایم در پیش داریم. کار بیشتری از آنچه تا به حال کرده‌ایم باید انجام دهیم. این، مسئله است. اساس کار دولت، باید براین باشد. چه در زمینه‌ی فرهنگی، چه در زمینه‌ی اقتصادی و چه در زمینه‌ی سازندگی، جهت باید این باشد؛ در حالی که فعالیتها متنوع است.^۱

الف- جایگاه قوه‌ی مجریه در اجرای عدالت

«یکی از اهرمهای استقرار عدالت در جامعه‌ی اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشن‌تر دستگاه اجرائی اسلامی است. چون دولت و حکومت را یک وقت به معنای مجموعه‌ی حکومت به کار می‌بریم که شامل دستگاه قانونگذاری و قوه‌ی قضائیه و دستگاه اجرائی همه هست، اینجا منظور من آن نیست. علاوه بر قوه‌ی قانونگذاری و علاوه بر قوه‌ی قضائی که باید مقابل تخلفات از قانون را بگیرند، یک قدرتی هم متعلق است به قوه‌ی اجرائی و دستگاه اجرائی که با این قدرت، با این قوه، با این اعمال نفوذ باید در محدوده‌ی قوانین اسلامی و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و تخلفات را ببیند و بشناسد و از آنها جلوگیری کند؛ ظالم را از ظلم منع کند، بغی و طغیان و تعدی و تجاوز را اجازه ندهد و خلاصه مظهر حاکمیت اسلامی، یعنی دولت اسلامی و

۱. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجّت الاسلام سید محمد خاتمی ۱۳۷۶/۵/۱۲

دستگاه اجرایی اسلامی و حاکم اسلامی، باید حضور کاملی در همه‌ی فعالیت‌های جامعه داشته باشد. این نظر اسلام است که از خلال شواهد و دلایل فراوانی این را میشود یافت و شاید کسی هم درباره‌ی اصل این قضیه بحثی و تردیدی ندارد. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم عیناً همین قدرت و همین حاکمیت متعلق به جمهوری اسلامی و متعلق به دولت حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. اینجا هم غیر از دستگاه قانونگذاری که قانون را وضع میکند و غیر از قوه‌ی قضائیه که وقتی شکایتی بشود یا وقتی تخلفی از قانون بشود، به سراغ متخلف خواهد رفت و جرم و جنایتی انجام بگیرد، مجرم را مجازات خواهد کرد، خود دولت اسلامی هم با اعمال قدرت و با حضور دائمی و با رابطه‌ی مستمر با قشرهای مردم باید از تخلفات آنها جلوگیری بکند. اگر این بود، آن وقت آزادی امور اقتصادی در جامعه، ظلم و بغی و تبعیض و اختلاف طبقاتی و از بین رفتن زندگی و رفاه قشر عظیم مستمند اتفاق نخواهد افتاد. اگر این نبود، اگر مجری دستش باز نبود و قدرت اعمال قدرت نداشت، قانون را براحتی زیر پا میگذارند. لذا در دوران حکومت امیرالمؤمنین می‌بینیم که آن حضرت - شخص خود امیرالمؤمنین، نه قاضی - در جامعه‌ی اسلامی بود، مردم به قاضی مراجعه میکردند، قاضی حلّ و فصل میکرد؛ اگر قتلی، دزدی‌ای، جنایتی اتفاق می‌افتاد، قاضی به سراغ متجاوز از قانون میرفت اما در عین حال خود امیرالمؤمنین طبق این حدیثی که چند جا نقل شده: کان یخرج الی السوق و معه دُرّة؛ وارد بازار مسلمانها میشد در حالی که تازیانه در دستش بود؛ تازیانه را برای نوازش که نمی‌آوردند. امیرالمؤمنین نمیرفت که اگر کسی را در بازار دید تخلف میکند، به قوه‌ی قضائیه بگوید که او را مجازات کن، میرفت تا خود او اعمال قدرت بکند و خود او مانع از ظلم و تجاوز بشود. در یک روایت دیگر این را با تفصیل بیشتری ذکر کرده: کان علی (علیه الصّلاة والسلام) کلّ

بُكَرَةٌ يَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ سُوقاً سُوقاً وَمَعَهُ الدَّرَّةُ؛^۱ یعنی هر روز امیرالمؤمنین این کار را میکرد؛ کار دفعی نبود بلکه کار مداوم و مستمر امیرالمؤمنین این بود و به همه‌ی مراکز کسب و تجارت و بازارها هم حضرت سر میزد و: مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ؛^۲ تازیانه هم در دستش بود و روی شانه اش، یعنی آماده‌ی به کار که اگر دید کسی دارد ظلم میکند، همان جا امیرالمؤمنین تعزیر شرعی را درباره‌ی او اجرا کند. به عامل خود یعنی استاندار خود در مصر که جناب مالک اشتر هست، امیرالمؤمنین سفارش میفرمایند که: فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكُلْ بِهِ؛ یعنی بعد از آنکه تو مردم را از احتکار و ضبط اشیاء مورد احتیاج مردم نهی کردی، کسی مرتکب این گناه شد، فَتَكُلْ بِهِ؛ با او سخت‌گیری کن، از او انتقام بگیر. البته دنبالش میفرمایند: فَتَكُلْ بِهِ وَعَاقِبُهُ فِي غَيْرِ اسْرَافٍ؛^۳ زیاده‌روی نکن، این شرط اصلی است. کسانی که مسئول تعزیر و حفظ حدود قانونی در میان مسلمانها هستند، باید مواظب باشند زیاده‌روی نکنند، باید تقوا را رعایت کنند و دچار اسراف نشوند، آن چنان که امیرالمؤمنین فرموده؛ چون خود این اسراف یک فساد است، مثل همان فاسدی که جنس را احتکار کرده؛ فرقی نمیکند، شاید از او هم بدتر است؛ چون از طرف حکومت است. اما اصل اینکه دولت اسلامی و حکومت اسلامی باید در میان مردم حاضر بشود، در آنجایی که خلاف آشکاری نیست، خلافهای پنهان را خودش کشف کند، در آنجایی که دستگاه قضائی اطلاعی ندارد، خود او مباشرتاً وارد کار بشود، در اینجا باید دولت اسلامی این کار را بکند. آن روزی که مسئله‌ی تعزیرات حکومتی به حکم حضرت امام امت به دولت واگذار شد، این سؤال برای بعضی پیش آمد که چرا قوه‌ی قضائیه این کار را نمیکند. شکی نیست که این کار قوه‌ی قضائیه

۱. امالی الصدوق، ص ۴۹۷

۲. همان

۳. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳؛ با اندکی تفاوت

است اما وقتی قوهی قضائیه دچار یک کمبودهایی است و برادران قوهی قضائیه با همه‌ی تلاش فراوانی که میکنند، به خاطر نداشتن نیروی انسانی لازم یا قوانین لازم نمیتوانند به همه‌ی موارد برسند، نمیشود مردم را رها کرد؛ نمیشود اجازه داد بعضی از افراد سوءاستفاده‌چی که هم‌صنف‌های خودشان و همکارهای خودشان و مؤمنین را هم دچار مسئله میکنند و بدنام میکنند، اینها هر کار می‌خواهند بکنند و هرج و مرج در جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاید؛ این نمیشود. دولت اسلامی باید وارد بشود و لذا این حکم را که از اختیارات حاکم اسلامی یعنی ولی‌فقیه هست، امام صادر کردند و مسئله‌ی تعزیرات حکومتی را اجرا کردند. البته تعزیرات حکومتی همان طور که اشاره کردم به معنای این نیست که کسانی که مباحثاً این کار را انجام میدهند، از حدود عدل و تقوا و ملاحظه خارج بشوند و دچار اسراف بشوند؛ نه، این چنین کاری اگر بشود، حتماً بایستی برخورد بشود و ان شاء الله برخورد هم خواهد شد. منتها مردم باید توجه بکنند که آنچه به معنای حضور دولت اسلامی است، این یک مسئله‌ی اساسی است. نباید هم کسی تصوّر کند که اینکه امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) به بازارهای کوفه می‌آمدند، این از باب حاکمیت آن حضرت نبود، مثلاً از باب نهی از منکر بود؛ نه، زیرا اگر از باب نهی از منکر بود، باید در همه‌ی دوران زندگی آن حضرت در مدینه این کار انجام میگرفت. در کوفه امیرالمؤمنین این عمل را انجام دادند؛ یعنی در مقرّ حکومتشان، مال دوران حکومت است، مال حاکم است. نباید تصوّر کرد چون امیرالمؤمنین معصوم هستند، این کار را انجام میدهند. معصومین دیگر هرگز وارد بازار نشدند که به اختیاری که مال امام معصوم هست، این کار را انجام بدهند. کاملاً روشن و واضح است که امیرالمؤمنین به عنوان حاکم اسلام، به عنوان امام جامعه و در رأس دولت اسلامی این کار را انجام میدادند؛ این یک چیزی است که وجود دارد.

اختیارات دولت در خدمت مظلومان و مستضعفان و در راه رفع تعدّی و ظلم در جامعه باید به کار برود. یعنی وقتی در جامعه احساس میشود که نظم موجود به کیفیتی است که یک عده‌ای پامال میشوند و حقوقشان تضییع میشود، اینجا آنجایی است که دولت باید از اختیارات خودش استفاده بکند و نگذارد که مستضعفان و مظلومان پامال بشوند و این همان اختیاراتی است که به دولت اسلامی داده شده؛ یعنی قدرت حاکمیت اسلام که باید با کنترل و نظارت و همه‌ی فعالیتها انجام بگیرد. من اینجا خوب است برای رفع شبهه در اذهان بعضی از افراد مختلف اشاره کنم به همین حکمی یا فتوایی که اخیراً امام درباره‌ی مسائل مربوط به کار و رابطه‌ی کارگرو کارفرما بیان کردند که جزو روشن‌ترین احکام اسلامی است و خوشبختانه بعد از آن، از طرف دبیر محترم شورای نگهبان سؤال از امام شد که وضوح مطلب را بیشتر کرد و راه همه‌ی سوءاستفاده‌ها از بیان امام را بست. امام میفرمایند براینکه دولت میتواند در مقابل خدماتی که انجام میدهد، شروط الزامی مقرر کند. یعنی کارفرما که در شرایط عادی و بدون نظارت دولت میتواند با کارگریک رابطه‌ی غیرعادلانه برقرار بکند، میتواند ساعت کار را زیاد کند، مزد کارگر را کم کند، امکانات رفاهی لازم را به کارگر ندهد تا فشار بر کارگر بیاید، دولت میتواند کارفرما را اجبار و الزام کند بر رعایت یک سلسله از الزامات و وظایف که بر عهده‌ی کارفرما گذاشته بشود. این چنین چیزی در اختیار دولت اسلامی هست؛ در مقابل آن خدماتی که به کارفرما میکند. یعنی به کارفرما میگوید شما از برق، از آب، از جاده‌ی آسفالت، از اسکله، از بندر، از انواع و اقسام امکانات و خدمات دولتی استفاده میکنی، شرط استفاده‌ی از این خدمات همین است که شما بایستی این کمک را به کارگر بکنی؛ این شرط را در مقابل کارگر متعهد بشوی؛ برای چه؟ نکته‌ی اساسی این است: برای اینکه به کارگر ظلم نشود،

برای اینکه تبعیض در جامعه به صورت یک چیز رایج و عرف متداول درنیاید، برای حمایت از حقوق محرومان.^۱

«مبارزه‌ی با فساد، کار دستگاه‌های حکومتی است. ذهن هم فقط به سمت دستگاه قضائی نرود؛ دستگاه قضائی آخرالدواء است. من گفتم بعضی از بخشها درباره‌ی فساد مطالعات عمیق کنند. چند مجموعه در این زمینه تدوین کردند و برای من آوردند که درباره‌ی مسئله‌ی فساد و شیوه‌های فساد و رخنه‌گاه‌های فساد، تحقیقی صورت گرفته بود. دیدیم مهم‌ترین بخشی که میشود با فساد مبارزه کرد، دولت است.»^۲

ارزشمندی مسئولیت در دولت اسلامی

«این نکته‌ی آخری است که به حضار محترم می‌خواهم عرض بکنم. خطاب هم فقط به قوه‌ی مجریه نیست، به همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان کشور است؛ چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در قوه‌ی مقننه، چه بخشهای گوناگونی که در حاشیه‌ی اینها حضور دارند؛ و آن، این است که دوستان! قدر خدمت در این نظام را بدانید، خدمت در این نظام خیلی باارزش است. البته خدمت در همه جا باارزش است؛ هر مسلمانی، در هر نقطه‌ای از عالم، در هر سطحی یک خدمتی به افراد، به انسانها، به بشریت بکند، این یقیناً ثواب دارد، ارزش دارد و ان شاء الله خدای متعال اجر میدهد، لکن در جمهوری اسلامی فقط این نیست؛ خدمت کردن در جمهوری اسلامی علاوه بر این، یک نکته‌ی بسیار مهم دیگری دارد و آن، این است که خدمت شما، حرکت شما و کار شما کمک میکند به رونمایی از الگویی که اسلام برای جامعه‌سازی و برای مدیریت

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۶/۱۰/۱۱

۲. در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۹

جامعه دارد نشان می‌دهد؛ این خیلی مهم است.^۱

«برادران و خواهران عزیز! این مَدَّتِ مسئولیت در دولت را قدر بدانید. این مسئولیتها گذراست؛ آنچه که برای شما باقی میماند، اجرو ثوابی است که بر اثر کار برای مردم به شما خواهد رسید و خدای متعال شما را مشمول آن اجرو ثواب خواهد کرد. مردم هم قدر دولت و قدر مسئولان خدمتگزار را میدانند. سرمایه‌ی عظیم پشتیبانی آنها از شما، سرمایه‌ی خدادادی است. این سرمایه را باید حفظ کنید، که با همین تلاش مخلصانه، ان شاء الله حفظ خواهد شد.»^۲

عداوت انواع دشمنان با دولت اسلامی

«دولت اسلامی دشمنانی هم دارد. دولت اسلامی دودسته دشمن دارد؛ یک دسته دشمنان شناخته شده هستند. همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند - به اصطلاح سکولارها - اینها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ میگویند اقتصاد باید از دین جدا باشد، سیاست از دین جدا باشد، زندگی اجتماعی از دین جدا باشد، تحرکات و نشاط‌های مردمی عمومی از دین جدا باشد. مخالفتها هم در طیف وسیعی انجام میگیرد؛ از مخالف بودن، تا مخالفت کردن، تا معارضه‌های جدی کردن. مترفین بین المللی - یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند و برای این کار دارند

۱. در ارتباط تصویری با جلسه‌ی هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲. نیز رجوع کنید به بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴ و بیانات در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷.

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۷۷/۶/۲

حدّاكثر تلاش علمی و عملی را میکنند - اینها هم جزو دشمنان بیرونی دولت اسلامی‌اند. عرض کردیم دشمنها لزوماً دشمنی نمیکنند؛ بعضی از آنها دشمنند، بعضی دشمنی کردنشان به صورت مخالفت و اعتراض است، بعضی وارد میدان میشوند و گلاویز میشوند. بنابراین انواع و اقسام دشمنی وجود دارد و باید با هر کدام به نحوی برخورد کرد.^۱

راه موفقیت دولت اسلامی؛ اعتماد به خدا و مردم

«اینکه آیا ما شانس گرفتنِ پاداشِ شهادت را داشته باشیم یا نه، بحث دیگری است. بنده که به خودم امید چندانی ندارم. حالا شاید ان شاء الله در بین شما کسانی باشند که پایان کارشان شهادت در راه خدا باشد که این افتخار بزرگی است. حالا این پاداش نصیب ما بشود یا نشود، راهمان این است؛ راه کار برای خدا، با اخلاص و همراه با رشادت و شجاعت و دلیری و بیباکی در مواجهه با مشکلات.

پس، سه خصوصیت شد: یکی اینکه کار و تلاش کنیم. دوم اینکه این کار را با رشادت و شجاعت انجام دهیم. سوم اینکه جهت‌گیری‌اش را خدا قرار دهیم. اگر این سه خصوصیت باشد، من مطمئنم این موفقیت‌هایی که شما در ظرف این دو سال به دست آورده‌اید، بمراتب بیشتر خواهد شد. بحمدالله موفقیت‌ها کم هم نیست. چون شما با مردم حرف کم میزنید، شاید خیلی از آنها موفقیت‌هایتان را در بخش‌های مختلف ندانند؛ لیکن ما و کسانی که دستشان در کار است، میدانند که شما کارهای خوب و مفید فراوانی انجام داده‌اید. بنابراین، با وجود آن سه خصوصیت، موفقیت‌های شما روزبه‌روز بیشتر خواهد شد و در قبال آن مجموعه‌ی انسانی که با این سه خصوصیت حرکت میکنند، یقیناً هیچ مشکلی تاب مقاومت نخواهد

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

داشت. همه‌ی تنگناها و مشکلات - مشکلات انسانی، مشکلات سیاسی و مشکلات مالی - برطرف خواهد شد؛ این وعده‌ی الهی است. یکی از آثاری که برتقوا مترتب است، این است که خدای متعال به کارهای ما برکت می‌دهد. اگر انسان آثاری را که در قرآن - کلام الهی - برتقوا مترتب شده است، ملاحظه کند، خواهد دید که جواب همه‌ی احتمالات و خواطر و وسوسه‌های ذهنی او داده شده است: **إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا**^۱ اگر تقوا پیشه کنیم، خدای متعال برای ما فرقان - یعنی فارق بین حق و باطل - به وجود خواهد آورد. راه حق و باطل برای ما مشتبه نخواهد شد؛ راه باز خواهد شد. وقتی انسان فهمید حق کدام است، باطل کدام است، با شجاعت بیشتری حرکت میکند: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**^۲ انسان را از تنگناها خارج میکند و برای او فرج و گریزگاه به وجود می‌آورد: **وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ**^۳؛ از آن جایی که محاسبه نکرده، او را روزی خواهد داد.

روزی شما که روزی شخصی خودتان نیست. هر کدام شما مظهر بخش عظیمی از این ملت و این کشور هستید. روزی شما آن چیزی است که کار شما را آسان و امکانات را برای شما فراهم میکند. خدای متعال گاهی با پول کم، برکت خودش را اعطاء میکند. گاهی با پول زیاد و با فراوانی درآمد، برکت از انسان گرفته میشود. وقتی انسان تقوا داشته باشد، وقتی برای خدا کار کند و اخلاص پیشه نماید، خدای متعال به کارهایش برکت می‌دهد. شما ببینید در همین دوران جنگ که بعضی از شما مسئولیتهای حساس داشتید، چقدر کارهای بزرگ انجام گرفت! با اینکه دوران سختی بود؛

۱. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق] از باطل [قرار میدهد].»

۲. سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار میدهد.»

۳. سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۳

دوران جنگ بود و ما زیر بمباران دشمن بودیم. در این شهر تهران، در چنین اتاقی، انسان نمیتوانست در هیچ ساعتی از ساعات شبانه‌روز، راحت و خاطرجمع باشد که بمبی روی این اتاق نمیخورد. در چنین وضعی، یک دولت و یک مجموعه‌ی خدمتگزار - همین شما - آمد و با همت، با تلاش، با ایمان، با توکل به خدا و با درآمدهای بسیار کم - حتی کمتر از درآمد سال گذشته - کارهای بزرگی انجام داد...

عزیزان من! به نظر من، راه دین‌داری، راه توکل به خدا و راه اعتماد به وعده‌ی الهی است؛ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ^۱؛ ایمان و تقوا، راه‌های طبیعی را هم باز میکند، مشکلات طبیعی را هم برطرف میکند؛ مشکلات جهانی را هم برطرف میکند؛ خطرهای بزرگ را هم برطرف میکند و گشایشهای فراوان به وجود می‌آورد. این یک طرف قضیه است؛ یک طرف هم مردم قرار دارند. ذخیره‌ی معنوی شما، یکی توکل به خدا است؛ یکی اعتماد به این مردم مؤمن و صادق و فداکار و علاقه‌مند به مسئولان و علاقه‌مند به اسلام و علاقه‌مند و قدردان نظام جمهوری اسلامی؛ که هر جا از طرف مسئولان نظام از این مردم کمکی خواسته شد، آنچه در اختیارشان بود در اختیار ما قرار دادند و حجت را بر ما تمام کردند.^۲

اصل نظارت بر دولت

«تشکیل شورای نگهبان در قانون اساسی، علاوه بر اینکه یک فهم و درک عمیق صحیح از مجاری امور در اداره‌ی کشور را نشان میداد، از ناحیه‌ی شباهت به نظامهای عقلانی دیگر هم این کار، یک کار صحیح و متین و

۱. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۹۶؛ «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.»

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران ۱۳۷۸/۶/۲

حکیمانه به حساب می‌آمد. آن روزی که بحث شورای نگهبان مطرح شد - البته قاعده همین بود که برای اطمینان از اسلامی بودن و شرعی بودن حرکت دولت اسلامی، یک دستگاه ناظری وجود داشته باشد - این معنا به ذهن انسان میرسید لکن همان روز هم وقتی به دستگاه‌های دنیای کنونی - دنیای مدرن - نگاه شد، دیدیم همه جا تقریباً یک چنین چیزی وجود دارد. یعنی در هیچ نظام مستحکم عقلانی‌ای شاید نشود فرض کرد و پیدا کرد جایی را که برای نظارت و مراقبت بر اجرای اصول حاکم بر آن نظام، یک دستگاهی وجود نداشته باشد؛ این همه جایی است. منتها خب اصول حاکم بر هر نظامی، ارزشهای معتبر در هر نظامی با هم متفاوت است؛ لکن در همه جا تقریباً یک دستگاهی وجود دارد که تأیید کند، امضا کند، تصدیق کند که کاری که دارد به وسیله‌ی حکومت انجام میگیرد، این بر روی خط ارزشها و در جهت اهداف این نظام است.^۱

ویژگی‌ها و اوصاف لازم کارگزاران دولت اسلامی

ضرورت پرداختن به این بخش از این رو است که چنانچه خواهد آمد، دولت جوان حزب‌اللهی در ذیل دولت اسلامی تعریف میشود و به همین دلیل خصوصیات لازم در دولت اسلامی در دولت جوان حزب‌اللهی نیز ضروری است. در ادامه فهرستی از این خصوصیات ارائه میگردد.

«اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده‌ی مجلس و برای وزیرشرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را میتواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت بر عهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا میکند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه‌ی شعب و شاخه‌هایی که از آن متشعب است، رفته روی

۱. در دیدار اعضای شورای نگهبان قانون اساسی و مسئولین بخشهای نظارتی آن ۱۳۸۶/۴/۲۰

این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه‌ی مسئولان در بخشهای مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد.^۱

«اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد؛ اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه‌ی مردم، نمیتواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قلّه و هرم و مجموعه‌ی مدیریت و دستگاه اداره‌کننده در یک جامعه، این قدر فوق‌العاده است. این است که ما روی مسئله‌ی غدیر، این قدر تکیه میکنیم.

مسئله‌ی غدیر، یعنی گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا و سبقت در ایمان و اسلام و تکیه روی اینها در تشخیص و تعیین مدیریت جامعه.^۲»

«عزیزان من! از هر جا که هستید، قوه‌ی مجریه، مقننه، قضائیه، جاهای دیگر، همه در جمهوری اسلامی در این جهت یکسانید و یکسانیم که احتیاج داریم به تعمیر قلب خودمان؛ به این نیاز داریم؛ چون جمهوری اسلامی با یک حکومت متعارف معمولی در دنیا فرق دارد. جمهوری اسلامی با یک هدفی، با یک آرمانی، با یک منطقی، با یک علم‌ی به وجود آمده و آن علم عبارت است از توحید، از حکم الهی، از شریعت الهی؛ با این علم به وجود آمده. همه‌ی آن چیزهایی که ما می‌خواهیم، آزادی و عدالت

۱. در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱

۲. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۴/۲۰

و استقلال و مانند اینها، در همین عَلمِ اسلام مندرج و مندمج^۱ است. [جمهوری اسلامی] با این به وجود آمده؛ دیگران به این مقیّد نیستند. خب فرض کنید که فلان کس در کشور خودش فلان مسابقه‌ی حرام را به راه می‌اندازد، اشکالی ندارد، بالاخره [برایش] درآمدی دارد؛ [اما] ما نمیتوانیم این کار را بکنیم. اوّل انقلاب، بعضی از آن آقایانی که آن وقت بر سر کار بودند راجع به مشروبات الکلی‌ای که از طرف ایران خریداری شده بود و داشت با کشتی می‌آمد یا آمده بود، با امام وارد صحبت شدند که «آقا! اگر ما اینها را رد کنیم، فلان قدر خسارت از کیسه‌ی ما می‌رود»؛ امام قاطع و محکم برخورد کردند، گفتند ول کنید، این درآمد نیست. حالا من دقیق جزئیات فرمایش امام یادم نیست، اما این موضوع کاملاً یادم هست. این است دیگر؛ ما تقیّداتی داریم که دیگران ندارند. اگر بخواهیم این تقیّدات را عمل بکنیم - که دنیا و آخرت ما وابسته به این است که بتوانیم پای این حرف اسلام، حرف جمهوری اسلامی، بایستیم - باید دلمان را درست کنیم. درست کردن دل هم عمدتاً مربوط است به ارتباطش با خدا و تذکّر ذات مقدّس الهی و یاد و ذکر؛ این است که به ما تقوا میدهد. وَلَئِکَرُ اللّٰهُ أَکْبَرُ^۲ ذکر خدا است که ما را وادار میکند به تقوا، وادار میکند به مراقبه، وادار میکند به اجتناب از گناه، وادار میکند به اجتناب از خیانت، وادار میکند به اجتناب از دنیاطلبی؛ [یعنی] اینهایی که به آنها احتیاج داریم. برای مسئولین جمهوری اسلامی این چیزها واجب است؛ اوجب واجبات اینها است، و آن یاد خدا است که ما را به اینها وادار میکند.^۳

۱. درهم آمیخته، وارد شده

۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «و قطعاً یاد خدا بالاتر است.»

۳. در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران نظام ۱۳۹۷/۱/۲۰

خصوصیات لازم برای مسئولین کشور

۱- تدبیر

«هر کسی آدنی^۱ ارتباطی با دستگاه حکومت دارد، باید از لحاظ تدبیر برجسته‌تر باشد، دیانت او در اعمال او مشهودتر باشد؛ باید بتدریج به طرفی برویم که کارمندان ادارات بشوند مثال تقوا و پرهیزکاری و ورع؛ این جور باید باشد و میشود؛ نگوئیم نمیشود. خب الان نگاه کنید کارمندان بعضی از این نهادهای انقلابی مثل سپاه و جهاد و بعضی جاهای دیگر، کارمندان دولتند، از مردم معمولی متدبیرترند، پابندترند، خیلی‌شان اهل نماز شبند، اهل توسلند، اهل توجهند، اهل فداکاری در راه خداوند؛ باید نظام اسلامی این جور باشد. آقایان! دیانت را در محیط کار خودتان زنده کنید؛ من به ارتشی‌ها هم این را گفتم، به ادارات هم این را عرض میکنم، به دانشگاهی‌ها، از دانشجو و استاد، هم این را گفتم؛ محیط را محیط دینی کنید. این بد است که در یک اداره‌ای نمازخانه باشد و شما که رئیس اداره هستید در نماز شرکت نکنید؛ خب بروید نماز را در نمازخانه بخوانید. نماز را که باید خواند؛ اول وقت که بهتر از ثانی وقت است، به جماعت که بهتر از تنها است و نماز فریضه در ملا بهتر است تا در خلوت؛ نماز نافله و مانند اینها را خب چرا، در خلوت بخوانند اما نماز فریضه را در ملا بخوانند. خیلی خب، شما اول ظهر از اتاقتان بیایید بیرون، قبلاً وضو بگیرید، آماده بشوید؛ [نماز] ده دقیقه است. البته من با آن روشی که چند سال قبل از این بود، همان وقت هم مخالف بودم؛ حالا هم هر کس استفتاء میکند یا سؤال میکند آن روش را قبول ندارم؛ بخوانند یک مقداری برای نماز قرار بدهند و آقایان مثل اینکه زنگ تفریح است، از اتاقها بیایند بیرون و بگویند و بخندند، سیگار بکشند، یواش یواش بروند دستشویی، یواش یواش وضو

۱. کمترین، جزئی‌ترین

بگیرند، یک ساعت وقت مردم را تلف کنند که میخواهند دو رکعت نماز بخوانند؛ نه، من با این مخالفم. آقایان خودشان را آماده کنند، قبلاً وضو بگیرند، آماده بشوند، اول وقت نماز که شد، بروند مسجد، بلافاصله نماز بخوانند، نماز ظهر و عصر حدّا کثر یک ربع ساعت طول میکشد، [بعد] یک ربع، بیایند سراتاقهایشان؛ اول کسی هم که میرود شما باشید که رئیسید؛ این خیلی خوب است. محیط ادارات ما باید محیط دینی و محیط اسلامی بشود.

خیلی راجع به این خانمهای به اصطلاح بدحجاب - که گفته میشود بدحجاب - بحث است؛ رسانه‌ها میگویند، روزنامه‌ها مینویسند، حزب اللهی‌ها هم میگویند، هر وقت با خانواده‌ی شهدا می‌نشینیم به ما شکایت میکنند؛ خب حالا آن البّته یک بحث دیگری است و یک تدابیر دیگری دارد. من عرض میکنم شما اول بایستی خیلی از این خانمهایی را که در ادارات هستند، مراقبت کنید؛ وضع حجابشان را مرتّب کنید؛ مقید باشند به اینکه حجابشان را حفظ بکنند؛ اشکالی ندارد؛ مواظب باشند. ما البّته لباس خاصی را بر کسی تحمیل [نمیکنیم]. اگر از من سلیقه‌ام را سؤال بکنند، خود من چادر را بر هر حجاب دیگری برای زن ترجیح میدهم اما این سلیقه‌ی من است. حجاب محلّ کلام و محلّ حکم الهی است. خانمها محجّبه، با مواظبت، بدون داشتن تظاهراتی از لاابالیگری ظاهر بشوند.

از کارهای خیلی بد، این است که بعضی از این مسئولین و مانند اینها ناخنهایشان را بلند میگذارند، کأنّهم میخواهند مثلاً فرض کنید که از فلان وسیله‌ی موسیقی استفاده بکنند؛ شما که اهل این نیستید، فقط تشبّه است؛ این تشبّه چیز بدی است؛ «ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»؛

۱. مولوی. مثنوی معنوی، دفتر دوم (با اندکی تفاوت)

تقلید در این کار [چیز بدی است] - البته تقلید در امر تخصصی یک امر لازمی است، آن، حکم عقل است؛ چیزی که بلد نیستیم باید از آن که بلد است، یاد بگیریم، از او تبعیت و تقلید بکنیم - تقلید از این آدمهای لاابالی در این آداب و رفتار و سنت‌ها و حرف زدن و کار کردن و نشست و برخاست کردن. یا مثلاً فرض کنید رنگهایی که بعضی به ناخنهایشان میزنند؛ خب آدمی که اهل وضو است، نمیتواند این رنگها را بزند؛ معلوم است یک چیز واضحی است. خانمها مواظب باشند، مقید باشند؛ مواظبتشان بکنید، مقیدشان کنید، بهشان بگویید، تذکر بدهید. یا در محیط کار رفتارهای جلف زن و مرد وجود نداشته باشد؛ شما در محیط کارتان اگر این کارها را بکنید، کار، بهتر و روان تر هم انجام میگیرد. این مشکلی هم که مدام میگویند بدحجابی شاید صدی پنجاهش یا صدی شصتش بعید ندانید، همین جور و به این ترتیب حل میشود؛ غرض، محیط را محیط دینی کنید.»^۱

۲- تقوا

«اگر تقوا نباشد، همه‌ی کارها خراب است. وقتی تقوا بود، هر تصمیمی که انسان میگیرد و هر حرفی که میزند، برای مصلحت مردم و رضای خدا است. در این صورت صراط مستقیم پیموده خواهد شد. وقتی تقوا نباشد، انسان از روی عصبانیت و کینه‌ورزی و طمع حرف میزند یا اقدام میکند یا دستور میدهد یا حکم میکند.»^۲

«من و شما هم احتیاج داریم که بشنویم و همدیگر را موعظه کنیم. موعظه‌ی اصلی و مهم ما همین مسئله‌ی تقوا است و تقوا برای ما مسئولان

۱. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

۲. در دیدار اқشار مختلف مردم قم در سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

اهم و پایهی آن در مورد ما، پایهی بالاتری است که نمیتوانیم به سطح تقوای متعارفِ عادی مردم اکتفا کنیم.^۱

رهبر معظم انقلاب (مدّظله العالی) در مورد تقوا مباحثی خطاب به کارگزاران نظام در دیدارهای مختلف مطرح کردند که اهمّیت زیادی دارد اما در این نوشتار بیش از این مجال نیست و خوانندگان محترم را به بیانات معظمّله ارجاع میدهیم.^۲

۳- یاد خدا

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا».^۳ ما که در جنگ پیروز میشویم، به خاطر تقوا است. اگر شکست بخوریم، به خاطری تقوایی است؛ به خاطر آن بیماری ای است که در جان ما رخنه کرده و ما از آن غفلت کرده‌ایم.

برادران! غفلت نکنیم. بزرگ‌ترین عذاب خدا بریک ملّت این است که آن ملّت غافل بشوند. بدترین درد برای یک جامعه، غفلت آن جامعه است؛ از خدا غافل نشویم. در دل و جان ما و در یکایک تصمیم‌گیری‌ها و حرکات ما، کار اداری، کار سیاسی، کار نظامی، کار مدیریتی، وقت پول خرج کردن، وقت اعتبار تخصیص دادن، وقت قانون گذراندن، وقت قضاوت

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴؛ در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۳/۶/۴؛ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳؛ در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴؛ در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷؛ در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۵/۱۶؛ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸؛ در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۵/۳/۲۵؛ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۷/۱۸؛ در دیدار

کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸

۳. آل عمران: ۱۵۵

کردن، در تمام مراحل باید خدا به یاد ما باشد. ما باید برای خدا کار کنیم. این طوری این جامعه پیش خواهد رفت.^۱

«جامعه‌ی اسلامی و انقلابی ما اگر چنانچه از ذکر الهی و یاد الهی و خشوع در مقابل پروردگار و تضرع در مقابل پروردگار غافل بشود، مطمئناً ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد؛ مطمئناً ناکام خواهد شد. ما به آن اهداف والا، به آن خواسته‌های مطلوب، در صورتی میرسیم که بتوانیم یک تلاش مؤمنانه و صادقانه‌ای را دنبال بکنیم؛ و آن جز با توجه به خدای متعال و افزایش نورانیت دل و ارتباط دل با خدای متعال ممکن نیست؛ این آن عرض ما در مورد اغتنام فرصت ماه رمضان که به نظر من از همه‌ی آنچه عرض خواهیم کرد مهم‌تر است. اساس حرف ما این است؛ باید مراقب باشیم. البته من خودم اولین مخاطب این حرفها هستم؛ بنده بیشتر از شما مسئولیت دارم و بار سنگین‌تری از بارهای شما دارم، خود من به این حرفها بیشتر احتیاج دارم؛ برای من، برای شما، لازم است که توجه کنیم، استفاده کنیم از این ماه، از این فرصت.»^۲

«سعی کنیم دلها را معطر کنیم؛ امروز ما به این تطهیر دلها بسیار نیاز داریم. من بیش از همه‌ی شما به این علاج الهی محتاجم؛ و مجموعه‌ی ما که مسئولیتهای سنگینی بردوش داریم، بیش از کسانی که این مسئولیتهای را ندارند، محتاجیم. کار ما سنگین است. خدای متعال خودش آن عبادتهای سنگین، آن بیداری‌های شبانه، آن گریه‌ها و آن تضرعها را در همه‌ی میدانها بر نبی اکرم لازم میکند و از او میخواهد؛ چون بار او سنگین است. هر کس به تناسب سنگینی بار خود، به تقویت این رابطه با خدای متعال احتیاج دارد. اگر توانستیم این رابطه را تقویت کنیم، کارهایمان اصلاح خواهد شد؛ راهمان باز خواهد شد؛ ذهنمان روشن خواهد شد و افق

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

در مقابل ما روشنی خواهد یافت؛ اما اگر این گره را باز نکردیم، کارهای ما به سامان لازم نخواهد رسید. ممکن است انسان در چیزهایی موفق شود، اما هدف در موفقیت‌های دنیایی متوقف نمیشود. هدف انسان موحد بسیار فراتر از هر چیزی است که در چهارچوب عالم ماده است؛ اگرچه آنچه در چهارچوب عالم ماده است، همه به عنوان مقدمه و راه و صراط به سوی آن هدفها مطرح است. شما نمیتوانید از این صراط عبور نکنید، اما در این صراط نباید متوقف شوید. هدف را باید فراتر از خواسته‌هایی که در چهارچوب این عالم است، تعیین کرد. امیدواریم که خداوند متعال به من و شما توفیق دهد تا بتوانیم این کارها را انجام دهیم.^۱

۴- ایمان به غیب

«آقایان! قدر این ایمان مذهبی و اسلامی را، این ایمان به غیب را بدانید؛ این خیلی چیز باارزشی است؛ بیخود نیست که در اول قرآن در سوره‌ی بقره، صحبت «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۲، ایمان به غیب، ایمان به آنچه خارج از این معادلات محسوس دست‌مالی شده‌ی بشر است؛ ایمان به چیزی ماورای اینها، ایمان به خدای قادرِ عالمِ متعالِ حکیمِ خبرِ سمیعِ بصیر؛ این خیلی چیز باارزشی است، متأسفانه دنیا امروز از این محروم است؛ بسیاری از مشکلات آنها ناشی از این است. من دیدم بعضی از آدمهای ساده‌دل و ساده‌لوح، حالا بعد از پیروزی انقلاب و عظمت جمهوری اسلامی و معجزنمایی این ایمان غیبی، تلقین میکنند به خودشان که ما مسئله‌ی ایمان مذهبی و مانند اینها را بگذاریم کنار - البته برای خودمان مقدس و عزیز [است] - و در معادلات کاری، این را داخل نکنیم؛ این ساده‌لوحی

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹؛ (دیدار ۱۳۹۷/۳/۲)

دارای همین مضمون است؛ در دیدار مسئولان نظام

۲. سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۳

است، این حماقت است. یک وسیله‌ی به این کارایی و پُرازشی را انسان از محیط کار بیرون کند؟ آقایان! در رابطه‌ی بین آمو و مأمور، در رابطه‌ی بین مأمور و مردم، در رابطه‌ی بین مأمور و کار، در رابطه‌ی بین مأمور و محیط کار، در همه جا این اعتقاد به غیب، این ایمان معنوی کارایی دارد و معجز نما است؛ این را در خودتان تقویت کنید. کارمندان دستگاه‌های دولتی باید ایمانشان از مردم عادی بیشتر باشد.»^۱

۵- زهد، ورع و مهار نفس

مهار نفس هم مهم است. در جنگ احد میدانید چه اتفاقی افتاد. پیروزی پیش آمد، بعد این پیروزی تبدیل به شکست و خسارت شد؛ به خاطر اینکه جمعی نتوانستند نفس خود را مهار کنند. آیه‌ی قرآن میفرماید: **إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا**؛^۲ آنهایی که در جنگ احد نتوانستند خود را حفظ کنند و پایشان لغزید، شیطان به خاطر بعضی از کارهایی که خودشان بر سر خود آورده بودند ـ نانی که خودشان در سفره‌ی خود گذاشته بودند ـ آنها را به این بلا دچار کرد. خودشان برای خودشان مشکل ایجاد کرده بودند؛ این عدم مهار نفس است. ما باید نفس خود را مهار کنیم. ما در مسئولیتهایی که قرار گرفته‌ایم، باید به لذات و شهوات و جمع‌آوری ثروت دل نسپاریم. مقطع ما، مقطع عظیمی است؛ در تاریخ، یکی از مقاطع بسیار حسّاس و برجسته است. بدانید همه‌ی ما زیر ذره‌بین قضاوت مردم در طول صدها سال آینده قرار خواهیم داشت؛ روی اعمال و کارهای ما قضاوت میکنند. اگر خطا کنیم، بلغزیم و دل به لذت و راحت و شهوت دنیا بدهیم ـ که این برای انقلاب گران تمام خواهد شد ـ

۱. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

۲. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۵

در پرونده‌ی ما در تاریخ ثبت خواهد شد. پیش خدای متعال هم که معلوم است و عرض کردیم چقدر هم دشوار است.^۱

«ما باید خودمان را به معنای واقعی کلمه نه به معنای تعارفی کلمه خدمتگزار مردم بدانیم. ما در هر سطحی از سطوح که هستیم، باید این فکر را که: «از امکاناتی که در اختیار ما است، میتوانیم برای تأمین خواسته‌ها و هوسهای خود استفاده کنیم؛ پس بکنیم.»، بکلی دور بیندازیم. مسئولان کشور باید به معنای واقعی کلمه، از لحاظ زهد یعنی بی‌رغبتی به زخارف دنیایی سرمشق دیگران باشند؛ حدّ آن هم، حدّ ورع است.

امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) در آن نامه‌ی معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آنکه میفرمایند تو سرچنین سفره‌ای بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را میفرمایند: الا وانّ امامکم قد اکفی من دنیاہ بطمریہ ومن طعمہ بقرصیہ؛ بعد میفرمایند: الا وانکم لاتقدرون علی ذلک؛ یعنی من از شماها توقع این طور زندگی را ندارم.

من و شما کجا میتوانیم به خاطرمان خطور بدهیم که قادریم در آن حدّ اوج پرواز کنیم؟ مگر شوخی است؟ بحث این نیست که ما از خودمان مسئولیت را دفع کنیم؛ نه، اگر کسی میتواند، باید بکند. بحث این نیست که برای عمل خودمان، توجیهی درست کنیم؛ نه، آن طور زندگی کردن، یک عمل تصنعی نیست؛ بلکه به یک روح پولادین متکی است، که آن روح در امیرالمؤمنین وجود داشت.

در دنبال آن میفرمایند: ولکن اعینونی بورع واجتهاد؛^۲ ورع پیشه کنید و هر چه میتوانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن طوری نمیتوانید، تا هر جا که میتوانید، این را دنبال کنید. ما اگر میخواهیم و شعار میدهیم

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۵

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵

و می‌گوییم که جامعه‌ی ما باید روحیه‌ی مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگهای غربی ترویج میشود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ما است. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر میشود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات ممکن باشیم، اما در عین حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را میدهند، ما باید عمل کنیم.^۱

۶- سلامت اعتقادی

«اولین شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است بخصوص در مسئولان رده‌های بالا: سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. ما خوشبختانه برای اعتقاد درست و برای آنچه که باید آن را حق دانست، دچار ابهام و سردرگمی نیستیم؛ علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه‌ی رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه‌ی ما است. خب، مجموعه‌ی بیانات امام، مجموعه‌ی موضع‌گیری‌های امام، مجموعه‌ی رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این میشود سلامت اعتقادی. اصول و ارزشهای انقلاب هم همینها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد. اینها چیزهایی است که اگر به آنها پابند باشیم و دل بسته‌ی به آنها باشیم و برنامه را بر اساس این دل بستگی‌ها

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجت الاسلام والمسلمین

حاج سیداحمد خمینی ۱۳۶۹/۹/۱۴

انجام بدهیم، به نظر میرسد که کارِ موفق و خوش‌آینده خواهد بود و پیش خواهیم رفت.

یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه میکنم در این زمینه‌ی اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله‌ی اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛ این از جمله‌ی مطالبی است که بنده اصرار دارم ما روی این کوتاهی نکنیم. وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده میدهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۱، «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ»^۲، وقتی این جور خدای متعال با صراحت، با تأکید به ما وعده میدهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل بکنیم. حالا این برای کسی که تجربه نکرده، ممکن است از ذهن دور باشد و مورد استبعاد باشد، اما من و شما که تجربه کردیم، ما که دیدیم چطور یک امرِ نشدنی شد؛ نشدنی تراز این وجود نداشت که انسان خیال کند با دست خالی، با حضور در خیابانها میشود یک رژیم مستبدِ مستکبرِ متکی به همه‌ی قدرتهای جهانی را سرنگون کرد و به جای او یک نظام اسلامی آورد؛ آن هم نه یک نظامی منطبق بر معیارها و استانداردهای غربی؛ نظامی اسلامی، نظام فقهاتی. چه کسی باور میکرد چنین چیزی عملی بشود؟ اما شد؛ همین چیزِ نشدنی اتفاق افتاد.

قضیه‌ی شورشهای اول انقلاب، قبل از شروع دفاع مقدّس، یک مسئله‌ی دیگر است... جنگ تحمیلی و قضیه‌ی دفاع مقدّس، نمونه‌ی دیگر است... و همین طور مسائل گوناگون دیگر. خب، اینها وعده‌هایی است که محقق شد. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» را دیگران اگر در قرآن فقط خوانده‌اند،

۱. سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «اگر خدا را یاری کنید یاریتان میکند».

۲. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند یاری میدهد».

ما در زندگی آن را تجربه کرده‌ایم. بنابراین باید اعتماد به خدا داشته باشید، برای خدا کار کنید آقایان، هدف‌تان را هدف خدایی قرار بدهید، مطمئن باشید خدای متعال راه باز میکند. همین معادله‌ی چندمجهولی که آقای دکتر روحانی بیان کردند - که آدم وقتی نگاه میکند از همه طرف، تعارض و تناقض دارد - این را گاهی اوقات می‌بینید خدای متعال با یک حرکت کوچک حل کرد. اتفاق افتاده؛ یک جسمی را روی جسم دیگری می‌خواهید سوار کنید، ده جا مانع وجود دارد، آدم بلد نیست؛ یک آدم ماهر می‌آید، یک تکان مختصر میدهد، جا می‌افتد. یعنی همه‌ی این مسائل را میتوان فرض کرد که با یک نگاه درست عالمانه‌ی بخردانه‌ای که البتّه متکی باشد به توسّل به پروردگار و عنایت الهی و امید و اعتماد به خدای متعال، پیش برد و حل کرد و من اعتقاد من این است. به هر حال این یکی از شاخصها است: اعتماد [به خدا] و انس با معنویات. من خواهش میکنم - البتّه شاید لزومی نداشته باشد که من این را از شما بخواهم و تحصیل حاصل باشد - با قرآن رابطه‌تان را قطع نکنید، حتماً هر روز مقداری قرآن بخوانید، با دعا و توسّل رابطه‌تان را محکم کنید؛ این فشار کار را کم میکند، سختی‌های کار را برمی‌دارد، شما را بانشاط میکند، آماده‌ی مواجهه‌ی با موانع بزرگ میکند، یعنی سرحال می‌آورد روح انسان معتقد را؛ این خیلی امر مهمی است؛ و نوافل و مانند اینها که دیگر حالا جای خود دارد.^۱

«خب، زمان تغییر پیدا میکند؛ جریان گوناگون فرهنگها و ارزشها و مانند اینها هم می‌آید، میرود - طبیعت زمانه این است - تحولاتی در ذهنها، در فکرها به وجود می‌آید لکن یک اصول ثابتی وجود دارد که این اصول را بایستی همواره در نظر داشت. برای ما مسئولین در نظام مقدّس جمهوری اسلامی، این اصول ثابت را میتوان در شخصیت این دو مرد عزیز و بزرگوار

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

جستجو کرد و یافت. خب، ما با اینها بخصوص با مرحوم باهنر، سالهای متمادی مأنوس بودیم، با مرحوم رجایی هم همین جور؛ از قبل از انقلاب تا دوران مسئولیتها و در مجلس و بیرون مجلس؛ واقعاً خصوصیات داشتند که ما اینها را بایستی از یاد ببریم. به نظر من ایمانشان به این راه، به این اهداف، اهدافی که امام ترسیم کرده و جمهوری اسلامی مظهر آن اهداف است، شاخص خیلی مهمی است؛ اخلاصشان؛ روحیه‌ی خدمتگزاری‌ای که در اینها وجود داشت که واقعاً شب و روز نمی‌شناختند و برای خدمتگزاری کار میکردند.^۱

۷- عدم اعتقاد به انسداد و بن بست

«نکته‌ی دیگری که خیلی مهم است، ابتکار و خلاقیت در هر کار است. امید به دگرگون‌سازی هرنابسامانی است. من با بعضی از مسئولین درجه‌ی متوسط که گاهی پیش بنده می‌آیند، برخورد میکنم. متأسفانه میبینم طوری از واقعیات کاری خودشان حرف میزنند، کانه تمام راه‌ها بن بست است. این چه فکری است؟! چرا باید این طور فکر کنیم؟! هیچ بن بستى وجود ندارد!»^۲

«هنر بشر عبارت است از ابتکار؛ ابتکاری یعنی چه؟ یعنی بن بست‌گشایی. نگوییم این کار را نمیشود کرد، این وضع را نمیشود عوض کرد. فرضاً ما در آموزش و پرورش هستیم یا در فلان بخش دیگر هستیم، این مشکلی که وجود دارد، قابل درست شدن نیست؛ نه، همه‌ی مشکلات قابل حل شدن است. نگوییم هم که بله، قابل حل شدن است با فلان قدر بودجه و امکانات؛ نخیر، با فلان قدر بودجه و امکانات که مشکل نیست. میگوییم «مشکل» قابل حل است؛ اگر گفتیم این قدر بودجه و امکانات باشد که

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۹۴/۶/۴

۲. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

دیگر مشکل نیست که بگوییم قابل حل است؛ [بلکه] با نبودن امکانات قابل حل است؛ متأسفانه به فکر و ذهن خیلی از مردم چنین چیزی رفته است.^۱

۸- سکینه و آرامش روحی

«در قرآن مکرر درباره‌ی «سکینه» صحبت شده است و من هم پارسال جملاتی عرض کردم. این سکینه‌ی مسئولان است که اتفاقاً خودش را نشان داد. ما امسال - سالی که در اواخرش هستیم - حوادثی داشتیم که در آن سکینه‌ی مسئولان کارساز بود. کمی درآمدهای اقتصادی را داشتیم؛ مشکلات اقتصادی را داشتیم؛ مشکلات سیاسی را داشتیم؛ مشکلات امنیتی را داشتیم. دیدید که دشمنان در تابستان امسال در همین تهران حوادثی به وجود آوردند. انسانها اگر از سکینه و آرامش و توکل و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده و اعتماد به آنچه که از مبانی حق در اختیار آنها است، برخوردار نباشند، در مقابل این طور حوادث دست و پایشان را گم میکنند؛ بخصوص اگر انسان بداند که این حوادث را دشمن برنامه‌ریزی کرده است؛ که بعید هم نیست و قرائنی هم دارد.»^۲

۹- آرمان‌گرایی توأم با واقع‌بینی

«درسی که انقلاب داد و امام بزرگوار باقی گذاشت، این است که در این حرکت ۳۳ ساله، آرمانها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القا میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند

۱. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

۲. در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۴

ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان خواهی و آرمان گرایی با واقع بینی. یک حرفی را سرزبانها انداختند، درباره اش نوشتند و گفتند؛ الان هم انسان در گوشه و کنار می شنود که ملاحظه ی واقعیت های جامعه و جهان، با آرمان گرایی نمی سازد. آرمان گرایی را اشتباه کردند با رؤیاگرایی. آنچه که ما می خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع بینی، مشاهده ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان گرایی و تعقیب آرمانها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ گونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان گرایی را با واقع بینی و واقع گرایی همراه کنیم، ترجمه ی عملیاتی اش میشود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده ای قرار بگیرد؛ که این، آگاهی عمومی، آگاهی دست اندرکاران، همراهی دلها و زبانها در همه ی عرصه ها را می طلبد.

بعضی وانمود میکنند که آرمان گرایی با واقع بینی نمی سازد؛ این را ما بشدت رد میکنیم. بسیاری از آرمانهای جامعه ی ما و مطالبه ی آنها جزو واقعیت های جامعه است. مردم مایلند عزت ملی داشته باشند، مردم مایلند زندگی ایمان مدار و دین مدار داشته باشند، مردم مایلند در امور اداره ی کشور و مدیریت کشور سهیم باشند - یعنی مردم سالاری - مردم مایلند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند؛ اینها خواسته های عمومی مردم است. این خواسته ها، واقعیت های جامعه است؛ این واقعیتها دقیقاً در جهت آرمان خواهی است؛ اینها که مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، اینها که موهومات نیست، اینها که ذهنیات نیست؛ اینها واقعیاتی است که در جامعه وجود دارد. یک جامعه ی زنده و مؤمن دنبال این چیزها است؛ می خواهد عزت ملی داشته باشد، می خواهد استقلال داشته باشد، می خواهد پیشرفت داشته باشد، می خواهد آبروی

بین‌المللی داشته باشد؛ اینها خواسته‌هایی است که مردم دارند؛ اینها در جهت آرمانها است؛ و این خواستن، جزو واقعیتهای قطعی جامعه است. بنابراین واقعیّات میتواند در خدمت و معطوف به آرمانها باشد. بله، ذکر آرمانها بدون توجّه به واقعیّتها و بدون ملاحظه‌ی ساز و کارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمانها، خیال‌پردازی است؛ آرمانها در حدّ شعار باقی خواهد ماند؛ لیکن وقتی که مسئولان کشور آرمانها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، مردم همراهی کردند، اینجا آنجایی است که واقعیّتهای جامعه با آرمانها هماهنگ میشود. خب، این یک امراساسی و یک پایه‌ی اساسی برای حرکت کشور است.»^۱

۱۰- مردمی بودن

«روحیه‌ی مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ راه‌هایی باز کردن - خب ماها به حکم مسئولیت یک محصور بودن‌هایی داریم، یک محدودیتهایی داریم - که گذرگاهی باشد برای تماس با متن زندگی مردم. من به آقای رئیس‌جمهور هم چند بار تا حالا گفته‌ام که این سفرهای استانی خیلی چیز خوبی است، این یکی از آن کارهای بسیار مثبت است، به دولتهای قبل هم همین سفارش را من همیشه میکردم؛ یکی از راه‌ها این است؛ رفتن به خانه‌ی مردم، رفتن منزل شهدا - که حالا الحمدلله این کار تا حدودی باب شده و کار خوبی است - راهی برای تماسهای گوناگون مردم؛ اینها خیلی مهم است. این کارها روحیه‌ی مردمی بودن را و شناخت مردم را در انسان حفظ میکند و نگه میدارد. وقتی این نباشد، انسان از حال جامعه غافل میشود و همیشه نگاه به کلیّات [است]؛ مثل کسی که با هواپیما دارد از روی یک شهری

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳

عبور میکند؛ بله، کلیت شهر را انسان بهتر از کسی که پایین است میبیند، اما [اینکه] داخل این کوچه‌ها، داخل این خیابانها چه خبر است، داخل خانه‌ها چه خبر است، در مغازه‌ها چه [خبر] است، مراجعه‌کنندگان چه کسانی هستند، اینها را آن کسی میفهمد که برود در این کوچه‌ها راه برود؛ حالا همان مقدار محدودی که ممکن هست؛ مردمی بودن خیلی مهم است.^۱

«ما مسئولین وظیفه داریم ولایت الهی و اسلامی را در جامعه‌ی خودمان در شکل پُرجاذبه‌ی آن برای انسانهای مشتاق و محروم هر چه بیشتر تحقق ببخشیم. قدم اول این است که از راه مردم جدا نشویم؛ قدم اول این است که فراموش نکنیم که همین مردم، پابرنه‌ها، طبقات ضعیف، این کسانی که در معیارهای مادی در جوامع چیزی به حساب نمی‌آیند، صاحبان اصلی کشورند و پیروزی‌های این انقلاب و این کشور و عزت این کشور به خاطر فداکاری‌های آنها [محقق] شده؛ فراموش نکنیم که این مردم بودند که اسلام را برای این کشور الهی و اسلامی خواستند و اراده کردند و آن را تحقق بخشیدند؛ از مردم جدا نشوید.»^۲

«امتیاز سؤم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی با ارزش است؛ این را قدر بدانید؛ این چیز با ارزشی است. امتیاز شما به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست [بلکه] امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم سطح کنید، به شکل مردم، در میان مردم، بروید با مردم تماس بگیرید، انس پیدا کنید، [حرفشان را] بشنوید؛ این امتیاز بزرگی است که در شما هست؛ این را حفظ کنید، نگه دارید. ساده‌زیستی، بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور، خوب است، برجسته است، چیز

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۹۴/۶/۴

۲. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۴/۲۰

باارزشی است. در مسئولین هم بحمدالله هست؛ کمابیش، حالا یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر. ساده زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را از جامعه مان - که واقعاً بلای بزرگی است - ریشه کن کنیم، با حرف و گفتن نمیشود؛ که از یک طرف بگوییم، از یک طرف مردم نگاه کنند ببینند عملمان جور دیگر است؛ باید عمل کنیم؛ عمل ما بایست مؤید و دلیل و شاهد بر حرفهای ما بشد تا اینکه اثر بکند؛ این خوشبختانه هست. فاصله تان را با طبقات ضعیف کم کردید و کم نگه دارید و کمتر بکنید هر چه ممکن است.^۱

«ما مسئولان، بدون حمایت مردم چیزی نیستیم و نمیتوانیم کاری بکنیم. ارزش و اقتدار و توانایی ما در صحنه ی بین المللی و در مقابل توفانها، به پشتیبانی مردم است و این نظام بحمدالله امروز مردمی ترین نظام دنیا است. نسبت و ارتباط بین مسئولان و این مردم، ارتباط ایمان، عاطفه و اعتماد است. این ارتباط و این گونه رابطه و پیوند، در دنیا نظیر ندارد. اگر بخواهیم این مردم از دولتها و مسئولانی که می آیند و میروند و از نظامی که به وسیله ی این مردم بر سر کار آمده است، حمایت کنند، باید ایمان مردم را حفظ کنیم و جلوی تهاجم به ایمان آنها را بگیریم.»^۲

۱۱- رعایت انصاف در حق مردم با پرهیز از امتیازات ویژه و رانت خواری

«انصف الله وانصف الناس من نفسک ومن خاصة اهلک ومن لک فیه هوی من رعیتک»^۳؛ یعنی درباره ی خودت، درباره ی دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا بکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آنها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی مآب ما به

۱. در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

۲. پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

۳. نهج البلاغه، نامه ی ۵۳

آن «رانت خواری» میگویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت اینکه اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضدّ مردم سالاری است. هر کس که این کارها را بکند، همان فسادی ایجاد خواهد شد که الان آقای رئیس جمهور به آن اشاره کردند. بله، باید با این فسادها مبارزه شود. برادران و خواهران عزیز! تا این فسادها در مجموعه‌ی کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد؛ هر کار هم بکنید، امکان نخواهد داشت. اینها شکافها و درّه‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به وجود آمد، هر چه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را پُر نمیکند؛ دستاورد هم از بین می‌رود. لذا اول باید اینها را علاج کرد. این فرمایش امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) است: من لک فیه هوی من رعیتک؛ به رفقا و نزدیکان و آدمهایی که دوستشان داری، نباید امتیاز ویژه بدهی؛ همه باید یکسان امتیاز ببرند. امتیازی که هست، باید در اختیار همه قرار گیرد. اگر بنا است قرعه‌کشی شود، اگر بنا است سقف باشد، در عین حال نباید برای کسی امتیازی وجود داشته باشد.^۱

۱۲- خدمت به مردم

«در منطق اسلامی، قدرت و عزّت و آبرو و خوش نامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود و جامعه و کشور در راه نظام مقدّس اسلامی و رسیدن به آرمانهای بلندی است که انسانها نیازمند آنند. این مسند، مسابقه برای خدمت و زحمت‌کشی است.»^۲

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادיום شهید عضدی شهرستان رشت ۱۳۸۰/۲/۱۱

«به شما عزیزان هم بخصوص توصیه می‌کنم که از این توفیق خدمتی که در اختیار شما قرار گرفته، قدردانی کنید. اینکه انسان در جایگاهی قرار بگیرد که میتواند به مردم خدمت بکند و دست او باز است، خیلی قیمت دارد. این باز بودن دست انسان - در هر بخشی از بخشها - برای خدمت به ملت و خدمت به اهداف عالی ملت، خیلی چیز باارزشی است. ما قرنهای متمادی در انجام دادن کارهایی که تشخیص میدادیم خوب است و دلمان میخواست انجام بدهیم، بسط ید نداشتیم. امروز شما این بسط ید را دارید؛ این را قدر بدانید، خدای متعال را شکر کنید، افزایش این توفیق را از خدا بخواهید، و بخواهید که خدای متعال به شما توفیق بدهد که بتوانید هرچه بیشتر به مردم خدمت کنید و از این بسط ید استفاده کنید.»^۱

«من به شما مسئولان کشور عرض می‌کنم که قدر این ملت را بدانید. ما ملت بسیار خوب و بزرگی داریم؛ این ملت خیلی به گردن همه حق دارند؛ بخصوص به گردن ما مسئولان. ما شانه‌مان زیر بار تعهد خدمت به این مردم قرار گرفته است. برای مردم کار کنید؛ خدمت کنید برای مردم؛ با اخلاص، با همه‌ی توان، با همه‌ی ظرفیت فکری و عملی. این مردم، مردم عزیزی هستند؛ مردم بزرگی هستند. این ملت ما تاریخ‌ساز است؛ این تاریخ را در این مسیر بسیار مهم، در این نقطه‌ی به این حساسیت، این ملت دارد پیش میبرد.»^۲

۱۳- خدمت پدرا نه به محرومین

«فلسفه‌ی وجود ما خدمت به مردم است. در روایات وارد شده است که والی و حاکم اسلامی - حاکم در همه‌ی سطوح؛ وزیر و استاندار و بالاتر و

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

۲. در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۸۳/۸/۲۴

پایین ترو همه، مشمول این جمله اند. با مردم باید مثل پدرمهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری، از سرما، از گرما، از گرسنگی، از تحقیر، از اهانت و از غربت رنج میکشد، چه حالی پیدا میکنید؟ میتوانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هر کس چنین اتفاقی بیفتد، تا آنجایی که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید؛ نباید آرام و قرار داشته باشیم. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این.»^۱

۱۴- سلامت اقتصادی

«شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمیگذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت میکنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پایین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیرت‌بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آن چنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاه‌های نظارتی وارد بشوند؛ خب، ما دستگاه‌های نظارتی در کشور داریم، آنها وظیفه‌ای دارند؛ چه آنچه مربوط به مجلس است، چه آنچه مربوط به قوه قضائیه است، چه آنچه مربوط به خود قوه مجریه است. مثل بازرسی‌های قوه مجریه. لکن قبل از آنکه نوبت به آنها برسد، خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد...

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرجهای زیادی و مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکند. بخشی از این علاجی که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی آقای دکتر روحانی اشاره کردند، در همین صرفه‌جویی‌ها و مبارزه‌ی با فسادها تأمین شدنی است؛ گاهی اوقات یک خرجهای زیاد، بیخود، بیجا - حالا آنجایی که غیر حرام است، اما زائد است؛ شاید زائد هم به یک معنا حرام باشد، اما بالاخره با آن صراحت حرام نیست، اما خرج زائدی است - جلوییش باید گرفته بشود. و از این طریق میتوان کارهای بزرگ و زیادی کرد.^۱

«امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) عدالت را در بین مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی جاری میکردند و مانع از این شدند که بیت‌المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تطاول باز شود. نگذاشتند کسانی بیت‌المال مسلمین را بناحق مصرف کنند.

البته بیت‌المال مسلمین در آن روز، به این شکل بود که درآمدهای جامعه‌ی اسلامی به شکل سرانه، بین مردم تقسیم میشد. این روش مالیّه‌ی جدید و این شکلی که امروز در دنیا وجود دارد، آن روزها معمول نبود. همان درآمد را، امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) بالسویه تقسیم میکردند. بیت‌المال را بین صحابی و غیر صحابی و قُرشی و هاشمی و غیر قُرشی و غیر خاندان پیغمبر و همه و همه، به شکل یکسان تقسیم میکردند و این، مایه‌ی اعتراض خیلی‌ها شد؛ اما امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) اعتنائی نکردند. امروز وضع تقسیم بیت‌المال به شکل عادلانه، آن طور نیست. امروز تقسیم سرانه نیست و روشهای دیگری در استقرار عدالت وجود دارد. امروز کسانی که با بیت‌المال مسلمین سرو کار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت‌المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال است. اگر مسئولی خدای ناخواسته، در امر بیت‌المال اسراف

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این، تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت المال است. باید بیت المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخشهایی که وظیفه‌ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود.

لذا امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) آن روز به کسانی که مسئولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سخت‌گیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادِقُوا أَقْلَامَكُمْ»؛ سر قلمهای خودتان را که با آن مینویسید، ریز بتراشید. هم صرفه جویی در قلم، هم صرفه جویی در کاغذ، هم صرفه جویی در مرکب! وَ قَارِئُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ؛ سطوری را که در کاغذ مینویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه جویی کنید. وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي؛ مطالب لازم را بنویسید؛ از زیاده روی و زیاده نویسی پرهیز کنید.

اگر امروز بخواهند این حرفها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاه‌های زائد، استخدامهای زائد و توسعه دادن‌های زائد، خودداری کنید. یعنی باید از کاغذپراکنی و زیاده نویسی‌های بیهوده و وقت تضييع كن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) رعایت میکردند. در آخرین جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، میفرمایند: فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْمِلُ الْإِضْرَارَ؛ ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمّل نمیکردند که کسی بخواهد ولو به اندازه‌ی کمی به اموال عمومی ضرر برساند. این، یعنی امانت دار دانستن خود و همه‌ی مسئولین بیت المال. این، آن عدل امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) است. و این آن قله‌ای است که ما باید به آن برسیم.^۲

۱. خصال، ج ۱، ص ۳۱۰

۲. در دیدار کارگزاران، مسئولین نظام و اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم

۱۵- پرهیز از ورود در فعالیت‌های شخصی اقتصادی

«به نظر من، آقایان وزرا و مسئولان بالای کشور بخصوص، اگر بخواهند از این دغدغه‌های گوناگون، خودشان را خلاص کنند و این خدمت بزرگ و خالص و خوبی را که ارائه می‌دهند، بی هیچ دغدغه و اشکال، در نامه‌ی عمل خودشان ثبت کنند و برای این کشور، ان شاء الله مستدام بدارند، راهش این است که در فعالیت‌ها و تلاش‌های اقتصادی شخصی و گروهی، مطلقاً وارد نشوند. شما که بحمدالله به کم قانع شدید. یک وقت، آقای هاشمی، شخصی را برای وزارت دعوت کرده بودند که بیاید برای بخشی، مسئولیتی پیدا کند. پیش ایشان آمده بود و گفته بود که من اگر بیایم وزیر شوم، زندگی‌ام لنگ میماند؛ ولی حالا زندگی‌ام می‌گردد! یادم نیست حالا ایشان قبول کردند و مثلاً گفتند چیزی اضافه می‌دهیم، یا قبول نکردند. قاعدتاً این طور است که اگر کسانی با تخصص‌های خوب، در بخش‌های دیگر کشور بروند کار کنند، البته ممکن است زندگی‌شان بهتر هم بشود. زندگی‌های راحت‌تر و درآمد بیشتری خواهند داشت. طبعاً وزارت، این طور نیست. برحسب قاعده، یک مقدار سطح برخورداری‌ها و تنعم‌ها را، از دیگر بخش‌ها کمتر خواهد کرد. به این مقدار، بسازید. این را تحمّل کنید و بسازید. به فکر نباشید که زندگی خودتان را تأمین کنید. البته میدانم بحمدالله به فکر نیستید؛ ولی حالا آنچه که ما به شما می‌گوییم، در واقع برای همه‌ی مدیران و مسئولان بخش‌های گوناگون در سطوح مختلف، حجت دارد و باید رعایت کنند. مدیران کشور، به فکر نباشند که آینده‌ی خودشان را تأمین کنند. همه چیز، به دست خدا است. اداره‌ی زندگی و ادامه‌ی آن هم، به دست خدا است. در فعالیت‌های اقتصادی، هر چه که خودتان را دور نگه دارید و پرهیز کنید، به نفع شما و کارتان و به نفع کشور

است؛ بلکه به نظر من، از هر کاری به غیر از آن کار ویژه‌ی خودتان، اجتناب کنید، برای اینکه بتوانید کار خودتان را انجام دهید.^۱

۱۶- وجدان کاری

«بحمدالله برادران عزیز به نکات اساسی مدیریت توجه دارند؛ اما من میخواهم یک نکته را که واقعاً در کشور ما باید رویش قدری کار بشود، عرض بکنم و آن، وجدان کاری است که باید در کارکنان ما خیلی زیاد تزریق و تلقین بشود. در طول سالهای سلطه‌ی دشمنان این ملت در کشور ما، خیلی از ذخایر معنویمان دست خورده شده که از جمله، همین موضوع است. آقایان! یکی از کارهایی که در وزارتخانه‌ها و در مراکز مدیریت خودتان، به آن توجه کامل میکنید، این نکته است. باید به وجدان کار، وجدان آن وظیفه و مسئولیتی که بردوش هریک از افراد شما است، خیلی اهمّیت بدهید و آن را احیاء کنید. امروز کار در کشور ما، بایستی پُرتلاش انجام بگیرد. بدون آن وجدان کار هم نمیشود.»^۲

۱۷- احساس مسئولیت در برابر خداوند

«ما از برادران عزیز درخواست میکنیم که خدا را در همه‌ی احوال حاضر و ناظر بدانید. حساب الهی را در قیامت باید جدّی بشماریم. محاسبه‌ی الهی حق است. کوچک‌ترین کار ما، یک لحظه خدای نکرده غفلت ما، یک لحظه کم‌کاری ما، اینها همه در پرونده‌ی اعمال ما و صحیفه‌ی اعمال ما مضبوط و محفوظ و باقی است؛ از یکایک اینها از ما حساب کشیده میشود. همچنان که شما هر لحظه‌ی دشواری را که در راه مسئولیت طی میکنید، در نامه‌ی عمل شما مضبوط و محفوظ است. آن نگرانی‌ای که

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۷۵/۶/۸

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۶۹/۶/۱

شما برای کار دارید، آن تلاشی که می‌ورزید، آن فشاری که بر اعصاب خودتان می‌آورید، بر جسم خودتان می‌آورید، بر خانواده‌ی خودتان می‌آورید برای اینکه یک کاری را برای خدا در این راه انجام بدهید؛ این هم پیش خدای متعال محفوظ است. اگر خدای نکرده در هر بخشی، در هر کاری از کارها غفلی باشد، کم‌کاری‌ای باشد، بی‌ملاحظه‌گی‌ای باشد، عدم رعایت مصالح عالی مردم و مصالح عالی نظام به خاطر بعضی از ملاحظات شخصی و ملاحظات گروهی باشد؛ اینها همه‌اش پیش خدای متعال محفوظ است و خدای متعال [در مورد] اینها از ما خواهد پرسید. و محاسبه‌ی الهی، محاسبه‌ی سختی است و بسیار جدی است، بسیار جدی است! خدا کند که ماها بتوانیم این مراقبه را همواره برای خودمان داشته باشیم؛ بنده خودم بیش از شماها محتاج این معنا هستم و بلکه بیش از شما هم موظف هستم به اینکه این مراقبت را در کوچک‌ترین اعمال خودم داشته باشم؛ البته وظیفه دارم این معنا را به شما هم عرض بکنم. شما یک ساعت که بیشتر به کار می‌پردازید و اهتمام بیشتری می‌ورزید، این البته پیش خدای متعال اجر دارد؛ لحظه‌ای هم اگر چنانچه از گوشه‌ی کار کم گذاشته بشود - یک ملاحظه‌ای موجب بشود که انسان آن کار را که باید انجام بدهد، انجام ندهد - آن هم پیش خدای متعال محاسبه‌ای دارد و مؤاخذه‌ای دارد که بایستی به آن توجه داشت.^۱

۱۸- شجاعت

«اگر تقوا بود اما شجاعت نبود، باز کافی نیست. چه بسا آدمهای باتقوا که به خاطر نداشتن شجاعت لازم، در آن وقتی که باید یک اقدامی بکنند، نکردند؛ یک حرفی بزنند، نزدند. یک عامل عمده‌ی این حرکت عظیم که

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۷۵/۶/۸

امام بزرگوار به وجود آورد، شجاعت امام بود؛ وَاَلَا خیلی‌ها بودند که مردمان باتقوا، مردمان مؤمن، مردمان باخدا [بودند] اما شجاعت لازم را نداشتند. شجاعت اگر نباشد، انسان مرعوب میشود؛ دشمن از همین نقطه ضعف استفاده میکند. به مجرّد اینکه یک مسئولی در هر نقطه‌ای از این نقاطی که گفتم، چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در سایر مراکز مهم، چه در مجمع تشخیص مصلحت، چه در شورای نگهبان، شجاعت نداشت و آن صفت مهم و مؤثر در او نبود، او را مرعوب میکنند. این تهدیدها، این حرفها، این خط و نشان کشیدن‌ها، اغلب برای مرعوب کردن مسئولان کشورها است. بسیاری از ملّتها بدبخت شدند، به خاطر اینکه رؤسایشان، مسئولانشان، شجاعت نداشتند؛ ملّت، شجاع بود، ملّت، آماده‌ی حضور در صحنه بود [اما] مسئولان که بایستی زمامها را در دست بگیرند، پیشرو باشند، حرکت کنند، شجاعت لازم را نداشتند. شما نگاه کنید، اگر اهل تاریخ باشید، [وقتی] به تاریخ نگاه کنید، هر جایی که مسئولان و رؤسا و کارگزاران و دست‌اندرکاران اداره‌ی کشور از شجاعت برخوردار نبودند، آنجا یک پای زندگی مردم لنگید؛ اگر همه‌ی آنها دچار بی‌شجاعتی و ترس شدند، مردم بدبخت شدند. هر جا نگاه کنید در تاریخ، این جوری است. بسیاری از این تحلیلهایی که رادیوهای بیگانه درباره‌ی مسائل گوناگون می‌پراکنند در فضای کشورها، برای این است که این تحلیلهای نخبگان کشور را مرعوب کند؛ احساس کنند که نمیتوانند کاری کنند، دستشان بسته است؛ نیروی عظیم مردم را نبینند، قدرت جغرافیایی خودشان را نبینند، توانایی‌های فرهنگی خودشان را نبینند؛ همیشه چشمشان به دست دشمن و قدرت دشمن و موشک دشمن و اقتدارات دشمن باشد؛ این بی‌شجاعتی خیلی خطر بزرگی است؛ این هم شجاعت.^۱

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

«به نظر می‌رسد که می‌توانیم در زمینه‌ی اصلاح ساختارها در این برهه کار کنیم. یک مقداری احتیاج دارد به مدیریت شجاعانه؛ یک مقدار مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه‌ی غیروظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند. من اینجا یادداشت کرده‌ام «مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی، با اِشراف میدانی بر مشکلات - خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و مدیریت و پشت میز نمی‌شود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه، تا مشکلات را بتوان لمس کرد - عدم انفعال در برابر دشمن، شرطی نکردن اقتصاد کشور به تصمیم این و آن»؛ یکی از مسائل مهم این است.»^۱

۱۹- خودآگاهی

«مسئولان باید آگاه باشند و بفهمند پیرامون آنها چه می‌گذرد؛ وَاَلا اگر مسئولان و مدیران کشور، نمایندگان مردم، مؤثرترین در دستگاه قضائی و دیگر جاها، آدمهای خوبی باشند؛ باتقوا باشند و شجاعت هم داشته باشند، اما ندانند امروز صف‌بندی دنیا کجا است و دشمن کجا نشسته است و از کجا حمله می‌کند، ضربه خواهند خورد. جوانانی که در دوران جنگ تحمیلی در جبهه بودند، خوب می‌فهمند من چه می‌گویم. گاهی انسان در صحنه صدای شلیک توپ را می‌شنید؛ اگر می‌فهمید که این شلیک از طرف دشمن است، می‌توانست مسیر خود را معین کند و وظیفه‌ی خود را بفهمد. اگر میدانست این شلیک از طرف خودی به طرف دشمن است، باز مسیرش معین میشد؛ اما اگر شلیک خودی را با دشمن و دشمن را با خودی اشتباه میکرد، گمراه میشد و نمی‌فهمید باید چه کار کند. وقتی توپخانه‌ی دشمن علیه شما مرتب آتش می‌بارد، اگر ندانید دشمن است که

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

آتش میبارد، در مقابل او حساسیت به خرج نمیدهید. گاهی هم خودی علیه دشمن شلیک میکند؛ اگر این را هم نشناختید، باز اشتباه خواهید کرد؛ به طرف خودی برمیگردید و میگویید چرا شلیک میکنید؟! امروز خودآگاهی یکی از مهم‌ترین نیازهای مسئولان کشور ما است. باید بفهمند دشمن از کجا حمله میکند.^۱

۲۰- در پی خودسازی بودن

«ما مسئولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسئولیت را برعهده میگیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که میخواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت میشود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقتنه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله‌ی سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده‌ی مجلسیم، اگر عضو دولتی، اگر از مسئولان قضائی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضا و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر میگذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم. دوره‌ی پیش از انقلاب گذشت که بعضی کسان فقط به خود میپرداختند. ما آن وقت به آنها ایراد می‌گرفتیم که به فکر جامعه و مردم

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز قیام مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

هم باشید. گفت:

آن یک گلیم خویش به در می‌برد ز موج

وین سعی می‌کند که بگیرد غریق را

می‌گفتیم به فکر غریقها هم باشید؛ فقط به فکر نجات خودتان نباشید. الان آن زمان نیست؛ حالا من و شما اگر به فکر خودمان باشیم، به طور طبیعی غریقها را نجات داده‌ایم. اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است... نمیشود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم، اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه، ما باید به خود بپردازیم.^۱

۲۱- اعتماد به نفس ملی

«اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم. اینکه امام فرمودند «ما میتوانیم»، جمله‌ی بسیار مهم و پرمعنایی است. باور کنیم که میتوانیم. با این همه دشمنی، شما توانستید کار کنید. حتی اگر هیچ کار مثبتی هم نکرده بودید و توانسته بودید بمانید، هنر بود. این همه کارهای مثبت و ارزشمند صورت گرفته؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که میتوانید و میتوانیم. اگر انسان بخواهد نمونه‌های این توانستن را بگوید، خیلی زیاد است. از همین توانستن‌های ما است که ناراحتند. صریحاً اعلام کرده‌اند که ما نمیتوانیم بینیم جمهوری اسلامی به فتاوری برتر هسته‌ای و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد، برسد. در زمینه‌های گوناگون، در زمینه‌های گیاهی و غیره هم انصافاً کارهای خیلی خوبی در کشور شده است. بنابراین ما میتوانیم این اعتماد به نفس را حفظ کنیم.»^۲

۱. در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۹/۲۱

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲۲- عدالت و ورزی

«عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی تراز مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است... همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است.»^۱

«مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه‌ی مشروعیت ما است. الان درباره‌ی مشروعیت حرفهای زیادی زده میشود، بنده هم از این حرفها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که اینجا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هر چه اختیار دارم و هر چه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. البته معنای این حرف این نیست که ما از زندگی دنیایی مردم غفلت کنیم؛ نه، مگر میشود؟ اصلاً آخرت بدون دنیا نمیشود و امکان ندارد که انسان بخواهد به آن مواهب معنوی برسد و دنیای ویرانی هم داشته باشد.»^۲

«وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَاجْمَعُهَا لِرِضَى

۱. پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۲/۶/۵

الرَّعِيَّةُ^۱؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیع‌تر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروه‌های خاص، یعنی صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطاییم. الان شما اگر وزیرید، اگر نماینده‌اید، اگر از مسئولان مربوط به نیروهای مسلحید، اگر مربوط به رهبری هستید، اگر مربوط به قوه قضائیه هستید، هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد؛ که اینها در این فرمایش امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) به «خاصه» تعبیر شده است. بعد می‌فرماید: فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَةِ يَجْحَفُ بِرُضَى الْخَاصَّةِ^۲؛ اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، ناراضی‌تی مردم این گروه‌های خشنودشده‌ی خواص یعنی صاحبان ثروت و قدرت را مثل سیلابی خواهد برد.

«وَأَنَّ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ رُضَى الْعَامَةِ»^۳؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی میشوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آنها کار کردید، بگذار اینها ناراضی باشند. یغفر؛ این ناراضی‌ی بخشوده است.

مردم سالاری فقط این نیست که انسان تبلیغات و جنجال کند و بالاخره عده‌ای را به پای صندوقها بکشاند و رأیی را از مردم بگیرد، بعد هم خدا حافظ؛ هیچ کاری به کار مردم نداشته باشد! بعد از آنکه این نیمه‌ی اول تحقق پیدا کرد، نوبت نیمه‌ی دوم است؛ نوبت پاسخگویی است. درباره‌ی همین گروه‌های خاص، باز امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) در این بیان مطالبی

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

۲. تحف العقول، ۱۲۸

۳. ۱. تحف العقول، ۱۲۷

دارد: لا تقولن انی مؤمر آمر فاطاع؛ این جمله باز در همین نامه‌ی مالک اشتر است. فرمود: نگوبه من مأموریت داده شده، به من مسئولیت داده شده و من صاحب فلان مسئولیت شده‌ام، آمر فاطاع؛ بنده مسئولم، دستور میدهم و شما باید اطاعت کنید؛ این طور حرف نزن. فإن ذلك ادغال في القلب؛ این دلِ تو را خراب و نابود میکند؛ واقعش نیز همین است. بعد چند خصوصیت دیگر را ذکر میکند: وتقرب من الفتن؛ این، برگشت خشم‌آلود مردم را به تو نزدیک میکند. وقتی این طور حرف بزنی، مردم از خودخواهی و من گفتن تو و خود را محور همه چیز دانستن و مسئولیتی برای خود قائل نبودن، برای همیشه ناخشنود میشوند.^۲

۲۳- جرئت مقابله با فساد

«مقابله‌ی با فساد خیلی کار سختی است. یک وقتی بنده گفتم که این اژدهای هفت سر فساد را به این آسانی نمیشود قلع و قمع کرد؛ خیلی کار سختی است. نه اینکه حالا بگویم قلع و قمع شده؛ نخیر، الان هم قلع و قمع نشده؛ لیکن جرئت مقابله‌ی با آن هست. خب، وقتی که اجزای مجموعه، خودشان آلوده‌ی به فساد نباشند، طبعاً جرئتشان بیشتر است. بسیاری از مجموعه‌های قبلی هم حقیقتاً پاکیزه بودند - یعنی آلودگی نداشتند - اما بالاخره جرئت در مقابله‌ی با فساد یک امتیازی است که در شما هست.»^۳

۲۴- دوری از تکبر، منیت و هواپرستی

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جلسه‌ی بررسی عدم کفایت ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران، به برخی از اوصافی که

۱. تحف العقول، ۱۲۷.

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۳. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲.

موجب سلب مشروعیت او در این مسئولیت شده است، اشاره میکنند:

«خصلتهای شخصی ایشان نیز هر کدام در سلب صلاحیتهای لازم برای رئیس‌جمهوری یک دولت اسلامی دارای نقش و تأثیر است. غرور وی که خود را اندیشه‌ی بزرگ قرن و کتاب خود را بزرگ‌ترین اثر تاریخ اسلام می‌شناسد که نوار این گفته‌ی ایشان که اتفاقاً در همین جا در دبیرخانه‌ی کنونی مجلس گفتند موجود است. ترفند او که به ارتش وانمود میکند که اگر من کنار بروم، همه‌ی شما از بین خواهید رفت و به این وسیله سعی میکند خود را در چشم عناصر نظامی «فرشته‌ی نجات» معرفی کند تا شاید بتواند از ارتش بدین وسیله به صورت یک ابزار استفاده کند. در حالی که ارتش پس از حمایت امام و اعلام برادری مردم، هرگز محتاج چنین واسطه‌ای میان خود و انقلاب نبود. مقام‌پرستی او که اطرافیان متملق و چاپلوس را در دایره‌ی نزدیک به او نفوذ میدهد. خودبزرگ‌بینی او که معتقد است پس از امام، کسی از او مناسب‌تر برای رهبری نیست. و بسی خصلتهای منفی دیگر در او عواملی هستند که از او آدمی فاقد صلاحیتهای لازم برای احراز ریاست جمهور مسلمانان و ریاست یک کشور در جامعه‌ی اسلامی میسازد.»^۱

«مواظب باش راه را گم و اشتباه نکنی. این گم کردن راه، حرف کلی و مبهمی است؛ هر کس میگوید که راه این است. ممکن است دورفیق یا دو برادر، سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها و مبانی مختلفی داشته باشند و در زمینه‌های سیاسی یا اقتصادی، از دو نوع فکر برخوردار باشند و هر کدام بگویند که راه من، راه درستی است. آیا معنای استقامت در راه، این است؟ نه، طبعاً این اختلافات سلیق وجود دارد.

برادران! دارای هر سلیقه و هر جناح و هر فکر و به قول معروف هر خطی که هستید، بدانید که یک جا نقطه‌ی انشعاب است؛ مواظب آنجا باشید. آنجا

۱. نطق در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی بررسی کفایت سیاسی بنی‌صدر ۱۳۶۰/۳/۳۱

عبارت از آن نقطه و لحظه‌ای است که احساس میکنید به جای خدا، «خود» وارد میدان میشود. نقطه‌ی انحراف، اینجا است. اعدیِ عدوِّک نفسک الّٰتی بین جنّیک^۱! این نفس و این من، از همه‌ی دشمنان، دشمن تراست؛ چیزی است که برای ارضای آن، گاهی ممکن است خدای ناکرده ما حاضر بشویم که شریف‌ترین و عزیزترین ارزشها را هم از یاد ببریم. اینجا نقطه‌ی انحراف است و هر لحظه هم در انتظار ما است؛ باید مواظب این بود.

این، از آن اشتباهاتی نیست که ما در تاریخ زندگی خود دنبالش برگردیم؛ نقطه‌ی آن را حدس بزنیم و در آنجا مواظبش باشیم؛ نه، ممکن است در هر لحظه برای ما پیش بیاید. همین حالا که من حرف میزنم، در وسط حرف زدن، این دوراهی وجود دارد. شما که دارید می‌شنوید، در اثنای شنیدن، این دوراهی وجود دارد. در اقدامی که میخواهیم بکنیم، این دوراهی وجود دارد. در آنجایی که شهوتی از شهوات نفسانی ما حضور پیدا میکند و خودش را عمده مینماید، این دوراهی وجود دارد. در آنجایی که میخواهیم تصمیمی بگیریم، چه تصمیم شخصی، چه تصمیم دولتی و کلّی، این دوراهی وجود دارد. در ظریف‌ترین و لطیف‌ترین حالات، این دوراهی وجود دارد.

لذا شما واقعاً می‌بینید که این ظرافتها، چقدر در ذهن و زبان ائمّه‌ی بزرگوار ما وجود داشته است. در دعای مکارم‌الاخلاق می‌خوانید: خدایا! به من عزّت بده، به من جاه بده؛ ولی «لا تبتلینی بالکبر»^۲؛ من را مبتلای به غرور نکن. من را به عبادت موقّ بکن؛ ولی مبتلای به عُجب نکن. یعنی حتّی در اثنای عبادت، این دوراهی هست. لحظه‌ی خودشگفتی «این منم»، همان لحظه‌ای است که از این جاده‌ی مستقیمِ مبارک خوش عاقبت، به یک جاده‌ی پُررنج و گمراه‌کننده میل‌غزیم. این، نقطه‌ی انحراف است؛ باید

۱. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۴

۲. صحیفه‌ی سجّادیه، دعای مکارم‌الاخلاق

به این توجّه کرد.^۱

«از خودخواهی‌ها باید استغفار کنیم. خودخواهی نقطه‌ی مقابل خداخواهی است. دل خودخواه به همان اندازه که خودخواه و خودپرست است، از خداخواهی و خداپرستی دور است. این خودخواهی به معنای وسیع کلمه است؛ یعنی شامل حمایت بی‌استدلال و متعصّبانه و حمیت‌آمیز از خود، از حزب خود، از جناح خود، از خویشاوند و وابسته‌ی خود و از دوست و رفیق صمیمی خود است؛ این غلط است. بسیاری از اختلافاتی که در جامعه‌ی سیاسی کشور ما وجود داشت، ناشی از همین بود. بنده سالها پیش - شاید بیست سال پیش - گفتم اختلافاتی که به عنوان چپ و راست بروز میکند، مثل اختلافات قبیله‌ای زمان قدیم است. نگذاریم این حالت ادامه پیدا کند؛ نگذاریم این خودخواهی‌ها در ما رسوخ کند و منشأ اثر شود.»^۲

«هر کدام ما که در نظام اسلامی مسئولیتی داریم مسئولیتهای اجرایی، مسئولیتهای مشورتی، مسئولیتهای تحقیقی، تقنینی، بایستی سعیمان بر این باشد که آن عنصر قوّت و قدرت را که در تاریخ اسلام سراغ داریم و در زندگی خودمان هم تجربه کرده‌ایم، در خودمان زیاد کنیم؛ آن، اعتماد به خدا، اعتماد به آنچه که از اسلام در دست داریم، و از محوریت خارج کردن من؛ یعنی کم کردن منیتهای شخصی، منیتهای قومی، منیتهای گروهی و منیتهای سیاسی. به سمت آن اتحاد حقیقی در زیرسایه‌ی احکام الهی برویم؛ آن اتحادی که شرطش ایمان واحد، عشق واحد و هدف واحد است. این اتحاد، با اختلاف نژاد و اختلاف رنگ و پوست هم میسازد؛ چه برسد با اختلاف مذاق سیاسی. میتوان این اتحاد را به وجود آورد. بحمدالله ملّت ما

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجّت الاسلام والمسلمین

حاج سیداحمد خمینی ۱۳۶۹/۹/۱۴

۲. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸

زمینه‌های چنین وحدتی را همیشه نشان داده و عمل کرده و حرکت نموده است.^۱

«آقایان! این مردم همان طور که امام مکرر فرمودند ولی نعمت‌های ما هستند؛ این شوخی نیست. من یکی از مسئولان را در محضری دیدم که برخوردش با مردم قدری متکبرانه بود. من پیغام دادم و گفتم به ایشان بگویید که اگر میخواهد جبران آن برخورد را بکند، باید در همان طور محضری ظاهر بشود و بگوید: ای مردم! من نوکر شمایم. خلاف که نگفته؛ آیا دروغ گفته است؟ یک مسئول کشور چه کاره است؟ فلسفه‌ی وجودی ما غیر از خدمت به مردم چیست؟ امام فرمودند: اگر به من خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر بگویند.»^۲

۲۵-امین و امانت‌دار بودن

«مردم میخواهند این احساس را داشته باشند که مسئولان کشور در سطوح مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانت‌دار و امینند. این را من میخواهم از شما به طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه‌ی امانت‌داری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ما است، بیت‌المال و آنچه که مربوط به ثروتهای عمومی کشور است، اختلال پیدا نکند. نگذارید دشمن بتواند این طور تبلیغ کند که یک طبقه‌ی جدید و یک اشرافیگری جدید، در حال شکل‌گیری است. دشمن، از این گونه حرفها میزند. اگر چیزی دیده شد که این حرف دشمن را به نحوی تأیید کرد، این خدمت به دشمن است؛ نباید بگذارید. دشمن، دشمن است و تهمت میزند. در این چند ساله، این بلندگوها، این رسانه‌های جمعی

۱. در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۸/۱۵

۲. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳

دشمن، چقدر علیه جمهوری اسلامی حرفهای خصمانه زدند! در زمینه‌ی سوءاستفاده و امثال آن، آن قدر یاوه و دروغ و خلاف واقع گفته‌اند که احصاء آن واقعاً آسان نیست. ولی اگر مردم دیدند که در مواردی، چیزهایی تأیید میکند ولو یک مورد، ده مورد را باور و قبول میکنند. این را باید توجّه داشته باشید.^۱

۲۶- عدم سوءاستفاده از مقام

«برای خودشان از مقامی که داشتند، کیسه ندوخته بودند؛ این یکی از چیزهای مهم است. این جور نباشد که ما فکر کنیم حالا که یک مسئولیتی داریم، این را وسیله‌ای قرار بدهیم برای تأمین آینده؛ همچنان که در مسئولان بسیاری از کشورهای دنیا این هست و این را وسیله‌ای قرار میدهند برای اینکه در آینده در هیئت مدیره‌ی فلان شرکت عضو باشند، در فلان مرکز مالی حسّاس سهم داشته باشند.»^۲

۲۷- اخلاص، توکل، صبر

«یک توصیه همین مسئله‌ی توکل و توجّه به خدای متعال است برای اینکه باطن خودتان و دل خودتان را بتوانید مستحکم نگه دارید و قوی نگه دارید؛ این شرط اوّل است. واقعاً اگر در درون خودمان، ساخت درونی محکم باشد، هیچ مشکل بیرونی نخواهد توانست بر ما فائق بیاید. دل را، باطن را باید آن چنان محکم کرد که بر همه‌ی کاستی‌ها و کمبودهای ظاهری و جسمانی و محیطی فائق بیاید. این هم با توکل به خدای متعال و با توجّه به خدای متعال حاصل خواهد شد.

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید غدیر

۱۳۷۶/۲/۶

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت ۱۳۹۴/۶/۴

دو نکته را در این زمینه‌ی توکل به خدا و امید به آینده من عرض بکنم: یکی اینکه بدانید سر راه، مشکلات خیلی زیاد خواهد بود، توطئه‌ها خیلی زیاد خواهد بود؛ علیه شماها، علیه این دولت و در باطن، علیه این نظام. خیلی فکرها هست، خیلی تلاشها و توطئه‌ها هست و آماده باشید برای مواجهه‌ی با انواع و اقسام بدخواهی‌ها و بددلی‌ها و بدبینی‌ها که اثرش هم در بیرون بروز خواهد کرد. و اینکه بدانید فرصتهای ما و امیدهای ما بیش از این مشکلات است. یعنی حَقّاً حَقّاً، هم توانایی‌ها، هم فرصتها، هم درهای باز و فتوحات الهی در مقابل، بمراتب بیشتر از این مشکلاتی است که عرض کردم حجمش هم خیلی زیاد است. بنابراین با توکل به خدای متعال این مشکلات را آسان کنید بر خودتان. این توصیه‌ی اول.^۱

«در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور هم - چه مدیریتهای کلان، چه مدیریت بخشهای گوناگون - صبر و توکل نقش دارد. بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه‌ی مدیریت کشور بر عهده‌ی او است، انجام دهد. بای صبری، با شتاب زدگی، بای حوصلگی، با تنبلی، با مأیوس شدن در مواجهه‌ی با مشکلات - که اینها همه‌اش ضدّ توکل است - نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد، نمیشود پیشرفت کرد، نمیشود مسئولیت مهمّ پیشرفت کشور را به انجام رساند.»^۲

«عزیزان من! آیه‌ای را که من در اوّل عرایض عرض کردم، مربوط به یکی از جنگهای پیامبر است: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَعَلُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ^۳ خبر میدادند که دشمن به صورت متراکم در انتظار شما است؛ بترسید! در پاسخ به این هشدار و بیم‌دهی که دشمن به صورت متراکم در انتظار شما است تا

۱. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶

۲. در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز ولادت پیامبر

اعظم (ص) و امام صادق (ع) ۱۳۹۲/۱۰/۲۹

۳. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۳

ضربه را وارد کند اینها میگفتند: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ! خدا برای ما بس است و پشتیبانی او برای ما کافی است. البتّه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» را در پستوی اتاق و داخل بستر راحت نمیشود گفت. ما نه کاری بکنیم، نه تلاشی بکنیم، نه حرکتی بکنیم، نه جانی را به خطر بیندازیم، نه از آبرویی مایه بگذاریم، بعد هم بگوییم: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ! نه، خدای متعال آدمی را که در راه او مجاهدت نمیکند، کفایت نخواهد کرد. این کفایت مربوط به میدان جنگ است. ما امروز در یک میدان نبردیم؛ اگرچه نه نبرد نظامی و نبرد مرگ و زندگی. مستکبران عالم چون با اسلام و نظام اسلامی بجو دشمنند، ما هر اقدام خوبی که میکنیم، هر قانون خوبی که میگذاریم، هر اجرای خوبی که میکنیم، هر قضاوت خوبی که میکنیم، هر منش خوبی که از خودمان نشان میدهیم، هر کاری که به تقویت این نظام و تقویت اسلام منتهی میشود، اگر از ما سربزند، در واقع داریم یک ضربه به دشمن میزنیم. اینجا است که آدم میگوید: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. پاسخ خدا هم این است که «فَاتَّقَلُّوا بِنِعْمَةِ مَنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ لِّمَنْسَمُهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ».^۲

۲۸- هدف ندیدن مقام و سِمَت

«انتخابات در کشور ما باید مسابقه‌ای برای خدمت باشد، نه مسابقه‌ای برای کسب قدرت. انتخابات اسلامی این گونه است.»^۴

«برای ما در این کاری که داریم، نَفْسِ شغل هدف نباشد؛ البتّه این

۱. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۳

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۴؛ «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای بخششی عظیم است.»

۳. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

۴. در جمع کثیری از مردم استان گیلان در استادیوم شهید عضدی شهرستان رشت ۱۳۸۰/۲/۱۱

سخت است. اگر نفّس شغل هدف شد، ممکن است یک جاهایی نتیجه‌ی بدی بار بیاورد؛ انسان برای حفظ نفّس شغل، به محتوای شغل ضربه بزند. یک وقت لازم میشود که انسان برای اینکه این سِمَت را، این مسئولیت را حفظ بکند، یک کاری میکند که با مضمون این مسئولیت سازگار نیست.^۱

«به همه چیز دنیا باید با این چشم و این طور نگاه کنیم که این یک امانت است دست ما. باید به این برسیم. پس، نکته‌ی سوّم خدمت به نفّس این سِمَت است. نه اینکه این سِمَت را در خدمت خودمان قرار دهیم. ما باید خادم این سِمَت باشیم؛ این سمت، خادم ما نباشد. همان طور که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسلام) در نامه به عامل خود فرمودند: «باید عمل برای ما طعمه نباشد». این عمل، این کار، این شغل، این مسئولیت، طعمه‌ای برای ما نباشد.

شما هوشمندید و میفهمید که این دو نوع برداشت، چقدر در کار تأثیر میگذارد. انسان وقتی کار را طعمه میداند، مال خود میداند، در خدمت خود میداند، آن وقت ممکن است کارهایی از او سر بزند که همانها، مشکلات ایجاد میکند. همانها است که بنای یک تمدّن، یک نظام و یک تشکیلات را میلرزاند. به خلاف اینکه فردی بگوید: من در خدمت این کارم. من در خدمت این سِمَت و شغلم. بنده کی هستم؟ طلبی از کسی ندارم. من حالا از خودم، برای شما میگویم:

این طور جاها، گفتنِ شرح حال، نباید تعریف به حساب بیاید. بد نیست. من برای بعضی تان مثل برادر و برای بعضی تان مثل پدرم. این شرح حال‌ها، عیبی ندارد. ما، قبل از ورود امام (رضوان الله تعالی علیه)، که در دانشگاه تهران تحصّن کرده بودیم چهار پنج روز مانده به ورود امام، جلسه‌ای با دوستان

۱. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

تشکیل دادیم. اغلبِ دوستان هم از روحانیون بودند گفتیم: «خب؛ فردا امام وارد تهران میشوند. مردم میریزند سرمان؛ هرکس کاری دارد، مراجعه‌ای دارد، حرفی دارد. باید از حالا آماده باشیم و تشکیلات بیت امام را منظم کنیم. هرکس مسئولیتی به عهده بگیرد.» همه قبول کردند که بیاییم درباره‌ی این قضیه فکر کنیم.

جلسه گذاشتیم. بنده گفتم: «من میشوم قهوه‌چی» رفقا خندیدند و گفتند: «شوخی میکنی؟» گفتم: «نه؛ شوخی نمیکنم. اتفاقاً چون اهل چای هستم، چای خوب درست میکنم. من میشوم قهوه‌چی.» گفتند: «حالا شوخی نکن.» گفتم: «من شوخی نمیکنم؛ جدی میگویم. بالاخره منزل امام، یک چای ریزمیخواهد! آن چای ریز، من باشم.» این حرف موجب شد که جلسه‌ی ما به یک سمت خوب رفت. «فرق است بین اینکه هرکس بنشیند جایی و هدف بگیرند که «رئیس این تشکیلات کی باشد؟» من توی دلم بگویم: «بالاخره من مناسب‌ترم.» شما بگویید: «من مناسب‌ترم.» اینجا یک معارضه و دعوا میشود. ما در این دعوا، به قول زورخانه‌چی‌ها، لُنگ انداختیم. گفتیم: «ما نیستیم. شغل ما قهوه‌چی‌گری.» همه لنگ انداختند و کار، سامان گرفت. باید خودمان را در خدمت شغل قرار دهیم. شغل را در خدمت خودمان نخواهیم و ندانیم.^۱

۲۹- تلاش خستگی‌ناپذیر

«در رأس این دولت، جناب آقای هاشمی رفسنجانی قرار دارند که خودشان از شخصیت‌هایی هستند که از دوران نشو و نما‌ی این نهضت، در وسط میدان و در صفوف مقدم حضور داشتند و همان سختی‌ها و رنج‌ها و شکنجه‌ها را چشیده‌اند. از روز اول پیروزی انقلاب، هم ایشان و هم شماها،

۱. در جمع مدیران و مسئولان استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۲/۵/۷

واقعاً زحمات زیادی کشیدید و بهتراز خیلی‌ها میدانید و به این نکته توجه دارید که در حرکت دولت، باید دو محور و دو رکن اساسی مورد نظر باشد: محور اول، حرکت و تلاش است. خستگی و افسرده شدن، واقعاً در این راه هیچ معنا ندارد. شاید کسانی که اهل دنیا هستند، اگر راه دشواری پیش پایشان قرار بگیرد، سختی‌های آن راه، کم‌کم انگیزه‌ی آنها را کم کند. راه خدا این طور نیست. هر چه سخت‌تر باشد، انسانهای مؤمن، علاقه‌مندتر و پُرانگیزه‌تر میشوند؛ چون می‌فهمند که اهمیت این حرکت، بیشتر است.^۱

۳۰- دشمن‌شناسی

تجربه‌ی دوم، عمق دشمنی آمریکا با ایران و با جمهوری اسلامی است. دشمنی، دشمنی عمیق است، دشمنی سطحی نیست. مخالفت بر اساس و بر محور مسئله‌ای مثل مسئله‌ی اتمی نیست، این را همه فهمیده‌اند؛ بحث، فراتر از اینها است. بحث این است که اینها با نظامی که در این منطقه‌ی حسّاس سربلند کرده، ایستاده، قد برافراشته، رشد کرده، با ظلمهای آمریکا مخالفت میکند، نسبت به آمریکا هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری نمی‌کند، روحیه‌ی مقاومت را در منطقه توسعه می‌دهد، پرچم اسلام را در دست گرفته مخالفند؛ عمیقاً مخالفند. مسئله‌ی آنها این است که این نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نباید باشد؛ نه فقط این نظام نباشد، [بلکه] آن مردمی که این نظام را حمایت میکنند یعنی ملت ایران هم منفور سران حکومت‌های آمریکایند. یکی از معاونان رئیس‌جمهور آمریکا - نه این رئیس‌جمهور، یکی از رؤسای جمهور قبلی - صریحاً گفت که ما باید ریشه‌ی ملت ایران را - نه ریشه‌ی جمهوری اسلامی را - بکنیم. خب، پس مسئله‌ی

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت گرامیداشت هفته‌ی دولت

آمریکا با جمهوری اسلامی مسئله‌ی این نیست که حالا دعوای اینها مثلاً سرِ قضیه‌ی هسته‌ای یا سرِ قضیه‌ی موشک یا مانند اینها باشد؛ نخیر، قضیه‌ی هسته‌ای و موشک و امثال اینها هم یک داستان دیگری دارد یعنی تکیه‌ی روی آنها - این را حالا شاید در ضمن صحبت عرض کردم - برای این است که عناصر مؤلفه‌ی قدرت جمهوری اسلامی را اینها می‌خواهند از بین ببرند. اینها مؤلفات قدرت جمهوری اسلامی و اقتدار ملت ایران است؛ از این جهت است که روی اینها تکیه می‌کنند. این هم این تجربه، و از این تجربه نمیشود صرف نظر کرد. یادمان باشد که آمریکا دشمن ملت ایران و دشمن نظام جمهوری اسلامی است؛ [آن هم] دشمنی عمیق. بحث هسته‌ای و اتمی و این حرفها نیست؛ بحثِ اصلِ نظام جمهوری اسلامی است.^۱

۳۱- ملاک قرار ندادن رضایت و خشم دشمن

«آنچه شما مسلمانها به دست بیاورید، دشمنان شما را ناخشنود خواهد کرد؛ آنچه بر شما مصیبت وارد بشود، آنها را خرسند و خوشحال خواهد کرد؛ *إِنْ تَسْكَمْ حَسَنَةً نَّسُؤُمْ وَإِنْ تُضِبْكُمْ سَيِّئَةً يَفْرِحُوا بِهَا*؛^۲ این جوری هستند، این [کلام] قرآن است. ما باید نگاهمان به آنها نباشد و به دست آنها، به لبخند آنها، به اخم آنها نگاه نکنیم؛ راهمان را پیدا کنیم و حرکت کنیم و پیش برویم؛ این وظیفه‌ی ما و وظیفه‌ی همه در دنیای اسلام است.»^۳

۳۲- ظلم‌ستیزی

«علی (علیه‌السلام) در هر سطحی، با هر نامی و زیر هر پوششی، ظلم‌ستیز

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

۲. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰؛ «اگر به شما خوشی رسد، آنان را بدحال میکند؛ و اگر به

شما گزند رسید، بدان شاد میشوند.»

۳. در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۸

بود. زندگی دشوار امیرالمؤمنین را نگاه کنید. این جنگهای اواست؛ ببینید با چه کسانی جنگید، چطور جنگید، با چه صلابتی جنگید، آنها چه کسانی بودند، زیر چه نامها و عنوانهای فریبنده‌ای پنهان شده بودند. اما وقتی تشخیص میداد که این، ظلم و باطل است، درنگ نمیکرد. این، راه ما است؛ راه دشواری که باید آن را طی کنیم. این، راه یکایک کسانی است که ادعای پیروی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را میکنند؛ راه مقابله‌ی با ظلم و ظالم، در هر سطحی و با هر کیفیتی.^۱

۳۳- جرئت ایجاد تحوّل

«جرئت در ایجاد تحوّل؛ این حالت روحی این دولت این است که برای تحوّل آفرینی جرئت دارد، اقدام میکند. نمیخواهم بگویم همه‌ی این اقدامها صددرصد درست است یا درست [نیست]؛ نه، ممکن است یک جاهایی هم اشتباه باشد؛ اما نفس اینکه انسان حالت دلیری در مقابل مشکلات داشته باشد و تصمیم بگیرد که اقدام بکند برای رفع مشکلات، این چیز باارزشی است که این خوشبختانه هست.»^۲

۳۴- عزّتمندی

«دولتهای اسلامی خودشان را در خدمت اهداف آمریکا و بعضی کشورهای غربی متجاوز قرار ندهند. این افتخاری نیست برای یک کشور مسلمان که رئیس‌جمهور آمریکا علناً بگوید «ما نگاه میکنیم به گاو شیرده»! به اینها به چشم گاو شیرده نگاه میکند؛ این افتخار است؟ در همین تبلیغات انتخاباتی اخیر در سال گذشته، همین رئیس‌جمهور کنونی آمریکا

۱. در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر

۱۳۷۰/۴/۱۰

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

این حرف را گفت؛ گفت ما به سعودی‌ها به چشم گاو شیرده نگاه میکنیم! ذلت از این بیشتر؟ برای یک دولت، برای یک ملت، ذلت از این بالاتر؟ پولش را بگیرند، بعد به عنوان گاو شیرده او را خطاب بکنند، به او توهین بکنند؛ ذلت یک کشور و یک دولت بیش از این نمیشود؛ اسلام با این ذلتها مخالف است.^۱

۳۵- حرکت در جهت آرمانها و ارزشهای اسلامی

«خیلی فرق است بین آن مجموعه مدیرانی که به نیت و با ایمانی، تلاشی را شروع کردند، و آن کسانی که این طور نیستند و بالاخره مأموریتی به عهده‌شان گذاشته شده و میخواهند کار را انجام بدهند. بین دولت ایران و دولتهای دیگر، واقعاً تفاوت است. در اینجا مسئله این است که وقتی ما از اول این حرکت را شروع کردیم، آن کسانی که قدمهای اول را در این حرکت برداشتند، به قصد احیاء اسلام و دفاع از مسلمین و احیاء ارزشهای اسلامی و رفع ظلم و استقرار عدل در جامعه و کمک به مردمی که به خاطر حکومتهای جائز، سایه‌ی عدل را بر سرشان ندیده بودند، شروع به این کار کردند.

وقتی به نتیجه‌ی ابتدایی رسیدیم، یعنی توانستیم قدرت را از چنگ شیطانها خارج کنیم و شروع به کار کردیم، باید جهت حرکت را دقیقاً به سمت همین هدفهایی که از اول، اصل حرکت برای آنها بود، تعیین و تنظیم کنیم و حرکت را ادامه بدهیم. مراقب باشیم که هیچ تخطی‌ای از این اصول پیدا نشود. این، برای آن است که کلیت‌ی کسانی که در دستگاه‌های دولتی کار میکنند، در عمل شخصی خودشان، این نکته را توجه کنند؛ و الا مسئولان بالای کشور، یا خودشان جزو بانیان این حرکت و مبتنان این اصول

۱. در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۱/۲۵

هستند - که احتیاج نیست به آنها تذکری داده شود - یا جزو کسانی هستند که در این راه، قدم صدقی نشان داده‌اند. بنابراین، در مجموعه‌ی دستگاه دولت - دولت به معنای عام؛ یعنی مجموعه‌ی دستگاه حکومت، اعم از قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌هایی که هر کدام به نحوی در کار اداره‌ی کشور دخالت دارند - باید این احساس وجدانی درونی جهت‌گیری به سمت آرمانهای اسلامی، همواره زنده باشد.^۱

۳۶- قانون‌گرایی

«شاخص بعدی، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هرکه هرکه خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاه‌ها این باید نهادینه بشود. و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاستهای کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی؛ که من دیروز پریروز بود با آقای دکتر روحانی راجع به آن مختصراً صحبت کردم، بیشتر از این هم صحبت خواهیم کرد، شورای عالی مجازی - که ما در همین اتاق شاید چهار جلسه‌ی سه چهار ساعته با حضور رؤسای سه قوه، و مجموعه‌ای از قوانین و این شورا تشکیل شده و بسیار مسئله‌ی مهمی است - مصوباتی دارد، این مصوبات را بایستی معتبر بدانند

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت گرامیداشت هفته‌ی دولت

و بر طبق این مصوّبات باید عمل بشود. این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیب‌ها از بین خواهد رفت.^۱

«این چیزی که آقای رئیس‌جمهور گفتند که همه باید قانون را رعایت کنند، بله مسلّم است؛ مجلس، قوه قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، باید قانون را رعایت کنند؛ به آنها هم ما توصیه‌ی این را میکنیم، به شما هم توصیه میکنیم. قانون را دقیق رعایت کنید. خب حالا بعضی از منتقدین دولت گفتند که دولت قانون را رعایت نمیکند. آقای رئیس‌جمهور هم در جواب گفتند که نه، این دولت قانون‌گراترین دولتها است. خب این، دو ادّعا شد، دو طرف قضیه؛ باز من اینجا کار ندارم که کدام طرف ترجیح دارد، کدام طرف ترجیح ندارد. من میخواهم شما را به عنوان مسئولین اجرائی قوه مجریه‌ی کشور سفارش اکید بکنم، به قانون اهمّیت بدهید. اگر چنانچه ما اینجا قانون را در این مسئله‌ی خاص - یک مسئله‌ای، هر مسئله‌ای - شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط آن وقت دنباله خواهد داشت. کار قانون‌شکنی این جوری است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیله‌ی دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئله‌ی قانون خیلی اهمّیت بدهید.»^۲

۳۷- عقلانیّت، حکمت و تدبیر

«یک شاخص دیگر، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶

اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی میگذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد میکند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره‌ی یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان میرسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریتها و در کارها است. و از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینه‌ی کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم؛ انصافاً انسان نگاه میکند، در بخشهای مختلف، ظرفیت کارشناسی کشور بالا است، ما اگر از این ظرفیت و [از] این نیروهای فراوانی که بعد از انقلاب پرورش پیدا کردند و به عرصه‌ی خدمت و کار وارد شدند استفاده کنیم، حتماً سود خواهیم برد.^۱

«تدبیر خردمندان باید در این زمینه‌ها گرفته بشود. خرد خیلی مهم است. عقل‌گرایی در تصمیم‌گیری‌ها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم خردمندان و شجاعانه. خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقب‌نشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت. انبیا خردمندترین انسانها بودند. در روایتی از پیغمبر اکرم است که: ما بعث الله نبیا و لارسولا حقّ یتکمل العقل^۲ هیچ پیغمبری را خدا مبعوث نکرد، مگر آن وقتی که عقل او کامل

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

۲. مشکاة الانوار، ص ۲۵۱

شده باشد. اما همین پیغمبر، بیشترین جهاد را، بیشترین مبارزه را، بیشترین خطرپذیری را میکند؛ یعنی شجاعت با عقل‌مداری باید همراه باشد؛ با عزم راسخ و بدون تزلزل، با نگاه به دوردست‌ها و با حفظ اتحاد و همدلی.^۱

۳۸- تکیه به ظرفیتهای داخلی

«یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی‌وچند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روشهای خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر-] به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها میشود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا میبرد. در مناسبات بین‌المللی سهم

۱. در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۵/۲۷

هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم.^۱

«جوانان و دانشمندان و افراد مستعد در این کشور باید همت کنند، تا عقب‌ماندگی‌های صد ساله و دویست ساله را جبران نمایند. آنچه که سلاطین جبار و رژیم‌های وابسته نمیتوانستند بکنند، شما باید آن را انجام دهید؛ و آن همین است که در میان این ملت و این کشور تلاش کنند، تا استعدادها را زنده، کشور را آباد و ویرانی‌ها را برطرف کنند. باید افراد شایسته و عالم ساخته بشوند، دانشگاه‌ها نیروی متخصص ورزیده تربیت کند، تا این غبار استضعافی را که دشمن بر چهره‌ی بسیاری از مناطق کشور ما نشانده است، برطرف کنند.

ما مخالف نیستیم که از علم و تجربه‌ی کشورها و ملتهای دیگر استفاده کنیم؛ اما عرض ما این است که آن کسی که باید این کشور را بسازد، او ایرانی و خودی است. بیگانه برای خانه‌ی شما دل نخواهد سوزاند؛ شما باید برای خانه‌ی خود دل بسوزانید. ایرانی‌های باهمت، جوانان، دانشمندان، متخصصان، مغزهای ورزیده و انسانهای برجسته، عامه‌ی مردم، بازوها و پنجه‌های کار، باید برای ساختن ایران تلاش کنند.

البته باید از تجربه و علم و تخصص دیگران استفاده کرد؛ ما راه یادگیری را به روی خودمان نمیبندیم. در شرق و غرب عالم، هر جا علم و تجربه‌ای هست، ما میرویم تا آن را در خدمت خودمان دریاوریم. این، اسلامی و دستور اسلام است و هیچ مخالفتی با آن نیست؛ لیکن بار بردوش شما است. این، حرف امروز ما است.^۲

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

۲. در دیدار وزیر، مدیران و جمعی از کارکنان وزارت جهاد سازندگی ۱۳۷۰/۳/۲۸

۳۹- اصول‌گرایی همراه با نوآوری و تحوّل

«البته دولتها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای این اصول میتوانند تاکتیک‌ها و روشهای گوناگونی را انتخاب کنند. اساس انقلاب، مثل خود اسلام بر احکام ثابت و احکام متغیّر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا میکند. انقلاب هم همین طور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسئول میدهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روشها و راهها و تاکتیک‌های درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است. این غیر از بدعت‌گذاری یک انسان ناوارد و تجدیدنظرطلب است؛ این کار کسی است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد. نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف، به بهانه‌ی تمسّک به اصول، تحجّر را نفی میکنیم و میگوییم نمیشود به بهانه‌ی تمسّک به اصول، تحجّر و ایستایی را برانقلاب تحمیل کرد. اصول‌گرایی وجود دارد؛ اما این، تحجّر و جزم‌اندیشی و نشناختن شرایط مختلف نیست. از این طرف، به بهانه‌ی اجتهاد و تحوّل، نباید به بدعت‌گذاری‌های ناشیانه و تجدیدنظرطلبانه اجازه‌ی فعالیت و تحرّک مضرو مخرب داد. خطّ روشن امام بزرگوار این است. بنابراین، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه‌ی زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه‌ی عالم؛ اینها جزو اصول ما است. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ما است - اینها تغییرناپذیر است - اما ممکن است روشهای گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد.

امام اصول انقلاب و چهارچوب‌ها را آن چنان مستحکم و دقیق و روشن ترسیم کرد تا جریانهای مسلط عالم نتوانند این انقلاب را مثل بقیّه‌ی

تحوّلات سیاسی در هاضم‌های فرهنگی خود هضم کنند و از بین ببرند. آنچه ملّت ما باید بر آن پافشاری کند، همین اصول تغییرناپذیر است.^۱

«ببینید در دنیا دولتهایی که گاهی اعتراضهایی هم به جمهوری اسلامی میکنند، قانون اساسی دویست سیصد ساله‌ی خود را محکم نگه داشته‌اند. ارزشهای کهنه‌ی دویست سیصد ساله، بلکه بیشتر را محکم و دودستی نگه میدارند و نمیگذارند به آن خدشه وارد شود. شما دیدید در نامه‌ای که سال گذشته عده‌ای از به اصطلاح روشنفکران آمریکا برای توجیه جنگ طلبی رئیس‌جمهور آمریکا و دار و دسته‌اش صادر کردند، روی ارزشهای آمریکایی تکیه کردند. این ارزشها، ارزشهای «جورج واشنگتن» است که دویست سال از عمر آن میگذرد. ارزشهای آمریکایی برای آنها اصل شد، که براساس آن ارزشها حتی جنگ طلبی و استعمال بمب اتم نیز مطرح گردید. همان روزها «بوش» تهدید کرد که من چند کشور را با بمب اتم میزنم! این کار توجیه می‌گردد و جایز شمرده میشود. روی ارزشهای خودشان این طور تکیه میکنند؛ اما وقتی نوبت به ما و قانون اساسی و ارزشهای ما میرسد، ما می‌شویم اصول‌گرا به معنای متحرّج! اصول‌گرایی آمریکایی میشود مثبت؛ اما اصول‌گرایی اسلامی متّکی به منطق و عقل و استدلال و تجربه و شوق آزادی‌خواهی و استقلال طلبی یک ملّت میشود یک چیز محکوم، میشود فحش: اصول‌گراها! البتّه مدّتی است تعبیر «اصول‌گراها» را عوض کرده‌اند و میگویند «محافظه‌کارها»؛ غافل از اینکه در کشور ما جناحهای مختلف همه‌شان اصول‌گرایند. البتّه ممکن است تعدادی تندرو در هر گوشه‌ای وجود داشته باشند، اما جُلّ عناصر کشور ما که در دستگاه‌ها هستند، اصول‌گرایند و همه‌شان به این اصل معتقدند. این اصول باید در این چشم‌اندازها کاملاً دیده و رعایت شود. ما به مرحله‌ای

۱. در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴

رسیده‌ایم که میتوانیم و باید این بنا را بر اساس این اصول حفظ کنیم و پیش برویم.^۱

اصول مورد نظر در اصول‌گرایی

«امروز ارکان تصمیم‌گیری کشور - مجلس شورای اسلامی و دولت و قوه قضائیه - با مدیریت تفکر اصولی اسلام (به تعبیر رایج: اصول‌گرایی) اداره میشود که این یکی از نعمتهای بزرگ خدا است. حالا این اصولی که از آن دم میزنیم، چیست؟ این، خیلی مهم است. من نمیخواهم حالا الان اصول را تدوین کنم؛ اما تعدادی از شاخص‌ترین اصولی را که به آنها پایبندیم، عرض میکنم. اصول‌گرایی به حرف نیست؛ اصول‌گرایی در مقابل نحله‌های سیاسی رایج کشور هم نیست. این غلط است که ما کشور یا فعالان سیاسی را به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم کنیم: اصول‌گرا و فلان؛ نه. اصول‌گرایی متعلق به همه‌ی کسانی است که به مبانی انقلاب معتقد و پایبندند و آنها را دوست میدارند؛ حالا اسمشان هر چه باشد.»^۲

۱) هویت اسلامی و انقلابی

«این «اصول» چه هستند؟ در درجه‌ی اول، ایمان و هویت اسلامی و انقلابی است؛ این است؛ پایبندی به این است. خب این، وظایفی را بر عهده‌ی دولت میگذارد. نمیشود گفت دولت به ایمان مردم کاری ندارد؛ نه. ترویج کردند مدتی این فکر را، اما این غلط است. دولت وظیفه‌دار است. چطور وزارت بهداشت با دوافروش‌های مصنوعی ناصرخسرو مبارزه میکند، اما وزارت ارشاد با مخدرفروش‌های فرهنگی مبارزه نکند؟ با سم‌پراکنان

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۵/۱۵

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹

فرهنگی مبارزه نکند؟ این وظیفه‌ی دولت است. صداوسیما یک جور، وزارت ارشاد یک جور، دستگاه‌های گوناگون یک جور. وظیفه‌ی مهم این است که ما پایه‌های یک ایمان روشن‌بینانه و استوار در ذهن نسل‌های جوان و روبه‌رشد خودمان را استوار کنیم، تقویت کنیم؛ ایمان دور از خرافه‌گری و سست‌اندیشی، ایمان روشن‌بینانه، ایمان به دین، ایمان به نظام، ایمان به مردم، ایمان به آینده، ایمان به خود، ایمان به استقلال کشور، ایمان به وحدت ملی؛ پایه‌های یک ایمان این جوری. ایمانی که در هیچ بخشی برافروزنده‌ی آتشی‌های تعصب فرقه‌ای نباشد. این را من تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، به همه می‌گویم: این غلط است که ما به نام ایمان اسلامی یا ایمان مذهبی حرفی بزنیم، کاری بکنیم که تعصب‌های فرقه‌ای را همین طور مدام مشتعل کنیم، همه را به جان هم بیندازیم؛ قضیه این جوری نیست اصلاً. به ایمان خودتان پایبند باشید، با هر کسی هم از لحاظ ایمان مذهبی یا دینی با شما مخالف است بحث کنید، مجادله بکنید، استدلال بکنید، منطق بکنید، او را به فکر خودتان معتقد بکنید اما تعصب افروزی نکنید؛ جَادِ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ این قرآن است. چرا نمی‌فهمند یک عده‌ای، من نمیدانم.^۲

«در این بخش، یکی از وظایف مهم دیگری که برعهده‌ی دولت و نظام جمهوری اسلامی است، این است که هویت اسلامی را در دنیای اسلام برجسته و شفاف کنیم، تا این یک معیاری باشد در جلوی چشم ملت‌های مسلمان؛ تدبیر دور از خرافه و کاوش در منابع دینی و نوآوری. بعضی‌ها خیال میکنند که نوآوری در دین امکان ندارد! گنجینه‌ی منابع اسلامی و دینی ما بی‌پایان است؛ ما به قدر وسع خودمان، فقط چند سطل آب از

۱. سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۲۵؛ «و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.»

۲. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

این چشمه‌ی جوشان برداشته‌ایم؛ تلاش کنیم و فکرهای نو و حرفهای نو در زمینه‌های مختلف تولید کنیم. این قرآن یک اقیانوس بی‌پایان است؛ خیلی حقایق هست؛ نه «خیلی»، بلکه بیشتر حقایق عالم را که ما از قرآن میتوانیم بفهمیم، هنوز نفهمیده‌ایم. فکر کردن، استخراج کردن، نوآوری کردن و سخن‌نورا در مقابل افکار عمومی متفکران و اندیشمندان مسلمان قرار دادن، یکی از کارهای ما است. البته پیدا است که این کار مثل همه‌ی کارهای دیگر، باید با اسلوب و فنّ خود انجام بگیرد؛ این یک متد دارد و خارج از آن متد نمیشود کار را انجام داد. آن کسی که اصلاً در یک فتنی وارد نیست، نمیشود به او گفت در این فن نوآوری بکن؛ این کار کسانی است که واردند؛ مطلعند؛ با کتاب و سنت و با قرآن آشنایند؛ فنان این فن‌اند. از کسی که اصلاً موسیقی بلد نیست، نمیشود گفت یک آهنگ تازه بساز؛ چگونه بسازد؟^۱

۲) عدالت

«اصل دوّم، عدالت است. فلسفه‌ی وجودی ما، عدالت است. اینکه ما برنامه‌ی رشد اقتصادی درست کنیم و بگذاریم بعد از حاصل شدن دو سه برنامه‌ی رشد اقتصادی، به فکر عدالت بیفتیم، منطقی نیست. رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود؛ برنامه‌ریزی کنند و راهش را پیدا کنند. حالا عدالت چیست؟ البته ممکن است در معنا کردن عدالت، افرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند؛ اما یک قدر مسلم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصتهای برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملّی، عدالت را در بدنه‌ی حاکمیتی رایج کردن - عزل و نصبها، قضاوتها، اظهارنظرها - مناطق دوردست کشور

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدرمسلم‌ها و مورد اتفاقی‌های عدالت است که باید انجام بگیرد. بنابراین، عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت. عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمیشود؛ عدالت، با تعارف درست نمیشود؛ اولاً قاطعیت میخواهد، ثانیاً ارتباط با مردم میخواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب میخواهد؛ این هم جزو پیش شرط‌ها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم، تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفه‌ی من و شما اینها است. واقعاً باید با ویژه‌خواران و فساد مبارزه کنیم.^۱

«از مسئله‌ی عدالت دست برندارید؛ این قضیه‌ی عدالت را دنبال کنید. و مسئله‌ی فسادستیزی، حمایت از طبقات ضعیف، ساده‌زیستی، نگاه به مناطق دوردست و محروم، توجه به مشکلات گوناگون مردم. اینها اصولی است که اگر رعایت بشود و بر اینها پای فشرده بشود، هم خدا را راضی میکند، هم مردم را از هر مسئول و از هر نظامی خوشنود و دل‌شاد میکند. اینها را ادامه بدهید.»^۲

۳) حفظ استقلال سیاسی

«اصل سوّم، حفظ استقلال سیاسی است. این، خیلی مهم است؛ این، جزو مبانی اصولی نظام است. این استقلال، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده‌ی به وسیله‌ی غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم؛ این هم یکی از اصول

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

۲. در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶

ما است. آن حرکتی، آن جریانی، آن شعاری و آن برنامه‌ریزی‌ای که در آن استقلال کشور و ملت دیده نشود، اصول‌گرایانه نیست.^۱

۴) تقویت خودباوری و اعتماد به نفس

«اصل چهارم، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. این اعتماد به نفس، در همه جا است. ما اکنون در زمینه‌ی مثلاً علوم تجربی، نمونه‌هایی‌اش را دیده‌ایم که حالا یکی‌اش فناوری هسته‌ای است، یکی‌اش تولید سلولهای بنیادی است، یکی‌اش کارهای خوبی است که در بخشهای گوناگون انجام داده‌اند و من حالا نمی‌خواهم پیش از موعد آنها را تصریح و بیان کنم، که به نفع پیشرفت دانش بشری هم هست. البته اینها فقط یک بخشی از کار است. استقلال اعتماد به نفس ملی و خودباوری، فقط به این چیزها منحصر نمیشود که ما میتوانیم سد درست کنیم، میتوانیم نیروگاه درست کنیم و میتوانیم بدون کمک خارجی کارهای بزرگ و پروژه‌های عظیم را راه‌اندازی کنیم، بلکه باید در سیاست، فلسفه، ابتکارهای مردمی و ارزشهای اخلاقی هم خودباوری داشته باشیم.»^۲

۵) جهاد علمی

«اصل پنجم، جهاد علمی است. من تکیه میکنم - این جزو مبانی اصول‌گرایی است - «جهاد علمی». چند سال است من تکرار کرده‌ام: باید نهضت تولید علم در کشور راه بیفتد. من خوشحالم؛ وقتی با دانشجویها و جوانها مواجه میشوم که غالباً آنها حرف میزنند و مطالبی را میگویند، میبینم آنها همین مسئله‌ی تولید علم و اتصال علم و صنعت، و پشتیبانی

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

۲. همان

دولت از پیشرفت و ابتکارات علمی را به عنوان توقّع از ما مطرح میکنند. من میگویم خیلی خوشحالم و اینها حرفهای ما است و حالا در بین مجموعه‌ی دانشگاهی عرف شده؛ لیکن این کافی نیست؛ باید به سمت کارهای بزرگ برویم.^۱

۶) تأمین آزادی و آزاداندیشی

«اصل ششم، تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی است. آزادی را نباید بد معنا کرد. آزادی یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است که یکی از شعبش آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد. در حوزه‌های علمیّه، دانشگاه و محیط‌های فرهنگی و مطبوعاتی، هو کردن کسی که حرف تازه‌ای می‌آورد، یکی از بزرگ‌ترین خطاهاست؛ بگذارید آزادانه فکر کنند. البته من فهم غلط از آزادی را تأیید نمیکنم؛ من باز گذاشتن دست دشمن را در داخل برای اینکه مرتباً گاز سمّی تولید کند و در فضای فرهنگی یا سیاسی کشور بدمد، تأیید نمیکنم؛ من براندازی خاموش را - آن چنانی که خود آمریکایی‌ها گفتند و عواملشان چند سال قبل در اینجا سادگی و بی‌عقلی کردند و به زبان آوردند - برنمیتابم و رد میکنم؛ اما توسعه‌ی آزادی و رها بودن میدان برای پرورش فکر و اندیشه و علم و فهم، ربطی به اینها ندارد. ظرافتی لازم است که آدم این دو منطقه را از همدیگر باز بشناسد و مرز اینها را معین بکند. آزادی و آزاداندیشی، یکی از مبانی اصلی اصول‌گرایی است.»^۲

۷) اصلاحات

«اصل هفتم، اصلاح و تصحیح روشها است؛ اصلاحات. اصلاحات

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

۲. همان

جزو مبانی اصول‌گرایی است. من به نظرم پارسال بود که در سفر کرمان، با جوانها و مجموعه‌ی دانشجویها و دانشگاهی‌ها که روبرو شدم، گفتم که اصلاحاتِ اصول‌گرایانه و اصول‌گرایی مصلحانه در هم تنیده هستند. آن اصلاحاتی که بخواهد با معیار آمریکایی در کشور انجام بگیرد، مثل همان اصلاحات رضاخانی است. میدانید که رضاخان در مهم‌ترین بخشها و سالهای سلطنتش، شعارش اصلاحات بود! همه‌ی این فجایع و جنایاتی که شما در دوره‌ی رضاخان سراغ دارید، تحت نام وزیر پرچم اصلاحات انجام گرفته است؛ اسناد بازمانده‌ی از دوره‌ی رضاخان را بخوانید. افراد را برکنار میکردند؛ چون میگفتند اینها ضد اصلاحاتند؛ افرادی را سرکار می‌آوردند؛ چون میگفتند اینها مؤمن به اصلاحاتند. آن اصلاحاتی که با معیار رضاخانی، با معیار آمریکایی و با معیار فرهنگ غربی انجام بگیرد، اصلاحات نیست، افسادات است. بنده سه چهار سال قبل، چند سخنرانی در نماز جمعه و غیر نماز جمعه در این باره کرده‌ام. اصلاحات باید ضابطه‌مند و مبتنی بر ارزشها و معیارها و خط‌کش‌های اسلامی و ایرانی باشد. معیار اصلاحات، قانون اساسی است؛ بر این اساس، باید ما اصلاحات کنیم؛ ما به اصلاحات احتیاج داریم. اصلاحات، تصحیح روشهای ما است؛ تصحیح هدفهای مرحله‌ای ما است؛ تصحیح تصمیم‌گیری‌های ما است؛ تعصّب نورزیدن روی تصمیم‌گیری‌های ناحق است. این، غیر از ساختارشکنی و مبارزه‌ی با قانون اساسی، مبارزه‌ی با اسلام و مبارزه‌ی با استقلال یک کشور است.^۱

۸) شکوفایی اقتصادی

«آخرین اصل هم - که البته در این فهرست کوتاهی که من عرض میکنم،

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

آخرین نیست - شکوفایی اقتصادی است؛ رسیدگی به زندگی مردم است و رسیدگی به اقتصاد کشور. ما احتیاج داریم که از سرمایه‌گذاری حمایت بشود؛ کارآفرینی بشود؛ تولید داخلی ترویج بشود؛ با قاچاق و فساد مجذانه مبارزه بشود؛ اشتغال به عنوان یک مبنای اصلی و یک هدف مهم دنبال بشود؛ ثبات و شفافیت و انسجام سیاستها و مقررات اقتصادی انجام بشود - مقررات اقتصادی‌ای که امروز یک چیزی بگوییم، فردا عوضش بکنیم، فایده‌ای ندارد - مقررات اقتصادی و قوانین ما باید هم ثبات داشته باشند که مردم بتوانند روی آن برنامه‌ریزی کنند، هم باید منسجم باشد و با هم بخواند و شفاف باشد. بازاریابی جهانی، یکی از مهم‌ترین وظایف برای رونق اقتصادی کشور است - که جزو کارهایی است که ما نکرده‌ایم و جزو کم‌کاری‌های ما است - و اطلاع‌رسانی کامل از فعالیتها و برنامه‌ها؛ ما بایستی اینها را در نظر داشته باشیم.^۱

شاخصه‌های اصول‌گرایی

«شاخصه‌های اصول‌گرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد که من بعضی از اینها را اشاره می‌کنم؛ در اظهارات شما هم هست، آن را می‌گویید، آن را تکرار می‌کنید، آن را در برنامه‌ها می‌گنجانید. مجموعه‌ی این شاخصه‌ها، به معنای حقیقی کلمه آن وقت دولت را به عنوان یک دولت اصول‌گرا معرفی خواهد کرد.»^۲

الف- عدالت‌خواهی

«شاخصه‌ی اول «عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری» است. به زبان

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۵/۳/۲۹

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

آسان است؛ اما در عمل بسیار کار دشواری است و مقدمات بسیاری لازم دارد. باید خیلی کار کرد تا اینکه عدالت تحقق پیدا کند؛ عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی، عدالت در زمینه‌های مسائل اقتصادی، عدالت در زمینه‌های مسائل فرهنگی، عدالت در جایگزین شدن و جای گرفتن در مسئولیت‌ها و مناصب و عدالت در قضاوت‌های ما - نه فقط قضاوتی که قاضی در دادگاه میکند، بلکه داوری‌هایی که ما نسبت به اشخاص و قضایا میکنیم - اینها همه عدالت است و عدالت در آنها نقش دارد. عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری به معنای همه‌ی اینها است. البته امروز کشور ما بیش از هر چیز دیگر، تشنه‌ی عدالت اقتصادی است. علت هم این است که واقعاً یک شکافی به صورت میراث معیوبی از گذشته بود و این شکاف باید پُر میشد، که نشده است. البته به شکل معقولی باید پُر شود. ما پُر کردن این شکاف را به همان شکلی می‌گوییم که اسلام توصیه میکند؛ حرفهای غیر منطقی و ناممکن و نامعقول را نمی‌خواهیم به میان بیاوریم؛ همان طوری که اسلام می‌گوید: فرصتها در مقابل همه باشد و امکانات عمومی مورد استفاده‌ی همه قرار گیرد. بنابراین یک شاخصه، مسئله‌ی عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری است که پهنه‌ی وسیعی دارد.^۱

ب- فسادستیزی

«فسادستیزی» شاخصه‌ی دیگری است. «سلامت اعتقادی و سلامت اخلاقی مسئولان کشور» - بخصوص مسئولان عالی‌رتبه - در سطوح دولت و معاونین و امثال اینها بسیار مهم است؛ و شاخصه‌ی دیگری است که از لحاظ اعتقادی و از لحاظ اخلاقی مردمان سالمی باشند.^۲

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

۲. همان

ج- اعتزاز به اسلام

«اعتزاز به اسلام» یکی دیگر از شاخصه‌های اصول‌گرایی است. بعضی‌ها را ما دیده بودیم در دوران این ۲۷ سال از مسئولین نظام اسلامی که خجالت میکشیدند یک حکم اسلامی را یا یک جهت‌گیری اسلامی را صریحاً بر زبان بیاورند؛ نه، ما طلبکاریم. من بارها گفته‌ام در قضیه‌ی «زن»، ما پاسخگوی به غرب نیستیم، [بلکه] غرب باید پاسخگوی به ما باشد؛ ما هستیم که سؤال مطرح میکنیم. در زمینه‌ی حقوق بشر ما هستیم که طلبکار مدّعیان منافق و دوروی حقوق بشر هستیم. به اسلام اعتزاز داشته باشید. آنچه را اسلام به ما آموخته، اگر ما درست یاد گرفته باشیم و دچار کج‌فکری و انحراف و غلط‌فهمی نشده باشیم چیزی است که باید به آن افتخار بکنیم.^۱

د- ساده‌زیستی، تواضع، اجتناب از اسراف

«ساده‌زیستی و مردم‌گرایی» شاخصه‌ی دیگر است که خب بحمدالله دارید. «تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور» این هم یکی از چیزهایی است که لازمه‌ی اصول‌گرایی است. ما در معرض این هستیم. ببینید عزیزان! شماها در موضع بالایی قرار دارید، مورد احترامید؛ می‌آیند افراد پیش شماها، تعریف میکنند، تمجید میکنند - بعضی از روی اعتقاد، بعضی بدون اعتقاد - برای اینکه شما خوشتان بیاید. ما خودمان باید مواظب باشیم که حرفهایی که در تمجید و ستایش ما میزنند، اینها را ما باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: **الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ**^۲، نقصها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام غرور و گرداب غرور می‌اندازد؛ اگر انسان خودش را بد برآورد

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

۲. سوره‌ی قیامت، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «انسان خود بر نفس خویشتن بینا است.»

کرد، آن وقت دیگر نجات پیدا نمیکند.

«اجتناب از اسراف و ریخت و پاش» که جزو برنامه‌های بسیار خوب شماها است.»^۱

ه- خردگرایی و حکمت

«خردگرایی و تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و در عمل؛ این جزو چیزهایی است که به آن احتیاج دارید حتماً؛ همه احتیاج داریم که هم در تصمیم‌گیری‌ها، هم در عمل [اینها را نشان دهیم]؛ البته بعضی از اینها را من بعداً مختصری باز توضیح میدهم، باز می‌کنم.»^۲

و- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

«مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی؛ در هر بخشی که ما هستیم، مسئولیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، این را بپذیریم. وزیر مجموعه، زیرمجموعه‌ی ما است؛ احساس مسئولیت بکنیم؛ در هر نقطه‌ای مسئولیت تعریف شده‌ای وجود دارد، آن مسئولیت را بایستی پذیرفت.»^۳

ی- توجه ویژه به علم و پیشرفت علمی

از جمله‌ی شاخصه‌های مهم اصول‌گرایی، یکی «اهتمام به علم و پیشرفت علمی» است. شما ببینید چه زمانی در آغاز پیدایش اسلام گفته شد که: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» یا «مؤمن و مؤمنه»؛^۴ یعنی همان وقتی که نماز و زکات و مانند این چیزها آمد، طلب العلم هم آمد؛ «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

۲. همان

۳. همان

۴. امالی طوسی، النص، ص ۵۲۱ (با اندکی تفاوت)

وَلَوْ بِالْصِّينِ^۱ هم آمد. من بارها تکرار میکنم، این به خاطر همین است که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمانهای خودش را بالا بیاورد. مثل این است که انسان حرف حقّی داشته باشد، اما اصلاً زبان گفتنش را نداشته باشد. نداشتن علم این طوری است. علم موجب میشود که شما بتوانید آن آرمانها، آن اهداف و آن خطّ روشن و جاده‌ی روشنِ صراطِ مستقیمی را که در دست و اختیار شما است، مطرح کنید و کسان بیشتری را از بشریت، به آن هدایت کنید. علم نداشته باشید، این امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین علم - که وسیله‌ی رشد ملّی، بشری، انسانی و اوج گرفتن در محیط عامّ بشریت است - جزو چیزهای لازم است و باید به این اهتمام داشته باشید.^۲

ر-تحمل مخالف

«سعه‌ی صدر و تحمل مخالف»؛ که از جمله‌ی شاخصه‌هایی است که جزو پایه‌های اصول‌گرایی است. گاهی انسان از حرفی که میزنند، ناراحت هم میشود؛ حرص هم میخورد، گاهی به خدا هم شکایت میکند که خدایا! تو که میبینی واقع قضیه چیست و چقدر با چیزی که اینها میگویند، فاصله دارد؛ اما در عین حال، انسان بایستی حلم به خرج دهد. حلم یعنی ظرفیت و تحمل صدای مخالف را داشتن. البته این - شاید بعداً هم عرض بکنم - به معنای آن نیست که دولت از عملکرد خودش دفاع نکند؛ نه، حتماً بایستی دفاع کند.^۳

ز-اجتناب از هوای نفس

«اجتناب از هواهای نفس»؛ چه هوای نفس شخصی، چه هوای نفس

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷

۲. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

۳. همان

گروهی؛ که حالا آقای رئیس‌جمهور گفتند و این نکته‌ی خوبی است. بحمدالله عناصر دولت به هیچ گروه و دسته و باند و جریانی وابسته نیستند؛ این خیلی نکته‌ی مهمی است. مراقب باشید حرکت، اظهارنظر و حرف، انتساب به یک جریان، به یک باند و به یک گروه را پیش نیاورد، که اگر این طور شود، هوای نفس تقریباً انفکاک‌ناپذیر است. هوای نفس گروهی هم مثل هوای نفس شخصی است؛ آن هم همین طور است. هوای نفس گروهی هم انسان را بی حساب و کتاب به این طرف و آن طرف میکشاند و از خرد و جاده‌ی مستقیم منحرف میکند. این هم جزو لوازم اصول‌گرایی است.^۱

دیگر شاخصها

«شایسته‌سالاری»، «نظارت بر عملکرد زیرمجموعه» و «تلاش بی‌وقفه برای این خدمات»، که انصافاً این مورد در این دولت برجسته است. این تلاش بی‌وقفه را حقیقتاً همه شاهدند و ما هم شاهدیم. این حرکت پرتلاشی که همه‌ی دولت - بخصوص شخص آقای رئیس‌جمهور - نشان میدهند، خیلی باارزش است. «قانون‌گرایی»، «شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آنچه که حق است». «انس با خدا»، «انس با قرآن» و «استمداد دائمی از خدا»؛ این آخری - که از شاخصه‌های اصول‌گرایی است - تضمین‌کننده‌ی همه‌ی آن چیزهایی است که قبلاً عرض کردیم.^۲

۴۰- التزام به اصلاحات اسلامی

«اصلاحات برای هر نظامی لازم است؛ برای هر جامعه‌ای، اصلاحات

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۶/۶

۲. همان

جزو ضروری ترین نیازها است؛ ما هم به اصلاحات احتیاج داریم.^۱

«اصلاحات یعنی اینکه نقاط مثبت و منفی را فهرست کنیم و نقاط منفی را به نقاط مثبت تبدیل کنیم. این همان چیزی است که انقلاب قدم بلند آغازین آن را برداشت و موفق شد و عوامل بااخلاص انقلاب در طول این ۲۵ سال در دستگاه‌های مختلف همه‌ی تلاش خودشان را برای این کار کرده‌اند و موفقیت‌های بزرگی هم داشته‌اند. این، اصلاحات انقلابی است؛ اصلاحات اسلامی است. البته دشمنان این نظام و انقلاب، تغییر ساختار اصل نظام را هدف گرفته‌اند و اصلاحات از نظر آنها، یعنی تغییر نظام و تبدیل نظام جمهوری اسلامی به یک نظام وابسته و سرسپرده‌ی دشمنهای مستکبر. اصلاحات به معنای حقیقی کلمه، شامل همه‌ی دستگاه‌های کشور میشود. هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه‌ی دستگاه‌های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چهارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه‌ی قضائیه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسئولیت‌های مهمی بر دوش آنها است، همه مشمول این قاعده‌ی کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام مورد نظر اسلام است، که «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحُ مَا اسْتَطَعْتُ»^۲؛ پیغمبران این را میفرمودند. همه‌ی کار پیغمبران عبارت بود از اینکه تا میتوانند اصلاح کنند؛ یعنی فساد را در کشور از بین ببرند؛ این معنای اصلاح واقعی است.»^۳

۴۱- واقع‌بینی

«خب، در یک چنین شرایطی، ما باید خودمان را یک بازشناسی بکنیم،

۱. در صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۱۳۸۳/۱/۲

۲. بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۷۳، باب ۱۱

۳. در صحن جامع رضوی مشهد مقدس ۱۳۸۳/۱/۲

بینیم ما در چه وضعی هستیم. شرایط مهمی بردنیا حاکم است که اینها میتواند فرصتهای بزرگی را در پیش روی ما قرار بدهد. این فرصتها را اگر نبینیم، اگر شناسیم، اگر از آن درست استفاده نکنیم، اگر بهنگام به سراغ این فرصتها نرویم، ضرر خواهیم کرد. گاهی هم هست که از دست دادن یک فرصت، خودش میشود یک تهدید، خودش موجب عقب ماندگی است. لذا بد نیست که از این جهت یک نگاه جمعی و کلی و عمومی به مسائل کشور بکنیم. البته در این نگاه کلی بایستی واقع‌بینانه نگاه کنیم؛ خودمان را نبایستی دچار خطا کنیم؛ یک سونگری نکنیم. ما نقاط مثبتی داریم، نقاط منفی‌ای هم داریم؛ هر دو را ببینیم. گاهی فقط نگاه منفی غلبه داده میشود. امروز متأسفانه انسان مشاهده میکند که در بین برخی مسئولین و نخبگان سیاسی و غیره کأته مد شده است که نگاه، نگاه بدبینانه باشد؛ نگاه منفی باشد؛ نقاط مثبت را نبینند؛ روی نقاط منفی تکیه کنند. در رسانه‌ها و غیر رسانه‌ها مرتباً منفی‌بافی میشود. تا انسان میگوید هم چرا، میگویند آقا شما نمیگذارید ما واقعیات را بگوییم. میگوید سیاه‌نمایی است، میگوید فلان است؛ ما میخواهیم حقایق را بگوییم. نه، این یک سونگری است. خب، اگر فرض بفرمایید یک واحد تولیدی دچار یک اشکالی میشود و شما میخواهید به عنوان یک نگاه واقع‌بینانه آن را بیان کنید، بسیار خوب، در کنارش مثلاً دو تا واحد تولیدی هم ایجاد شده. اگر این نقطه‌ی مثبت را بیان کنیم، یک جور مسائل کشور را میفهمیم؛ اگر این نقطه‌ی مثبت را بیان نکنیم، مسائل کشور را جور دیگری خواهیم فهمید. اگر فقط نقاط منفی را مشاهده کنیم - که البته نقاط منفی وجود دارد - این طبعاً واقع‌بینی نیست؛ این برآورد درستی از اوضاع کشور به ما نخواهد داد؛ منجر به ناامیدی میشود؛ ضرر اجتماعی‌اش هم این است.

بنده روزها ده بیست تا روزنامه را معمولاً همین طور یک مروری میکنم.

بعضی از روزنامه‌ها هر روزی چهار تا، پنج تا تیتراژ دارند که هر کدام از این تیتراژها کافی است دل یک آدم ضعیف را بلرزاند؛ منفی، منفی، منفی، منفی! این کار را دوست میدارند. حالا اغراض سیاسی است، اغراض جذب مشتری است؛ هر چه هست، نمیدانیم؛ کسانی را متهم نمیکنیم؛ اما این واقعیت است، این غلط است. غلبه دادن نگاه منفی، خلاف واقع‌بینی است؛ موجب ناامیدی است.

نقطه‌ی مقابلش هم همین جور است. یعنی غلبه دادن نگاه مثبت، بدون دیدن نقطه‌ی منفی، این هم گمراه‌کننده است؛ موجب یک رضایتی در انسان میشود که احیاناً این رضایت، رضایت کاذب است؛ این هم درست نیست. نقاط منفی را هم باید در کنار نقاط مثبت دید. این کار را کشور و نظام توانسته انجام بدهد، این کار را نتوانسته انجام بدهد؛ این دوتا را در کنار هم ببینیم. بنابراین اگر بخواهیم اوضاع کشور را درست به دست بیاوریم، باید نقاط منفی و نقاط مثبت را در کنار هم مشاهده کنیم.^۱ در فصلهای بعد، با واژگان «جوان» و «حزب‌اللّهی» و لوازم آنها از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بیشتر آشنا خواهیم شد.

۱. در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰/۵/۱۶



فصل دوّم

معناشناسی «جوان»

جوان

هنگامی که لفظ جوان در مورد افراد به کار میرود، آنچه به طور معمول متبادر به ذهن است، به معنی فردی است که به لحاظ تقویمی جوان باشد. البته ممکن است بسته به جایگاه افراد، اطلاق جوان به افراد متفاوت باشد؛ مثلاً در مواردی که معمولاً کسب تجربه یا گذراندن دوره‌های طولانی مدّت لازم است، جوان بودن معمولاً بازه‌ی بالاتری را شامل میشود تا در مورد عموم افراد جامعه.

به هر حال مقصود از «جوان» این نیست که فردی صرفاً دارای نشاط و روحیه‌ی جوانی باشد هر چند به لحاظ سنی پیر باشد. بنابراین عبارت «دولت جوان» نیز به طور معمول بر این دلالت دارد که مجموعه‌ی دولت، اعمّ از رئیس‌جمهور و هیئت دولت، در سنینی باشند که به تناسب جایگاهشان به لحاظ تقویمی جوان محسوب شوند.

جوان‌گرایی

اما پیش از آنکه به تفصیل وارد این بحث شویم و به بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّظله‌العالی) در خصوص دولت جوان اشاره کنیم، بهتر است مروری

اجمالی داشته باشیم بر اهمّیت و ویژگی‌های جوان و جوانی از دیدگاه ایشان، تا هدف از تأکید بر جوان بودن دولت یا استفاده از جوانان در مناصب مختلف تا حدّی روشن شود.

اهمّیت جوان‌گرایی

«استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت.»^۱

«مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی پانزده و چهل سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.»^۲

کم شدن فاصله بین بایدها و واقعیتهای توسط جوانان

«بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال

۱. بیانیته‌ی گام دوم

۲. همان

گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.^۱

اجرای عدالت به وسیله‌ی جوانان

«عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است.»^۲

استفاده از ظرفیتهای کشور به وسیله‌ی جوانان

«نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.»^۳

«گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بی شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.»^۴

پیشرفت علمی به دست جوانان

«عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی

۱. بیانیه‌ی گام دوم

۲. همان

۳. همان

۴. همان

که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.^۱

چشم امید به جوانان برای تحوّل در سبک زندگی

«تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.»^۲

پیشبرد اقتصاد مقاومتی در دولت به دست یک مجموعه‌ی جوان

«راه‌حلّ این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد

۱. بیانیه‌ی گام دوم

۲. همان

کشور، مولّد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.^۱

ابتکار، پیشرفت و سرعت در کارها بر اثر مسئولیت دادن و اعتماد به جوانها

«از اوایل انقلاب، در کارهایی که در اختیار من بوده، به جوانان مسئولیت میدادم؛ هم در نیروهای مسلّح، هم در کارهای دولتی، هم در دوران ریاست جمهوری. تجربه‌ی من این است که اگر ما به جوان اعتماد کنیم - آن جوانی که شایسته دانستیم به او مسئولیت بدهیم و صلاحیتش را داشت؛ نه هر جوانی و هر مسئولیتی - از غیر جوان، هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام میدهد؛ هم سریع‌تر پیش میبرد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی روند پیشرفت در کار حفظ میشود. برخلاف غیر جوان که ممکن است کار را بالفعل خوب انجام دهد، اما روند پیشرفت در آن متوقّف خواهد شد. غالباً این گونه است. آن زمان که ما در شورای انقلاب بودیم، نسبت به همین موضوع، به ما و دوستان دیگری که در آن شورا بودیم، اعتراض میشد. افراد مسنی - عمدتاً ۶۰ ساله، ۷۰ ساله، ۷۵ ساله - هم در آن شورا بودند، که خیلی عقیده به جوانان نداشتند و میگفتند چرا شما به جوانان رومید دهید و اینها را بیخود وارد کارهای عمده میکنید؟! اینها دوست نمیداشتند که به جوانان خیلی میدان داده شود. البته دوست میداشتند که جوانان از آنها اطاعت کنند و دنبالشان راه بروند! میگفتند

۱. بیانیه‌ی گام دوم

آنها جوانند، ما پیریم؛ باید دنبال ما بیایند. خیلی حاضر نبودند به جوانان اعتماد کنند؛ ولی ما اعتماد میکردیم و جواب آنها را هم در واقع با تجربه‌ی عملی‌ای که میدیدند خوب کار انجام میگیرد و پیشرفت میکند، میدادیم و داده میشد.^۱

«این دولت قول داده است که زمان اجرای پروژه‌ها را کوتاه کند. درباره‌ی تونل سوّم کوهرنگ و همچنین آب چشمه لنگان، من بخصوص تذکّر داده‌ام. خوشبختانه وزیر نیرو هم جوان مؤمن و کارآمدی است. امیدوارم که ان شاء الله بتوانند این کار را در مدّتی کمتر از آنچه که گفته شده است، به نتیجه برسانند.»^۲

اهمّیت اصل شایسته‌سالاری در جوان‌گرایی

«در فتح مکه، پیغمبر یک جوان نوزده ساله را گذاشتند حاکم مکه. پیغمبر مکه را که فتح کردند، لازم بود حاکم یا فرمانداری آنجا بگذارند. این همه پیرمردها و بزرگان بودند، اما پیغمبر یک جوان نوزده ساله را منصوب کرد. بعضی‌ها اشکال کردند که آقا این سَنّش کم است، چرا او را گذاشتید؟ طبق این روایت، پیغمبر فرمود: «لَا يَحْتَجُّ مَحْتَجُّ مَنْكُم فِي مَخَالَفَتِهِ بِغَيْرِ سَنَةٍ»؛ کسانی که با انتصاب این شخص برای فرمانداری مکه مخالفند، استدلالشان را این قرار ندهند که چون سَنّش کم است، جوان است؛ این استدلال، استدلال درستی نیست. یعنی اگر استدلال دیگری دارید، خیلی خوب، بیایید بگویید؛ اما کم بودن سن، جوان بودن، استدلال درستی نیست. «فليس الاكبر هو الافضل بل الافضل هو الاكبر»^۳؛ آن کسی که بزرگ‌تر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگ‌تر

۱. در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۲/۷

۲. در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۸/۸

۳. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۲۱

است. افضل، یعنی شایسته‌تر. این شایسته‌سالاری است؛ خب، اینها باید رعایت شود. در همه‌ی نظامات جمهوری اسلامی، در قوه‌ی مجریه، در قوه‌ی مقننه، در قوه‌ی قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیتها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییرها و تبدیلهایی که در اسلام وجود دارد، براساس این است.^۱

جوان‌گرایی در کنار تجربه

«اولاً من این نکته را بگویم که برای رفع اتهام جوان‌گرایی، ما هیچ اقدامی نمی‌کنیم؛ خاطرتان جمع باشد. اگر واقعاً جوان‌گرایی یک حُسن است که حُسن هم هست و مسئولیت دادن به جوانان و اعتماد کردن به آنها موجب پیشرفت کشور است، بدانید امروز هم همان گونه است. من یک مقدار آگاهی‌های خودم را در این مورد به شما بگویم که فکر می‌کنم برایتان مفید باشد. اولاً اینکه می‌گویند امام در اول انقلاب به جوانان مسئولیت دادند، البته درست است و در خیلی جاها این طور بود؛ اما خیلی جاها هم این گونه نبود. مثلاً در شورای انقلاب که اولین مسئولانی که امام معین کردند، شورای انقلاب بود مرحوم آیت‌الله طالقانی حضور داشت که آن وقت مرد هفتاد ساله‌ای بود. افرادی بودند که از نظر سن از ایشان هم بزرگ‌تر بودند و در شورای انقلاب عضو بودند. به نظرم می‌آید که در شورای انقلاب آن شورایی که امام معین کردند و بعد البته کسانی هم اضافه شدند جوان‌ترین فرد من بودم که ۳۹ سال داشتم. البته بعداً کسانی اضافه شدند که آن روز از من جوان‌تر بودند؛ اما من که از ابتدا عضو شورای انقلاب بودم، جوان‌ترین

۱. در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

آنها بوم و ۳۹ سالم بود، که تقریباً جوان به این معنا در او صدق نمیکند. آن وقت دولتی که امام دستور تشکیل آن را دادند، اگر شما با دولت امروز ما مقایسه کنید، خواهید دید که دولت امروز ما از آن دولت جوان تر است. رئیس آن دولت فردی در حدود هفتاد ساله بود؛ اما امروز رئیس دولت ما یک مرد پنجاه و سه چهار ساله است. آن روز ما وزرایی داشتیم که سنّ بعضی از آنها ۷۰ سال و ۶۵ سال و در این حدود بود و گمان نمیکنم که جوان‌ترین آنها از پنجاه سال کمتر داشت؛ اما امروز وزرای ما بین چهل و پنجاه سال و معدودی هم بین پنجاه و شصت سال سن دارند. بنابراین، امروز دولت ما از دولت اول انقلاب جوان تر است.

البته شما راست می‌گویید؛ امام به جوانان اعتماد و اعتقاد داشتند. لذا مثلاً فرماندهان اولیه سپاه پاسداران - که هسته‌ی اولیه‌ی سپاه را اینها گذاشتند؛ این مجموعه‌ی عظیم را تشکیل دادند و سپاه در جنگ آن همه نقش آفرید - وقتی اینها به امام معرفی شدند و امام اینها را شناختند، به هیچ وجه نگفتند که شما جوانید، چطور می‌خواهید این کار را بکنید؛ نه‌خیر، بلکه استقبال هم کردند. یا مثلاً در کابینه‌ی شهید رجایی، یک عده جوانان خیلی خوب بودند. اولین کابینه‌ای که جوانان را به معنای واقعی کلمه وارد مسئولیت کرد، کابینه‌ی شهید رجایی بود. بعد هم آقای مهندس موسوی بودند که جوانان را وارد میدان کردند.

امروز هم جوان‌گرایی هست. منتها ببینید؛ همان جوان دیروز که مسئولیتی به او داده شده و آن را پذیرفته و بیست سال هم مسئولیت اجرائی دارد، این نمی‌ود به جرم اینکه دیگر الان جوان نیست، آدم به او مسئولیت ندهد. تجربه چیزی نیست که ناگهان به دست بیاید؛ بلکه مثل ظرفی است که شما برای به دست آوردن یک صمغ گران قیمت، زیردرختی

مثلاً درخت کائوچو میگذارد که قطره قطره این ظرف پُر شود؛ بعد که این ظرف از این صمغ پُر شد، بگوییم دیگر بس است؛ بعد بگیریم خالی اش کنیم و مجدداً آن را زیر درخت بگذاریم تا پُر شود.

این تجربه‌ها و مجربان را باید قدر شناخت. البته تکیه به مجرب‌ی، بایستی به معنای تنگ کردن میدان برای جوانان نباشد. من فکر نمی‌کنم امروز هم چنین روحیه‌ای در مسئولان وجود داشته باشد و مثلاً بگوییم که به جوانان میدان داده نمی‌شود؛ نه، الان هم انسان می‌بیند که جوانان کارآمدی بر سر کارهای بزرگ هستند. امیدواریم که این روحیه، هم در بین جوانان تقویت شود که بخواهند وارد میدانهای اصلی و مهم شوند، و هم در بین مسئولان تقویت شود که از این نیروها استفاده کنند.^۱

«شنیدم بعضی‌ها گفتند فلانی می‌گوید «جوان‌گرایی یعنی پیرزدایی»؛ بنده این را رد می‌کنم، مراد من پیرزدایی نیست. جوان‌گرایی یک معنایی است، باید روی آن فکر کرد، تأمل کرد؛ یک معنای روشنی از جوان‌گرایی داریم؛ معنایش پیرزدایی نیست.»^۲

«یک ترکیب متناسبی در مجلس باید وجود داشته باشد بین جوانان و بین افراد باتجربه؛ این لازم است. بنده همیشه روی جوانها تکیه می‌کنم، اما معنایش این نیست که از آدمهای مجرب و دانا و راه‌بلد، انسان چشم‌پوشد. جوانها در واقع کنشگر اصلی، پیشران و حرکت‌دهنده‌ی به جلو هستند؛ وجودشان بنابراین لازم است؛ هم در دستگاه‌های دولتی لازم است، هم در دستگاه‌های قانون‌گذاری لازم است، [هم] در بخشهای مختلف لازم است. این جوان‌گرایی‌ای که ما گفتیم، یک ضرورت قطعی کشور است؛ اما به معنای این نیست که آدمهای مجرب، کارکشته، راه‌بلد،

۱. در دومین روز از دهه‌ی مبارکه‌ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

۲. در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۳/۱۲/۱۳۹۷

کاربرد از دُور خارج بشوند؛ نه، ترکیب این دو یک ترکیب مطلوبی است.^۱ «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.»^۲

جوان‌گرایی در سطوح مدیریت میانی

«خب حالا با توجه به این، [در مورد] مسائل مربوط به جوانها و آنچه من به نظر می‌رسد که به جوانها عرض بکنم، چیزهایی یادداشت کرده‌ام که عرض می‌کنم. البته خوشبختانه بر اثر تأکیدهایی که شده و تکراری که شده است، توجه به مسئله‌ی جوان پیدا شده؛ حالا در بیانات دوستان، شاید اظهارات مایوسانه وجود داشت لکن به نظر من این جور نیست، توجه به حضور جوانها در بخشهای مختلف پیدا شده و در این زمینه دارد کار میشود. حالا این هم که مقصود ما از «جوان‌گرایی» چیست، از همان جمله‌ی سؤالهایی است که پاسخ آن را بایستی دوستان در بخشهای دانشگاهی و مانند اینها بدهند. توجه پیدا شده است به حضور جوانها و

۱. در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالروز قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز

۱۳۹۸/۱۱/۲۹

۲. بیانیه‌ی گام دوم

اهمّیت داده میشود به حضور جوانها، به ورود آنها در مدیریتهای میانی، به اظهارنظرهای آنها و مانند اینها.^۱

ویژگی های جوان

۱- معنویت

«هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی ها به آن ضربه های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه ی دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده ی آنان روبرو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضا های دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه روز بیشتر و باکیفیت تر شده است.»^۲

۱. در ارتباط تصویری با جمعی از نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

۲. بیانیه ی گام دوم

۲- امید

«در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست و دلهای امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد.»^۱

۳- استکبارستیزی

«در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است.»^۲

۱. بیانیته‌ی گام دوم

۲. همان

۴- احساس مسئولیت

«آنچه برای شما جوانان مثل دیگران مهم است، عبارت است از احساس مسئولیت آگاهانه. البته شما جوان و سرشار از نیرو هستید و از حساسیت بیشتری برخوردارید. احساس مسئولیت یعنی انسان همان طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج، و هر چیز مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود او فراتر است هم احساس مسئولیت کند؛ اهدافی که به خود او محدود نمیشود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است. انسان باید در قبال این هدفها هم احساس وظیفه، تعهد و مسئولیت داشته باشد. هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای بدون این احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید. این احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد. فرد باید بداند که به دنبال چه چیزی است و موانع راه را بشناسد. این امر همان احساس مسئولیت آگاهانه است. جوان ایرانی، هوشیار، حساس، آگاه و حاضر در صحنه است و بیش از جوانان سایر مناطق دنیا احساس تعهد و مسئولیت آگاهانه میکند.»^۱

۵- اعتماد به نفس و خودباوری

«یک نفر دیگر از برجستگان آن دوران میگفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سرتا پا بشود غربی و اروپایی؛ باید همه چیز خودش را شبیه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود؛ یعنی به خودش باور نداشتند. خب، انقلاب آمد این ناباوری را بکلی تبدیل کرد به باور به خود، اعتماد به نفس ملی؛ امروز جوان ایرانی میگوید ما میتوانیم. در بسیاری از موارد در پیشرفتهای علمی - غیر از آنچه حالا امروز بحمدالله در دسترس قرار گرفته است و پیشرفتهایی که تحقق پیدا کرده است - جوانهای ما گاهی اوقات

۱. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

یک فکرهای نویی را مطرح میکنند که دستگاه‌های مسئول توانایی ندارند اینها را جمع و جور کنند؛ جوان ایرانی اعتماد به نفس دارد.^۱

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد.»^۲

۶- نشاط و توانایی

«یک مجموعه‌ی جوان، پُرنشاط و تازه‌نفس وارد میدان شده‌اند و دارند خوب کار میکنند.»^۳

۷- جسارت، انگیزه و بلندپروازی

«تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی - همین توقعاتی که شما دارید و آرزوهای بلندی که بحق در نسل جوان ما هست - تحقق پیدا کند، راه طولانی‌ای داریم.»^۴

«شماها بحمدالله اغلب جوانید و دارای نشاط و نیروی جوانی هستید. از این فرصت حداکثر استفاده را بکنید؛ قوای جوانی، حوصله‌ی جوانی، روح ابتکار و روح جسارت و بلندپروازی‌ای که در جوان هست را در خدمت

۱. در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ۱۳۹۵/۱/۱

۲. بیانیته‌ی گام دوم

۳. در دیدار خبرنگاران منتخب ملت ۱۳۸۵/۶/۹

۴. در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۷/۲۵

این اهداف عالی قرار بدهید و خسته نشوید.^۱

«وقتی عرصه را نگاه میکنیم، اگر یک نگاه به ملت عزیزمان بکنیم، می‌بینیم ملت ما دارای عزم است، دارای امید است، دارای استعداد برتر است، دارای نسل جوان پُرانگیزه و پرتلاش است. این حضور نسل جوان، در همه‌ی میدانها خودش را دارد نشان می‌دهد: در میدان علم، که امروز در دنیا به آن اعتراف میکنند؛ در میدان فناوری، در میدانهای گوناگون اجتماعی؛ آن وقتی که پیش آمد، در دفاع مقدس؛ امروز هم در آمادگی‌های گوناگون.»^۲

«در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بایستی همه فعال باشند، بخصوص جوانها؛ در جبهه‌ی مسائل فرهنگی همه باید فعال باشند، بخصوص جوانها؛ در جبهه‌ی حرکت‌های سیاسی و آگاهانه همه باید فعال باشند، بخصوص جوانها. جوانها آماده‌اند و میتوانند فعال باشند و فعال هم خواهند بود به توفیق الهی. و فردای این کشور متعلق است به جوانهای مؤمن و پُرانگیزه‌ای که میتوانند با اراده‌ی قاطع، با نیروی جوانی، با فکر روشن، با ابتکار پی‌درپی، این کشور را ان شاء الله به اوج اعتلاء برسانند؛ این، آن چیزی است که ما توقع داریم.»^۳

۸- ابتکار و نوآوری

«خصوصیت دیگر جوان‌گرایی است؛ کار دست جوانها است، سر رشته‌ی امور، دست جوانها است. جوان مرکز نوآوری است، مرکز خلاقیت و ابتکار است.»^۴

۱. در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته‌ی دولت و در آستانه‌ی نیمه‌ی

شعبان ۱۳۸۶/۶/۴

۲. در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۷/۱۹

۳. در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۱/۱۴

۴. در دیدار جمعی از زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد ۱۳۹۱/۱/۱

۹- استعداد

«من بارها گفته‌ام: امروز هر کار علمی و فناوری در کشور که زیرساخت آن وجود داشته باشد، از دست‌کننده‌ی ایرانی، جوان ایرانی، و نخبه‌ی ایرانی برمی‌آید؛ هیچ چیزی وجود ندارد که ما بگوییم استعداد ایرانی و نخبه‌ی ایرانی قادر به ایجاد آن، تولید آن، ساخت آن نباشد؛ مگر اینکه زیرساخت آن در کشور وجود نداشته باشد که باید آن زیرساخت را ایجاد کرد. وضع و سطح استعداد کشور ما یک چنین سطحی است.»^۱

۱۰- حقیقت‌پذیری

«دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۲. دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی انس پیدا میکند، زود انس پیدا میکند، زود دلباخته و دل‌بسته می‌شود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است.»^۳

سازمان جوان

در نگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، جوانی یک سازمان، به معنی تجدید حیات و رشد آن سازمان است که این امر منوط است به انتقال تجربیات گذشته به نسلهای جدید در آن سازمان. این امر در حقیقت تأکیدی است بر ضرورت استفاده از افراد مجرب در کنار جوان‌گرایی:

«یک بُعد دیگر سپاه بودن و سازمان‌یافته بودن، پیر نشدن است؛ سازمان، پیر نمیشود. توالی نسلها، دست‌به‌دست شدن معرفتها، تجربه‌ها نمیگذارد که یک سازمان پیر بشود؛ دائماً تجدید حیات میکند. فقط هم

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۲/۷/۱۷

۲. سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.»

۳. در دیدار ائمه‌ی جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

دست به دست شدن معرفتها نیست؛ رشد هم پیدا میکند. یعنی امروز سپاه به معارفی در زمینه‌های مختلف دست پیدا کرده است که سی سال پیش به این روشنی، به این وضوح این معارف را نداشت. دستاوردهای معرفتی سپاه در زمینه‌های مختلف روزه‌روز رشد پیدا میکند، عمق پیدا میکند. این، خاصیت دیگر سازمان بودن و منظم بودن و تشکیلاتی بودن است... با این خصوصیات که عرض کردیم، گفتیم که سپاه تجدیدپذیر است، کهنه‌بشو نیست، پیربشو نیست - افراد پیر میشوند اما سازمان پیر نمیشود - معنای این آن است که از همه‌ی عناصری که میتوانند به این تجدیدپذیری کمک کنند، باید استفاده بشود. خصوصیت جوان‌گرایی - که خوشبختانه در سپاه به آن توجه میشود و گرایش به آن نشان داده میشود که خصوصیت مثبتی است - باید همراه با استفاده‌ی از مجربان، کارکشتگان و قدیمی‌ها باشد؛ یعنی قدیمی‌های سپاه، کارکشته‌های سپاه که امتحان داده‌اند، کارهایشان را کرده‌اند، فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند، باید در این تجدیدپذیری مورد استفاده قرار بگیرند؛ بدون حضور آنها تجدیدپذیری مشکل خواهد بود یا گاهی ممکن نخواهد بود. انقطاع نسلی در سپاه نباید به وجود بیاید؛ بخصوص که قدیمی‌های ما کارها کردند، در عمل، امتحانها پس دادند که امتحانهای بزرگی است.»^۱

«به هیچ وجه نگذارید سپاه پیر و محافظه‌کار بشود؛ سپاه نبایستی پیر بشود. منظور، پیر شدن به معنای آدمهای پیر نیست؛ آن البته بی‌تأثیر نیست - [در مورد] جوان‌گرایی که حالا خواهم گفت - اما مقصود، روحیه است، روحیه‌ی جوان سپاه بایستی باقی بماند و میشود؛ میتوان سازمانی را فرض کرد که با کمک الهی، با هدایت الهی، با شیوه‌های گوناگون هرگز به پیری نرسد و همیشه جوان باشد؛ میشود فرض کرد؛ چه جوری؟ اولاً با

۱. در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۶/۲۵

جوان‌گرایی که خب الحمدلله جوان‌گرایی هست، [یعنی] مدتهاست که در سپاه شروع شده و توجه به نسل جوان وجود دارد، و تربیت دینی و انقلابی نسل‌های دوم و سوم. نگذارید انقطاع نسلی به وجود بیاید؛ همان روحیه‌ای که شهدای بزرگ و نام‌آور سپاه در میدانهای نبرد از خودشان نشان دادند در دوران دفاع مقدس و قبل از دفاع مقدس و تعدادی بعد از دوران دفاع مقدس، باید سریان و جریان داشته باشد در نسل‌های متوالی و پی‌درپی‌ای که وارد سپاه میشود: تربیت دینی و انقلابی، جلوگیری از انقطاع نسلی، تداوم روش خلافت و نوگرایی... بنابراین اولین توصیه‌ی این حقیر همین است که نگذارید سپاه پیر بشود، محافظه‌کار بشود، به وضع موجود قانع بشود؛ نه، روزه‌روز باید جلو بروید، بهتر بشوید، در جهت انقلابی شدن، در جهت دینی شدن، در جهت کارآمد شدن.^۱

دولت جوان

«شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند... اگر چنانچه ان‌شاءالله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب‌اللهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی‌های شما و دغدغه‌های شما و غصه‌های شما پایان خواهد پذیرفت.»^۲

«من البتّه - همچنان که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرّر هم گفته‌ام - به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البتّه دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت

۱. در دیدار مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۷/۱۰

۲. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۳/۱

سرپا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و ازکارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال ستش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده میماند و بنده زنده میماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه میداشتم، یعنی کنار نمیگذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه‌ی خوبی را میتوانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که میتواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد.^۱

«در کنار این تمجید و تعریفی که من از جوانها میکنم کار جوانها نواقصی هم دارد، کمبودهایی هم در کار جوانها هست که ما مشاهده میکنیم این کمبودها را، در طول زمان هم دیده‌ایم، الان هم می‌بینیم. حتی همین اظهارنظرهایی که آقایان میکنند که خیلی هم مغتنم و برای بنده شیرین است اما خب در کنار آن شیرینی ضعفهایی در همین اظهارنظرها و همین ارائه‌ی فکرها وجود دارد. پس بنابراین، بایستی کارآزمودگان و دنیادیدگان و مجربین هم در کنار جوانها قرار داشته باشند. این، آن حرفی است که من بارها گفته‌ام. ما که گفتیم «دولت جوان انقلابی»، بعضی تصوّر کردند یک دولتی که مثلاً فرض کنید عمرشان یکدست باید بین ۳۰ و ۳۵ و مانند اینها باشد! قضیه این نیست؛ حضور جوانها چیز لازمی است و حتماً بدون حضور جوانها کاری صورت نمیگیرد اما معنایش این نیست که مجربین و کارآزمودگان و دنیادیدگان در کنار جوانها نباشند.

۱. در ارتباط تصویری با جمعی از نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۳۹۹/۲/۲۸

شرط اساسی و اصلی در همه‌ی اینها - چه آن جوان، چه آن که از جوانی عبور کرده و به میان سالی یا کهن سالی رسیده - این است که ایمان و انگیزه‌ی صادقانه و انقلابی در آنها وجود داشته باشد که به نظر من یک دولت جوان انقلابی - همان طور که گفتیم - میتواند جامع همه‌ی اینها باشد.^۱

ضرورت به‌کارگیری جوانان در دولت

«البته دولت فقط مثلاً بیست وزارتخانه و بیست وزیر نیست - [البته] مجموعه‌ی هیئت دولت حدود بیست و چند نفرند - دولت فقط اینها نیست؛ دولت یک مجموعه‌ی وسیعی است که صدها مدیریت مؤثر و تعیین‌کننده در آن وجود دارد و همه‌ی اینها میتواند به اصطلاح میزبان جوانهای مؤمن و نخبه و انقلابی ما باشد که باید بتوانند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا حضور داشته باشند؛ یعنی بایستی بعضی جوانها در بخشهای تصمیم‌گیری، بعضی در بخشهای تصمیم‌سازی، بعضی هم در بخش اجرا حضور داشته باشند و بتوانند عمل بکنند و به نظر من این کاری است کاملاً شدنی؛ یعنی اگر واقعاً یک دولتی سرکار بیاید که مسئولین بالای دولت اعتقاد به جوانها داشته باشند، اطمینان به جوانها داشته باشند، همچنان که امام بزرگوار داشت و کار را با جوانها پیش برد، اگر یک چنین دولتی سرکار بیاید، به نظر من مشکلات خیلی زود حل خواهد شد؛ همه‌ی این مشکلاتی که امروز جلوی چشم ما است و با همه‌ی دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها و مانعها و مانع‌تراشی‌ها و دشمنی‌هایی که از خارج و بعضاً از داخل صورت می‌گیرد، به نظر من همه‌ی این کارها، همه‌ی این آرمانها و خواسته‌ها و مطالب، قابل تحقق است. در گذشته هم جوانها کارهای کارستان کردند؛ هم در انقلاب، هم در دفاع مقدس و در جهاد سازندگی

۱. در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۴۰۰/۲/۲۱

مثلاً جوانها بودند دیگر؛ آنها هم جوانهای دانشجو بودند که بعضی رفتند در سپاه، بعضی در جهاد، بعضی در کمیته‌های انقلاب، و مشغول کار شدند و کارهای بزرگی را انجام دادند. امروز خوشبختانه کشور از لحاظ پرورش نیروی انسانی مؤمن و انقلابی و دارای اعتماد به نفس و متخصص بحمدالله وضع خوبی دارد؛ یعنی ما از لحاظ نیرو کمبود نداریم؛ نیروهایی هستند که باید شناسایی بشوند. اگر میل به حضور جوانها نبود، شناسایی جوانها هم انجام نمیگرفت و دولت و مجموعه‌ی نظام، مجموعه‌ی حکمرانی کشور هم از منافع وجود آنها محروم میماند.^۱

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱



فصل سوم

معناشناسی «حزب الله»

در بینش آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حزب‌الله مفهومی است که در آن اسلام انقلابی جدای از توجّه به عامّه‌ی مردم، و دین جدای از عقل، نیست و علم و ارزش را توأمّاً دارا است. حضور در تمام صحنه‌های مورد نیاز اسلام و انقلاب، خدمت به مردم و شجاعت و پای کار بودن را میتوان از شاخصه‌های اصلی صفت حزب‌اللهی برشمرد:

«رجایی یک خصوصیت ممتازی داشت که این برای خود من همیشه به عنوان یک سرمشق بوده - ادّعا نمیکنم که این سرمشق، چیزی است که من دائماً به آن عمل کرده‌ام، امّا ادّعا میکنم که این سرمشق، چیزی است که من دائماً خواسته‌ام به آن عمل کنم - در یک سخنرانی، خیلی صریح و روشن گفت که من طرف‌دار حزب‌الله هستم. آن روز اصطلاح «حزب‌الله» مثل امروز نبود؛ امروز همه افتخار میکنند حزب‌اللهی‌اند، [امّا] آن روز آن کسانی که هنوز کاملاً از صحنه‌ی اداره‌ی فکر و سیاست این مملکت کنار نرفته بودند، حزب‌الله را یک فحش میدانستند و یک بدگویی تلقّی میکردند. کلمه‌ی حزب‌الله و حزب‌اللهی میتوانست یک حوزه‌ی انسانی و مردمی خاصّی را مشخص کند. حزب‌اللهی یعنی آن آدمی که در خدمت اهداف خدایی و انقلاب اسلامی، بی‌محابا حرکت میکند و چیزی که از آن ملاحظه کند، یا ندارد، یا موجب ملاحظه‌اش نمیشود؛ این حزب‌اللهی

است. اگر جنگ است، می‌شتابد به جنگ؛ اگر صدقات است برای اداره‌ی حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و پشت جبهه، هر چه دارد میریزد در طبق اخلاص؛ اگر راه‌پیمایی زیر آفتاب گرم یا در زمستان سرد است، اوّل صبح می‌آید بیرون و تا آخر هست؛ اگر پاسخ گفتن به ندای مسئولان کشور و همواره تکرار کردن شعارهایی است که رهبر بزرگ انقلاب به این مردم داده، او جزو یکی از بهترینها است و جزو کسانی است [که] این شعارها را تکرار میکنند. واقعاً به معنای واقعی کلمه جزو امت بزرگ پشت سر امام است. این معنای حزب‌اللهی است.

[البته] عده‌ای هم هستند که اینها حرفی هم ندارند که برای اسلام و انقلاب، یک وقت یک کاری هم بکنند، اما برایشان در درجه‌ی اوّل، مسائل شخصی خودشان است یا چهره شدنشان؛ اینها حزب‌اللهی نیستند. اینها کسانی‌اند که اگر انسان بخواهد طرف‌دار حزب‌الله باشد، به اینها در موارد زیادی برخورد خورد؛ یک جا به مالشان، یک جا به حیثیتشان، یک جا به مکانات اجتماعی‌شان. شهید رجایی صریح گفت من طرف‌دار حزب‌الله هستم. بنده همان وقتی که این حرف را از رجایی شنیدم - که در تلویزیون و رادیو داشت سخنرانی میکرد و من هم داشتم می‌شنفتم - با خودم گفتم که این مرد، عقل و دین را با هم آمیخت؛ چون یقین است که در یک جامعه‌ای که سالیان درازی با حکومت تبعیض زندگی کرده، در آن واحد، دل همه‌ی مردم را نمیشود به دست آورد؛ باید انتخاب کرد، و رجایی انتخاب کرد؛ همان چیزی که در آن فرمان^۱ معروف امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر بود که به عامه‌ی مردم و به توده‌های مردم رو بیاور و آنها را بطلب، آنها هستند که دلشان با خدا آشنا تر و مأنوس تر است، بیشتر در خدمت اهداف خدایی‌اند، دنبال خواص مردم و گروه‌ها و قشرهای ویژه نرو. عامه‌ی مردم

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

هر جا هستند، آنجا اهداف الهی قابل پیاده شدن و تأمین شدن است و رهبران اسلامی این را همیشه به ما توصیه کرده‌اند.^۱

«أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲؛ حزب خدا مفلح و رستگار است. حزب خدا غالب و پیروز است. هر چه می‌توانید، در این خط حزب‌اللهی جلو بروید. حزب‌الله، یعنی کسی که هم از امکانات خداداد بهترین استفاده را میکند، از دانش استفاده میکند، از خرد و اندیشه استفاده میکند، از نیروهای انسانی استفاده میکند، از ابتکار و تجربه استفاده میکند، از تجربه‌ی هشت سال دوران دفاع مقدس بیشترین استفاده‌ها را میکند و هم ارزشهای انسانی و الهی را که اسلام به او آموخته است، گرامی میدارد و آن را مایه‌ی پیشرفت خود به حساب می‌آورد و به آن تکیه میکند و با آن سرفراز است.^۳

«نکته... همان مطلبی است که من یکی دو ماه، یا دو سه ماه قبل از این گفتم و آن، رعایت جانب نیروهای اصیل انقلاب و نیروهای حزب‌الله است؛ اینها را داشته باشید. اینها هستند که انقلاب را حفظ میکنند، کشور را حفظ میکنند، توی دهان آمریکا میزنند و متجاوز را سر جای خودش می‌نشانند. اینها را نگه دارید. امام فرمود «اگر بسیج نبود - یا سپاه نبود - کشور نبود». بسیج موجب شد که ما در این جنگ، بتوانیم پیروز شویم. بسیج یعنی چه کسی؟ یعنی آن کسی که تا فهمید در مملکت حادثه‌ای است و تا فهمید دشمن حمله کرده است، نگاه نکرد که زراعت دارد، دکان دارد، کار اداری دارد، امتحان دارد، کنکور دارد و ترم دانشکده‌اش عقب افتاده است؛ همه‌ی اینها را گذاشت و به جبهه رفت؛ این را می‌گوییم

۱. در مراسم بزرگداشت شهیدان رجایی و باهنر ۱۳۶۲/۶/۸

۲. سوره‌ی مجادله، بخشی از آیه‌ی ۲۲

۳. در مراسم مانور ذوالفقار ۱۳۷۶/۷/۵

«حزب اللهی». امروز هم اگر بفهمد دشمن به هر شکلی در صدد تعرض است، دیگر خواب راحت به چشمش نمی آید و نمیتواند آرام بگیرد؛ این، «حزب اللهی» است. اینها را هر جا هستند، نگه دارید؛ اینها را حفظ کنید؛ اینها را جلو بیاورید. اگر در اداره تان هست، با او گرم بگیرید تا دیگران بفهمند که شما او را قبول دارید، او را دوست دارید؛ اگر گاهی تلخی ای هم هست، به شکل درستی، آن را حل کنید. بعضی ممکن است تلخی کنند؛ اما شما به شکل صحیحی، آن را حل کنید.

نقطه ی مقابل حزب اللهی، کسانی هستند که نیروهای اصیل کشور و انقلاب را تمسخر میکنند. البته عده ای هم هستند که تمسخر نمیکنند، اما حزب اللهی هم نیستند. با آن کسی که نیروهای اصیل را تمسخر میکنند، گرم نباشید؛ چون اثر مستقیمش این است که نیروی اصلی انقلاب، دل مرده و دلسرد خواهد شد؛ این، مهم است؛ از همه ی چیزها اساسی تر، این است. ما اگر میلیاردها تومان بیاوریم و در این استان یا در هر نقطه ی دیگر کشور صرف مخارج عمرانی کنیم، اما به این نکات توجه نداشته باشیم، چیزی عاید انقلاب نخواهد شد؛ این را بدانید. اگر این را مراعات کردید، آن وقت هریک قطره از تلاش شما برای انقلاب، در جای خود قرار خواهد گرفت و هدر نخواهد رفت.

تا آنجا که میتوانید، نیروهای مؤمن را حفظ کنید؛ با آنهایی که در مقابل این نیروها هستند، آنها را مسخره میکنند و به آنها بی اعتنائی میکنند، با آنها که نه جنگ را قبول داشتند نه «مرگ بر آمریکا»ی شما را هیچ وقت قبول داشتند، بلکه تحمیق و تسفیه میکنند و فردا هم چنانچه خیال کنند یک نفر دیگری خواهد آمد به سراغ او میروند، گرم نگیرید. فقط از نیرویشان استفاده کنید؛ به قدری که بشود از توانشان استفاده کرد. البته باید از همه ی نیروهایی که میتوانند در خدمت کشور قرار گیرند استفاده کنیم؛ اما به آنها

روندهید... نشست و برخاسته‌ایتان را خیلی مراقب باشید. ببینید با چه کسی می‌نشینید؛ با چه کسی برمی‌خیزید؛ با چه کسی گرم می‌گیرید و با چه کسی معاشرت می‌کنید. مردم می‌بینند ما چگونه عمل می‌کنیم و این، بسیار حائز اهمیت است که احساس کنند نیروهای نظام، حزب اللهی‌اند. مردم، حزب اللهی‌ها را دوست دارند؛ چون حقیقتاً برای کار دُور هم جمع شده‌اند و نه برای وقت‌گذرانی یا خدای نکرده بهره‌برداری شخصی. یک کشور، وقتی باقی می‌ماند که نیروهای مخلص در اختیارش باشند.^۱

«فردوسی آن وقتی که از اسفندیار تعریف می‌کند، روی دین‌داری او تکیه می‌کند. میدانید که اسفندیار یک فرد متعصب مذهبی مبلّغ دین بوده که سعی کرده پاک‌دینی را در همه جای ایران گسترش بدهد. تیپ اسفندیار، تیپ حزب اللهی‌های امروز خودمان است؛ آدم خیلی شجاع و نترس و دینی بوده است؛ حاضر بوده است برای حفظ اصولی که به آن معتقد بوده و رعایت می‌کرده، خطر بکند و از هفت خان بگذرد و حتّی با رستم دست و پنجه نرم کند. وقتی شما شاهنامه را مطالعه می‌کنید، می‌بینید که فردوسی روی این جنبه‌ی دین‌داری و طهارت اخلاقی اسفندیار تکیه می‌کند.»^۲

«عده‌ای سعی نکنند کلمه‌ی حزب اللهی را از ارزش بیندازند. حزب الله این مملکت را نجات داده است. حزب الله در جنگ تحمیلی آن کارها را کرده است. حزب الله ارتش را حفظ کرده است. اگر حزب اللهی‌های ارتش نبودند، ارتش در همان کودتای پایگاه شهید نوژه، یکی از بدترین تجربه‌های خودش را می‌گذراند. حزب الله ارتش، موجب شد که یک کودتا که از طرف چهار نفر ارتشی بی‌حیثیت و وابسته طراح شده بود، مایه‌ی روسفیدی و سربلندی ارتش شود. حزب اللهی‌های ارتش، حق حیات به گردن ارتش

۱. در دیدار مسئولان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۱/۷/۱۶

۲. در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۵

دارند. حزب الله را بزرگ بشمارید.»^۱

«روزگاری یک جوان در دنیای اسلام، در حالی که نمازش در حال قضا شدن بود، خجالت میکشید در ملا عام بایستد نماز بخواند! جوان ایرانی کاری کرد که در شلوغ‌ترین فرودگاه‌های دنیا و در مراکز فساد و بی‌بندوباری و بی‌اعتنائی به مذهب، گاهی سه نفر، پنج نفر جوان حزب اللهی - به هر جهتی که آنجا بودند - اول وقت اذان میگفتند! نمیگفتند آخر وقت که به تهران برسیم، نماز میخوانیم؛ همان جا اول وقت در فرودگاه، به نماز می‌ایستادند و تکریم و تعظیم دلها و احترام حقیقی را از همه سوبه طرف خودشان جلب میکردند. من بعضی اینها را به چشم خودم دیدم؛ بعضی‌ها را هم از گزارشهایی نقل میکنم که مثل این است که به چشم خودم دیده باشم! جوان مسلمان، شخصیت پیدا کرد.»^۲

«امروز، مبارزه سازندگی است؛ مبارزه برای حفظ فرهنگ جهاد و شهادت است؛ مبارزه برای راه حزب الله و برای تحکیم کامل ارزشهای اسلامی در این کشور است.»^۳

وظایف و شاخصه‌های حزب الله

۱- غیرت دینی

شاخصه‌ی مهمی که رهبر معظم انقلاب (مدّله‌العالی) برای حزب الله ذکر کرده‌اند، داشتن غیرت دینی است که در امر به معروف و نهی از منکر تجلّی می‌یابد:

«اعمال و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده از هر کسی صادر شود، خیانت

۱. در دیدار کارکنان و فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۵/۱/۲۸

۲. در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۷۷/۹/۲۵

۳. در حسینیه‌ی عاشقان کربلای ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲

به امام و اسلام است. از حضرات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ائمه‌ی محترم جمعه، گویندگان مذهبی و رسانه‌های عمومی تقاضا می‌کنم همگان را به این وظیفه‌ی انقلابی توجّه دهند؛ و البتّه ضمانت اصلی برای این کار، آحاد مردم حزب الله‌اند که با مشاهده‌ی تخلف از این وظیفه‌ی الهی، موظّف به نهی از منکر و اعراض از متخلفین می‌باشند.^۱

«بی دلیل هم نیست که با امام این قدر دشمن بودند. هنوز هم با جمهوری اسلامی و با پرچم اسلام که در دست جمهوری اسلامی است، دشمنی میکنند؛ ولی با پرچم اسلام در دست آدمهای سازش‌کار وابسته و متعلّق به خودشان، هیچ کاری ندارند. از آنها هیچ واهمه‌ای ندارند، هیچ ترسی ندارند، هیچ ملاحظه‌ای ندارند و هیچ دشمنی‌ای ندارند. اما با جمهوری اسلامی چرا. با شخصیت‌هایش هم دشمنند، با ملت‌ش هم دشمنند، با دولتش هم دشمنند، با رئیس‌جمهورش هم دشمنند، با مجلسش هم دشمنند، با احکام قضائی و مسئولین قضائی‌اش هم دشمنند. با هر چه که این نظام را سرپا نگه میدارد، دشمنند. حتّی با شعارهای شما هم دشمنند. آنها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر میکنند؛ شعار حزب‌اللّهی‌گری را تمسخر میکنند و شما را متّهم مینمایند. اما حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللّهی و همان پایبندی به اصول است که میتواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ چیز دیگر نمیتواند. ملت‌ها هم این را میخواهند.»^۲

۲- مردمی

«بسیج، جمع فداکاری از مردمند، برای مردم؛ تشکیل یک مجموعه‌ای

۱. پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۱/۱۱/۱

در حرکت عظیم یک ملت مجاهد. حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سازندگی، حضور در سیاست، در فرهنگ، در کمک به مستضعفان، در کمک به درماندگان، در تولید، در فناوری، در پیشبرد مسائل گوناگون کشور، در ورزش، در درخشش های بین المللی، در هر کار خیر؛ این حرکت بسیج است؛ حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه ی قشرها، زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ یعنی تشکیل یک مجموعه ی حزب الله واقعی.^۱

۳- عمل جهادی و رویکرد تکلیف‌گرا

همچنین «جهاد» از دیگری ویژگی های حزب الله دانسته شده که موجب عزت ایران است: «موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی و موقعیت جغرافیای سیاسی ایران، موقعیتی ممتاز است. آن هم با این ملت بزرگ و استعداد های درخشان و سابقه ی پرافتخار تاریخی و فرهنگ غنی و عمیق و افتخاراتی که در دوران انقلاب به دست آمد و عزتی که در هشت سال دفاع مقدس، به برکت خون شهدا و تلاش رزمندگان و بسیجیان و نیروهای حزب الله حاصل شد. بویژه اینکه این کشور و این ملت، هم اکنون زیر پرچم اسلام و قرآن رفته است.»^۲

«امروز ارتش احساس افتخار میکند، احساس حضور میکند، امروز ارتش احساس میکند که در سرنوشت کشور مؤثر است، احساس میکند که مورد محبت مردم است. فرماندهان هر سه نیروی ما مردمان متعهدی هستند؛ کسانی که در فرماندهی نیروها دارند کار میکنند و مسئولین بالا از عناصر حزب اللهی، از عناصر مؤمن، از عناصر علاقه مند به این نظام هستند و

۱. در دیدار اقشار نمونه ی بسیج سراسر کشور ۱۳۹۰/۹/۶

۲. در دیدار روحانیون استان مازندران ۱۳۷۴/۷/۲۲

ارتشی‌های ما امروز در خطوط مقدّم جبهه‌ها دارند کار میکنند.^۱

«مهم‌ترین وظیفه‌ای که در صراطِ امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللّٰهی بودن، یعنی آمادگی کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است. در نظام اسلامی، همه جا، کسی که دارای روحیه‌ی حزب‌اللّٰهی است بر کسی که دارای روحیه‌ی حزب‌اللّٰهی نیست، ترجیح دارد. از جمله، یک مدیر حزب‌اللّٰهی، یک استاد حزب‌اللّٰهی، یک صاحب‌منصب حزب‌اللّٰهی، یک فرماندهی حزب‌اللّٰهی، یک هنرمند حزب‌اللّٰهی، یک نویسنده‌ی حزب‌اللّٰهی.»^۲

«نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب‌اللّٰهی باید در مقابله‌ی با دشمن بایستد، حفظ کنید.»^۳ «حزب‌اللّٰهی بودن و بسیجی بودن یعنی همان روح بیداری و هوشیاری و آمادگی.»^۴

۴- عامل اقتدار و سرافرازی کشور

«یک کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرتهای ظالم عالم زندگی کند، به ایستادگی احتیاج دارد. در مواقع حسّاس برای یک ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام میدهند؟ بهترین و فداکارترین و پاک‌ترین و بااخلاص‌ترین فرزندان یک ملت. اینها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری میکنند و ایستادگی نشان میدهند و از

۱. در گفتگوی انتخاباتی تلویزیونی ۱۳۶۴/۵/۱۴

۲. در دیدار علما و روحانیون ۱۳۷۱/۵/۷

۳. در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اقشار مختلف مردم ۱۳۷۸/۴/۲۱

۴. در جمع بزرگ بسیجیان تبریز ۱۳۷۲/۵/۸

آبروی کشور و استقلال و هویت ملی خودشان دفاع میکنند. اینها در کشور و در نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همان جوانان فداکاری هستند که در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن، توانستند در میدانهای جنگ در مقابل دشمن بایستند؛ یعنی شهدای گران قدر ما، جانبازان عزیز ما، آزادگان سرافراز ما، خانواده‌های اینها، کسانی که هنوز مفقودالاثرو هستند - بنا بر اینکه مفقودالاثرهایی در داخل خاک بیگانه داشته باشیم - همه‌ی کسانی که در این راه‌ها استقامت کردند؛ یعنی بسیجیان، یعنی نظامیان، یعنی پاسداران، یعنی نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور. قدرت حقیقی کشور مربوط به اینها است. توانایی کشور ناشی از اینها است. هر کشور و ملتی که چنین جوانانی داشته باشد، هیچ قدرت جهانی نمیتواند به او زور بگوید، او را تحت سیطره درآورد؛ اوضاع او را به دست گیرد. در واقع چنین کشور و ملتی سرافراز خواهد بود.^۱

۵- عمل خالصانه و صادقانه

«این روزنامه‌ها و مطبوعات گوناگون را هم آدم نگاه میکند، من میفهمم که بعضی وقتی میگویند تندروی، جریان حزب‌اللهی و مؤمن مورد نظرشان است؛ نه، جریان مؤمن را، جریان انقلابی را، جوانان حزب‌اللهی را متهم نکنید به تندروی؛ اینها همان کسانی هستند که با همه‌ی وجود، با همه‌ی اخلاص در میدان حاضرند، آنجایی هم که دفاع از مرزها لازم باشد، دفاع از هویت ملی لازم باشد، مسئله‌ی جان دادن و خون دادن مطرح باشد، همینها هستند که به میدان می‌آیند.»^۲

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از آزادگان، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا
۱۳۷۷/۵/۲۷

۲. در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۴/۱۰/۳۰

«سپاه پاسداران امروز بحمدالله فهرست بلندی از افتخارات و تجارب و نوآوری های نظامی و فنی و نیز مجموعه ای از نیروهای مخلص و متعهد و کارآمد و حزب اللهی را در اختیار دارد.»^۱

«جوانان حزب اللهی کشور و نیروهای مؤمن و مخلص و همانهایی که صحنه های جنگ را اداره کردند و بسیجی هایی که در طول این سالهای متمادی بارهای سنگین را بر دوش گرفتند و خانواده های شهدا و امثال آنان، اینها هستند که در صفوف مقدّم باید قرار گیرند؛ و قرار هم میگیرند.»^۲

«امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب اللهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند.»^۳

۶- باور تعهد آفرین و عمل زا

«در آن زمان، شما وارد منطقه ای میشدید، میدیدید یک مشت جوان مؤمن حزب اللهی فداکار از جان گذشته، ایستاده اند و مبارزه میکنند. از هر کدام سؤال میکردید چرا مبارزه میکنید؟ میگفت: «وظیفه ی من است. امام گفتند، دستور دینی من است. دشمن به کشور من تجاوز کرده، مرزها و ناموس مرا تهدید میکنند؛ ما ملّت زنده ای هستیم و باید از خودمان دفاع کنیم!» او مجموعه ای از باورهای ذهنی را برای شما در میان میگذارد که اعتقاد به خدا، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به شهادت، اعتقاد به دستور امام، لزوم اطاعت از امام، اعتقاد به متجاوز بودن این دشمن، اعتقاد به اینکه من ملّتی هستم که باید از خودم دفاع کنم، در آن هست. این مجموعه ی در

۱. حکم انتصاب سرتیپ سیددیحیی صفوی مفتخر به درجه سرلشکری و فرماندهی کلّ سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۷۶/۶/۱۹

۲. در دیدار نمایندگان دوره ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۳/۲۰

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

هم آمیخته‌ی در هم تنیده‌ی اعتقادات دینی و اینها در بیان او بروز میکند. شما می‌بینید که این اعتقادات موجب شده است تا این جوان بایستد، از آسایش خانه‌اش، از زندگی، از تحصیل و دانشگاهش دست بکشد، به جبهه برود و جان خودش را به خطر بیندازد.^۱

۷- پیروی از خط امام

«من بارها گفته‌ام، الان هم تکرار میکنم؛ هر جا ما پیشرفت برجسته‌ای داشته‌ایم، به برکت نیروهای مؤمن، حزب‌اللهی و معتقد به این راه بوده؛ و آلا کسانی که به این خط و این راه معتقد نیستند - هم از جهت ضعف ایمان، هم از جهت ضعف غیرت ملی - آنچه را که باید انجام دهند، نمیکنند؛ در مقابل فشارهای معمولی زندگی عقب‌نشینی میکنند و سپس در مقابل تطمیع و جلوه‌های جذّاب ارائه‌شده‌ی از سوی دشمن، تسلیم میشوند؛ اما کسی که مؤمن است، تسلیم و خسته نمیشود. این، راه امام بزرگوار است. اگر بخواهیم کشور را آباد و آزاد کنیم، راهش این است که خط امام را دنبال کنیم. این، معنای احیاء نام امام و نگه داشتن این پرچم پرافتخار است؛ نه اینکه ما می‌خواهیم فقط برای تاریخ و برای قدرشناسی از آن بزرگوار، نام و یاد او را زنده نگه داریم.»^۲

۸- هوشیاری و بیداری در فتنه‌ها

«به جوانان مؤمن، آزاداندیش و حزب‌اللهی در سرتاسر کشور این توصیه را بکنم: مبدا و وقتی کسانی زمینه‌های اغتشاش را فراهم کردند، شما وارد میدان شوید؛ نه، نباید فضا غبارآلود شود. نباید اجازه داد که یک عده

۱. در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۸/۹/۲۳

۲. در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۴/۳/۱۰

فضای جامعه، فضای دانشگاه و مناطق مختلف را با اغتشاش و ناامنی آلوده کنند؛ بعد به جوانان مؤمن تهمت بزنند و بگویند اینها عامل بوده‌اند؛ نه، نگذارید. اگر ملت ایران در مقابله با اغتشاشگران بخواهد وارد شود، وارد شدن او مثل وارد شدن بیست و سوّم تیر سال ۷۸ خواهد بود.^۱

«من قویّاً توصیه میکنم که به خاطر احساسات و به خاطر طرفداری از فلان کس، مبادا برخلاف قانون اقدامی شود. من به هیچ وجه اجازه نمیدهم. دشمن وقتی بخواهد ایجاد اغتشاش و درگیری کند، برایش چندان مشکل نیست که چهار نفر مزدور را در بین بچه‌های مؤمن، بچه‌های حزب اللهی و بچه‌های صادق بفرستد؛ به عنوان طرفداری از رهبری، به عنوان اینکه رهبری مظلوم واقع شده، بیایید کمک کنید؛ سپس جنجال درست کنند! مراقب نفوذی‌ها باشید.»^۲

۹- تأثیرگذاری در سازندگی و پیشرفت کشور

«این سازندگی‌ها و کارهایی که باعث ترقی کشور است، در بخشهای مختلف و بیشتر به وسیله‌ی عناصر مؤمن انجام میشود. عناصر غیر مؤمن و نامعتقد - که حزب اللهی نیستند - گرچه حرف میزنند، اما کار چندان برای مملکت انجام نمیدهند. بیشتر کارهای سازنده و مؤثر را همین عناصر مؤمن و حزب اللهی و مهندسین معتقد به انقلاب و فعالان و مدیران دلسوز نسبت به مملکت و نظام انجام میدهند. عناصر فعال، بچه‌های خود انقلابند. دیگران هیچ کمک و خدمتی به ما نکردند. بچه‌های انقلابند که کارهای سازنده را انجام میدهند و زحمات طاقت فرسا را متحمل میشوند. پیشرفت کشور، این گونه حاصل میشود.»^۳

۱. در جمع مردم ورامین ۱۳۸۲/۳/۲۲

۲. در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

۳. در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۵/۲/۲۶

۱۰- تأثیرگذاری در پیشرفت علم

«در خیلی از زمینه‌ها نقش جوانان مؤمن و دین‌دار و حزب‌اللهی در پیشرفتهای علمی، برجسته است؛ این را هم دانسته باشند. دشمنان در تبلیغات خود میخواهند وانمود کنند که عناصر دین‌دار در این میدانها عقبند؛ در حالی که این طور نیست. عناصر دین‌دار و جوانان مؤمن ما در بسیاری از این میدانها پیشتازند و کار آنها برجسته است. خیلی از کارهای بزرگی که صورت میگیرد، جوانان ما آنها را در محیطی از توجه و ذکر و سجده‌ی شکر انجام داده‌اند. اینها بسیار باارزش است.»^۱

۱۱- جهاد کبیر فرهنگی

«اینکه گفتیم جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال نکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و میکنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است.»^۲

ضرورت به کارگیری نیروهای حزب‌اللهی در دولت

«در مورد اینکه نیروهای حزب‌اللهی را کنار میگذارند، من البته مطالبی شنیده‌ام و از بعضی افراد دیگر هم که گاهی از مجلس و غیر مجلس به ما مراجعه کرده‌اند و در مورد بعضی از دستگاه‌ها گفته‌اند، مواردی را مطلع شده‌ام. من هم به آن دستگاه‌ها سفارش کرده‌ام که مراقب باشند؛ اگرچه موارد خاصی را ارائه نکرده‌اند و میدانم که گاهی اوقات، بین آن کسی که معترض است و آن کسی که آن تغییر به دست او انجام گرفته، اختلاف

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۲/۸/۲۳

۲. در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۹۵/۳/۳

سلیقه است.^۱

«روزی وسایل موجود در جمهوری اسلامی مثل جنین از آن جفت تغذیه میکرد. اما امروز چنین نیست و کشور مستقل است. این کار را شما کردید. این کار را مسئولان دلسوز و علاقه مند و عناصر مؤمن و حزب اللهی انجام دادند. یادتان باشد: «حزب اللهی»!

عده ای سعی نکنند کلمه ی حزب اللهی را از ارزش ببندازند. حزب الله این مملکت را نجات داده است. حزب الله در جنگ تحمیلی آن کارها را کرده است. حزب الله ارتش را حفظ کرده است. اگر حزب اللهی های ارتش نبودند، ارتش در همان کودتای پایگاه شهید نوژه، یکی از بدترین تجربه های خودش را میگذراند. حزب الله ارتش، موجب شد که یک کودتا که از طرف چهار نفر ارتشی بی حیثیت و وابسته طراح شده بود، مایه ی روسفیدی و سربلندی ارتش شود. حزب اللهی های ارتش، حق حیات به گردن ارتش دارند. حزب الله را بزرگ بشمارید.

در جنگ هم آن فرماندهی حزب اللهی، آن طور حرکت کرد. در مقام فرماندهی هم، فرماندهان حزب اللهی - دیروز و امروز - همیشه سعی و تلاش کردند. در سازندگی هم همین طور.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرّسین دانشگاه ها، به همراه مهندس

میرحسین موسوی ۱۳۶۹/۶/۱۸

۲. در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش ۱۳۷۵/۱/۲۸



فصل چہارم

دولت جوان حزب اللہی

اسلام پیراسته از نواقص و بدعتها، که در ادبیات امام خمینی (قدس سره) از آن به اسلام ناب تعبیر شده است، از دید آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) عبارت است از توحید ناب، به معنی انحصار اطاعت و بندگی نسبت به خدا و تسلیم محض خدا بودن و اطاعت نکردن از غیر خدا! به همین دلیل اسلام ناب هرگز با تسلیم در برابر حکومت غیر الهی و اطاعت از آن قابل جمع نیست و چاره ای جز قیام و انقلاب، در صورت امکان، باقی نمیگذارد. لذا میتوان از اسلام ناب، تعبیر به اسلام انقلابی نمود^۱ و صفت انقلابی یادآور ویژگی اصلی دین اسلام یعنی عدم تبعیت از طاغوت است. در این میان پرواضح است که روحیه ی انقلابی و حزب اللهی با سستی و رخوت و تنبلی و گوشه گیری و یأس سازگار نیست و تنها روحیه ی نشاط و شجاعت و مبارز بودن و امید به پیروزی و در یک کلام روحیه ی جوانی است که میتواند تأمین کننده ی خروش انقلابی باشد. شاید به همین دلیل است که در نگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) تقارن جوانی جمعیتی و جوانی انقلاب امری شگفت آور است: «کمیت جوانان و نسبت جمعیتی آنها با کل کشور، یک پدیده ی شگفت آور است. امروز بیش از نیمی از جمعیت کشور

۱. رجوع کنید به بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور و نمایندگان

ما کسانی هستند که کمتر از سی سال دارند. اتفاق کم‌نظیری که افتاده، این است، کشوری که از جوان‌ترین کشورها است، یکی از بزرگ‌ترین انقلابهای تاریخ و جوان‌ترین انقلاب موجود جهان و مستقل‌ترین نظام سیاسی در همه‌ی دنیا را تجربه میکند. این تقارن، تقارن شگفت‌آوری است.^۱

از طرف دیگر، داشتن روحیه و توان جوانی در امر مسئولیت، تأمین‌کننده‌ی یکی دیگر از ارکان مشروعیت مسئولین، یعنی کارآمدی، است. در نگاه رهبر معظم انقلاب، نبود کارآمدی در مسئولین، مشروعیت آنها را برای عهده‌دار شدن مناصب حکومتی از بین میبرد.

از سوی دیگر، حزب‌الله در قاموس انقلاب اسلامی، صفتی است که برای افراد و گروه‌های طرف‌دار اسلام ناب یا همان اسلام انقلابی به کار میرود. بنابراین این چهار واژه - اسلام ناب، انقلاب، حزب‌الله و جوان - ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و هریک از آنها وجهی از دیگری است.

نکته‌ی دیگر آنکه چنانچه پیش از این در عبارات رهبر معظم انقلاب از نظر خوانندگان محترم گذشت، دولت اسلامی، سومین مرحله‌ی انقلاب اسلامی است که در نهایت منجر به اسلامی شدن جامعه شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن اسلامی است. بنابراین دولت جوان حزب‌اللهی لاجرم ذیل عنوان دولت اسلامی قابل تعریف است به گونه‌ای که میتوان گفت مصداق دولت اسلامی در بخش قوه‌ی مجریه، دولت جوان حزب‌اللهی است.

لذا دولت جوان حزب‌اللهی، تبلوری است از اسلام ناب و در نتیجه هرآنچه از لوازم اسلام ناب که در حیطه‌ی مسئولیت قوه‌ی مجریه است، میبایست در دولت جوان حزب‌اللهی به حقیقت پیوندد. بنابراین خصوصیات و ویژگی‌های لازمی که برای کارگزار دولت اسلامی در این فصل ذکر شد، تماماً برای کارگزار دولت جوان حزب‌اللهی نیز صادق است.

۱. در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۲/۱۲

جایگاه دولت جوان حزب‌اللهی در منطق اسلام ناب

مبدأ فکری انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، اعتقاد به ضرورت دخالت دین در سیاست است که در ادبیات امامین انقلاب از آن تعبیر به اسلام ناب میشود. از آنجا که دولت جوان حزب‌اللهی یکی از مظاهر و مراتب دخالت در سیاست و تدبیر امور جامعه است و از همین روی مبتنی بر اسلام ناب است، این بخش به معرفی اجمالی اسلام ناب، انقلاب اسلامی و نظام و دولت برآمده از انقلاب اسلامی اختصاص یافته است و در حقیقت تبیینی است نسبت به مبنا و ریشه‌ی اعتقادی ایده‌ی دولت جوان حزب‌اللهی و نیز جایگاه آن نسبت به اسلام، انقلاب، نظام و دولت برآمده از آن.

ضرورت دولت جوان حزب‌اللهی

پیش از این از نسبت اسلام انقلابی و جوان حزب‌اللهی سخن به میان آمد؛ به این بیان که اسلام ناب، انقلابی است و انقلاب منوط به وجود روحیه‌ی جوانی و کارآمدی است و در نتیجه تحقق اسلام ناب با روحیه‌ی جوانی ممکن است. به همین ترتیب تحقق دولت انقلابی یا همان دولت اسلامی نیز منوط به برخورداری عوامل آن از روحیه‌ی جوانی است که اغلب در جوانان یافت میشود. همچنین اشاره شد که واژه‌ی حزب‌الله به بهترین نحو عناصر فوق را در خود جمع کرده است و مخصوص افراد و گروه‌هایی است که در عمل به عناصر فوق معتقدند.

با گذر از موارد فوق، آنچه ضرورت دولت جوان انقلابی را تأکید میکند، اولاً لزوم کارآمدی مسئولین است که این امر منوط به توانمندی آنان و داشتن روحیه و نشاط جوانی است علاوه بر اینکه در عقیده نیز باید ملتزم به مردمی بودن و خدمت به مردم باشند که این مهم در صفت انقلابی نهفته است.

ثانیاً با توجه به ضرورت بحث تحوّل در حوزه‌های مختلف حکمرانی و اینکه تحوّل‌آفرینی منوط به روحیه و نشاط جوانی و نیز روحیه انقلابی و تحوّل‌آفرینی است، لذا ضرورت تحوّل نیز دیگر موضوعی است که لزوم تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی را تأکید و تشدید میکند.

«با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دلهای مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاء الله.»^۱

کارآمدی دولت جوان حزب‌اللهی

«تصمیم باید بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی این کلمه و به سمت هدفهای انقلاب، بدون هیچ گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه‌ای از این هدفها، با قاطعیت و قدرت ادامه بدهیم. صحنه، صحنه‌ی وسیعی است؛ همه جای آن میشود حضور داشت و در

۱. بیانیه‌ی گام دوم

همه جای آن میشود این احساس را داشت: چه در پست وزارت، چه در پست مدیریت اجرایی کشور، مدیریتهای بالا، مدیریتهای پایین، یا حتی اگر چنانچه کسی در مجموعه‌ی دستگاه و مجموعه‌ی دولت هم نخواهد کار کند - که البته این نسبت به آن شق دیگر مرجوح است - در هر جایی از این کشور که بخواهد کار بکند. [البته] این را ما نسبت به افراد کارآمد واقعاً رد میکنیم؛ اگر هم مدیریتهای بالای اجرایی را نخواهند به عهده بگیرند، خارج شدن از مجموعه‌ی دستگاه اجرایی کشور را مصلحت نمیدانیم. خب هر کسی میتواند مفید باشد، اما در این مجموعه بیشتر میتواند مفید باشد. همه بایستی بالاخره در این مجموعه تا آنجایی که ممکن باشد و تا آنجایی که میسر باشد ان شاء الله مسئولیتهایی را بپذیرند.»^۱

«مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بروی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متّخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده‌ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را میتواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت بر عهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا میکند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه‌ی شعب و شاخه‌هایی که از آن متشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه‌ی مسئولان در بخشهای مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر

۱. در دیدار نخست وزیر و اعضای هیئت دولت ۱۳۶۸/۵/۱۸

یک از کسانی که متصدی این مسئولیتها، از صدر تا ساقه، هستند، بتوانند آنچه را که برعهده‌ی آنها است، به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق‌العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را، که در آن نشانه‌های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم.

وظیفه‌ی همه‌ی ما اقامه‌ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن کشور و نجات آن از محرومیتی است که در طول ده‌ها سال حکومت طواغیت و خارجی‌ها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه‌هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده میکنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طواغیت و ظلمه، مستبدان و مستأثران بر این ملت، به وجود آورده‌اند، که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت ۲۵ سال، با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزه‌روز اعتقادم به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفته‌ی روبه‌رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چهارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده، میتوان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسئولانمان را در همه‌ی انتخابها، در همه‌ی گزینش‌ها و در همه‌ی انتصابها حفظ کنیم.^۱

ایجاد تحوّل به‌وسیله‌ی دولت جوان حزب‌اللهی

مسئله‌ی تحوّل‌گرایی در ضمن انقلابیگری نیز قابل طرح است اما به دلیل اهمّیت آن در برهه‌ی کنونی و نیاز کشور به تحوّل در حوزه‌های مختلف، و بخصوص ارتباط مستقیم این مسئله با به‌کارگیری جوانان در حوزه‌های

۱. در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱

مختلف، در این قسمت به طور جداگانه این مسئله در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) مطرح میشود:

ضرورت تحوّل با توجّه به مشکلات مزمن و ظرفیتهای معطل مانده

«در مورد این نیاز که «چرا باید تحوّل انجام بگیرد» - که واقعاً بایستی به این نیاز هم اعتقاد داشته باشیم - لذا لزوم این حرکت به [خاطر] این است که در کنار پیشرفتهای کشور و موفقیتهای کشور که زیاد است - در بیان دوستان که اینجا صحبت کردید، بعضی از اظهارات بود که نشان دهنده‌ی وجود پیشرفتها است، لکن آنچه در واقع در کشور از لحاظ پیشرفتهای گوناگون در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده خیلی وسیع‌تر و گسترده‌تر از این حرفها است - لکن در کنار این پیشرفتها ما در جاهایی عقب ماندگی داریم و مشکلات مزمن شده داریم که این مشکلات بایستی حل بشود. در حوزه‌ی اقتصاد، در حوزه‌ی عدالت، به طور جدّی مشکل داریم؛ در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی مشکلات اساسی داریم که بعضی از اینها حقیقتاً به صورت بیماری مزمن هم درآمده و نیاز به راه‌حل‌های جدّی دارد؛ علاوه‌ی براینکه این عقب ماندگی‌ها وجود دارد و ناشی از غفلتهای ما است - یعنی در طول زمان، در طول این ده‌ها سال، در مواردی غفلتهایی انجام گرفته - بعضی از غرض‌ورزی‌ها هم موجب زاویه‌دار شدن با خطّ انقلاب و تدریجاً پشت کردن به انقلاب شده و بنابراین این وضعیّت ایجاب میکند که ما به فکریک حرکت تحوّلّی باشیم.

علاوه‌ی بر اینها بر اثر همین غفلتهای ما، بسیاری از ظرفیتهای معطل مانده. ظرفیتهای بسیاری در کشور وجود دارد، فرصتهای به معنای حقیقی کلمه فراوان بلکه بی‌شمار در کشور هست که اینها بدون استفاده مانده و این مایه‌ی خسارت برای منافع ملی است. خب این مشکلات را با یک

حرکت عادی نمیشود برطرف کرد، با این حرکت معمولی عادی که در کار اداره‌ی حکمرانی کشور هست نمیشود، یک حرکت فوق‌العاده لازم است، یک حرکت جهشی لازم است، یک حرکت ابتکاری لازم است. باید نوآوری وجود داشته باشد و این کار باید انجام بگیرد. این جزو مسلمات این دوره‌ی از انقلاب است برای گام دوم. البته در گذشته و در طول زمان در زمینه‌های تحوّل در بخشی از جاها یک کارهایی انجام گرفته لکن یک حرکت کلی‌تر و عمومی‌تر و جامع‌تری در این زمینه باید انجام بگیرد.^۱

«ما در خلال این سالها گاهی کارهای خوبی را شروع کرده‌ایم که نیمه‌کاره مانده و به نتیجه نرسیده؛ این به خاطر همین است که یک ساده‌نگری‌هایی در مشاهده‌ی مسائل وجود دارد که بایستی اینها را با نگاه دقیق تصحیح کرد و به جهت درست رساند.

البته امروز جامعه‌ی نخبگانی کشور، تجربه‌های زیادی دارد. من به طور قاطع عرض میکنم که امروز جامعه‌ی نخبه‌ی متدین و معتقد به دین و انقلاب، فهمشان، درکشان از مسائل بمراتب از نخبگان صدر انقلاب - و حالا به طریق اولی قبل از انقلاب - بالاتر است. یعنی همین مطالبی که شما دانشجویان امروز بیان کردید، که در ذهن شماها هست و در محافل شماها مطرح میشود، آن روز در سطوح بالای دانشگاهی هم مورد توجه نبود و به آنها پرداخته نمیشد، و به آنها دسترسی پیدا نمیشد؛ یعنی ذهنها جور دیگری بود. پس امروز جامعه‌ی نخبگانی و انقلابی کشور، هم تجربه‌ی زیادی دارد، هم ناکامی‌ها را دیده، تلخی‌ها را دیده، دشواری‌ها را دیده، مانع‌تراشی‌ها را دیده، معارضه‌ها را دیده - یعنی اینها را در طول زمان، این جامعه‌ی نخبگانی ما مشاهده کرده‌اند - و نگاهش به مسائل اساسی کشور نگاه‌ی است همراه با توجه به این مشکلات. پس بنابراین، برنامه‌ریزی هم میتواند

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱

برنامه‌ریزی پیچیده‌تر و قوی‌تری باشد از آنچه در گذشته انجام می‌گرفته، و باید همین جور باشد؛ یعنی واقعاً راهبری‌های عملیاتی بایستی با در نظر گرفتن این مشکلات و موانع انجام بگیرد. علاوه بر این، مسائل جدیدی هم هست که در گذشته نبود؛ حالا از جمله مثلاً فرض کنید فضای مجازی، که یک مسئله‌ی جدیدی است، پدیده‌ی تازه‌ای است و قبلاً این [پدیده] وجود نداشته. بنابراین، برای پیشگیری از مشکلات ناشی از این پدیده - بالاخره هر پدیده‌ای یک مشکلاتی دارد، یک منفعتی دارد - و برای اینکه کشور و جامعه از مشکلاتش و ضررهایش و آسیب‌هایش مصون بماند، امروز به فکرهای جدید و راه‌های ابتکاری و در واقع دانش و فکرنویز هست. یا مثلاً در بالا رفتن سن ازدواج و امثال اینها، احتیاج داریم به روشهای نو، روشهای بدیع و روشهای تازه. و به نظر من کشور میتواند در این زمینه‌ها حرکت کند و این نخبگان انقلابی و مؤمن هستند که بایستی دست کشور را پُر کنند و فکر تولید کنند و دانش حرکت در این راه را بایستی تولید کنند. این تحوّل است که باید اتفاق بیفتد. این تحوّل که می‌گوییم، باید ما را به این سمت حرکت بدهد و پیش ببرد.»^۱

چپستی تحوّل

«مقصود ما از تحوّل، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخشهای اداری کشور و بخشهای حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی - که حالا بعد نمونه‌هایی را عرض خواهم کرد - و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها.»^۲

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱

۲. همان

نفی تحوّل در مبانی و اصول انقلاب

«البته تحوّل، یک عنوان عامّی است؛ خیلی‌ها در دنیا هم وقتی راجع به ما صحبت میکنند، بحث تحوّل را مطرح میکنند؛ در داخل کشور هم بعضی‌ها که گرایش‌های بیشتر غربی و میل به شیوه‌های غربی و مفاهیم غربی دارند، بحث از تحوّل میکنند، منتها آن تحوّل‌ی که مورد نظر آنها است، تحوّل در اصل انقلاب است؛ یعنی در واقع به یک معنا ارتجاع؛ یعنی تحوّل آنها به معنای ارتجاع است؛ برگشت به عقب. مفاهیم انقلابی را میخواهند نفی کنند. می‌بینیم در اظهاراتی که در باب تحوّل میکنند، راجع به عادی‌سازی، یعنی به هنجار جهانی نزدیک شدن کشور و انقلاب، بیشتر تحریض میکنند و تحریض میکنند و این را در واقع خطّ نشان تحوّل به شمار می‌آورند. در واقع حرف ما، مراد ما از تحوّل، تحوّل برای تقویت انقلاب است؛ مراد آنها از تحوّل، تحوّل برای نفی انقلاب و نفی مبانی انقلاب است، مراد آنها نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه است. خب پس بنابراین آن کلمه‌ی تحوّل کافی نیست. مراد از تحوّل در بیان ما و در منطق ما عبارت است از اینکه ما به سمت تقویت مبانی انقلاب و اصول انقلاب و خطوط اصلی انقلاب حرکت کنیم، منتها با شیوه‌های نو و با نوآوری و ابتکار.»^۱

اهداف و آرمانهای تحوّل

«در اوّل سال شما می‌گویید: حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ؛^۲ تحوّل بایستی ما را به وضع احسن برساند، به وضع بهتر برساند. بعضی در زمینه‌ی مسائل تحوّل‌ی می‌گویند «تغییر» اما تغییر به کجا؟ مشخص نیست. صرف تغییر، یک ارزش محسوب نمیشود؛ تغییر به سمت بهتر شدن ارزش است، تحوّل به سمت سطح بالا رفتن ارزش است و لاّ مطلق تحوّل نه. پس بنابراین

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱

۲. زاد المعاد؛ مفتاح الجنان، علامه مجلسی، ص ۳۲۸

بایستی احسن‌الحال را پیدا کرد. احسن‌الحال به نظر ما همان تقویت خطوط اصلی انقلاب و روان شدن حرکت به سمت آرمانها است؛ یعنی آرمانهای انقلاب مثل عدالت، مثل استقلال، مثل اسلامی شدن جامعه، اینها آرمانهای بزرگ و اساسی است؛ باید حرکت به سمت این آرمانها آسان بشود و روان بشود. الان ما دشواری‌های زیادی در این زمینه داریم، احتیاج به یک حرکت تحوّل و وجود دارد. حالا این آرمانها که البتّه باید متوجّه به این آرمانها باشیم و حرکت به سمت اینها بکنیم، سطوح مختلفی دارند و ان‌شاءالله شماها بایستی در جلسات دانشجویی، در جلسات بحث و بررسی دانشجویی روی اینها کار کنید و به جزئیات آنها برسید و این را برای مردم تبیین کنید.»^۱

موارد تحوّل

۱- تحوّل در حکمانی و نحوه‌ی مدیریت

«[در مورد] حوزه‌ی تحوّل هم که این تحوّل در کجاها باید انجام بگیرد، همان طور که قبلاً اشاره کردم، هم در بخشهای گوناگون حکمرانی و بخشهای مدیریتی کشور است که خب در زمینه‌های اقتصاد، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، در زمینه‌های مسائل فکری، مشخص است کم‌کاری‌هایی وجود دارد و رفت و برگشتهای اداری، کاغذبازی‌ها و دیوان‌سالاری‌های زائد و مقرّرات غیر مفید و گاهی مضر، مانع از تلاش است - هم در زمینه‌ی اقتصاد که خیلی واضح است و هم در زمینه‌های دیگر - بنابراین یک حوزه‌ی مهم برای تحوّل، همین بخشهای مدیریتی کشور است.»^۲

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱

۲. همان

۲- تحوّل در سبک زندگی

«یک بخش هم در مورد زندگی عمومی مردم است که در این زمینه‌ها هم به معنای واقعی کلمه در بعضی از بخش‌ها بایستی تحوّل حرکت کرد. عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با اینها بایستی برخورد کرد. با نصیحت و توصیه و راه‌حل‌های جزئی نمیشود کار کرد، یک کار تحوّل لازم است؛ مثلاً فرض کنید قضیه‌ی اسراف. در کشور ما اسراف وجود دارد؛ اسراف آب، اسراف موادّ غذایی، اسراف برق. مسابقه‌ی تجمّل؛ که حالا ما اشرافیگری را نفی کردیم و زشت شمردیم که به جای خود مطلب کاملاً درستی است لکن مشکل اینجا است که ریخت و پاشهای اشرافیگرانه به طبقات غیر اشرافی هم در واقع سرایت کرده و متأسفانه مسابقه‌ی تجمّل در ازدواجها، در خانواده‌ها و کارهای گوناگون وجود دارد و باید با آن مبارزه کرد. یا بالا رفتن سنّ ازدواج، یا پیری جمعیت کشور و همین مسائلی که در بیانات بعضی از دوستان هم بود. خب پس همه‌ی اینها حوزه‌های لزوم تحوّل است، در همه‌ی اینها بایستی تحوّل به وجود بیاید.»^۱

۳- تحوّل در دانشگاه

«این دانشگاه را نظام اسلامی بخواهد تبدیل کند به دانشگاه اسلامی، کار ساده‌ای است؟ کار آسانی است؟ دانشگاهی که مثلاً پنجاه سال با آن شکل حرکت کرده و با آن ترکیب و برنامه‌ریزی اداره شده، تبدیل آن به یک دانشگاه اسلامی کار ساده‌ای نیست. آن روز ما به پیچیدگی این کار بدرستی توجه نمیکردیم؛ [لکن] خب بعدها بتدریج خود عناصر دانشگاهی به نکات مهمی در این زمینه برخورد کردند، تذکر دادند، عمل کردند، یک مقداری بهتر شد، اما همچنان این قضیه، یک قضیه‌ی مهم

۱. همان

روی دست نظام اسلامی است و بایستی تحقق پیدا کند و جز با یک تحوّل امکان‌پذیر نیست. حالا این یک مثال بود که من زدم و خب در بقيّه‌ی بخشها هم همین جور است؛ در بخش مسائل اقتصادی و جریان اقتصادی کشور، جریان علمی کشور و امثال اینها همین وجود دارد.^۱

جوانهای نخبه؛ راه منحصربه‌فرد ایجاد تحوّل

«حالا چه جوری این تحوّل انجام بگیرد؟ به نظر من راه منحصربه‌فرد آن جوانهايند. جوانهای زبده و خوبی داریم؛ چون در جوان، هم فکرنو هست، هم [توانايي] يافتن شيوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ اينها همه در جوانها جمع است و خیلی مغتنم است؛ يعنی ابزار لازم برای یک حرکت تحوّل همينها است: فکرنو، ابتکار، جرئت حرکت، ميل کامل به اين حرکت. اينها از لوازم حتمی یک حرکت تحوّل است و اين هم در جوانها وجود دارد، [لذا] بایستی برای یک چنین کاری دنبال جوانهای نخبه رفت.»^۲

۱. در ارتباط تصویری با دانشجویان ۱۴۰۰/۲/۲۱

۲. همان